پیام آبادگران

ارگان رسمی سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران

PAYAM-E-ABADGARAN

۴۰۲

Syndicate Of Iran Construction Companies Monthly Magazine

مسائل بسیار کلیدی در اولین ملاقات
با معاونت جدید فنی و امور زیربنایی سازمان برنامه و بودجه کشور
مطرح شد

حل مسائل صنفی در چارچوب منافع ملی

۱۰

No.402 Khordad and Tir 1401 (July .2022)

سال ۴۰ | خرداد ۱۴۰۱ | شماره ۴۰۲ دوره جدید ۱۷۲ | قیمت: ۵۰۰۰۰۰ ریال

واما متروپل

۲

پشت صحنه فاجعه برج متروپل

۱۸

شهاب تدکار
tadkar web application
سامانه مدیریت پروژه‌های عمرانی (تحت وب)

سامانه نرم افزاری
شهاب تدکار
(تحت وب)

مشاور سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
در سامانه ملی فهرست‌بها و تعدیل

+ مدیریت و کنترل پروژه / سبد پروژه‌ها
+ داشبورد مدیریتی
+ گردش کار تهیه، ارسال و رسیدگی الکترونیکی به صورت وضعیت‌ها

SHAHABTADKAR
Construction Software Web Application

شرکت مهندسی
تدکار نرم‌افزار

تدکار، تداوم ابتکار

• تهران، خیابان کارگر شمالی، بالاتر از بزرگراه جلال آل احمد، خیابان هفتم، پلاک ۳۳، واحد ۸
• تلفکس: ۸۸۳۳۰۳۷۲ ، ۸۸۳۳۰۳۷۶ ، ۸۸۰۲۱۵۰۱ ، ۸۸۰۲۱۴۶۰
www.TADKAR.com | Email: info@tadkar.com

پیام آبادگران

ارگان رسمی سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران

PAYAM-E-ABADGARAN

سال ۴۰ | خرداد ۱۴۰۱ | شماره ۴۰۲ دوره جدید ۱۷۲

Syndicate Of Iran Construction Companies Monthly Magazine

- صاحب امتیاز: سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران
- مدیرمسئول: جواد خوانساری
- شورای سیاست‌گذاری:
  منوچهر ملکیانی‌فرد (نماینده هیأت مدیره)
  جواد خوانساری (مدیرمسئول)
  بهمن دادمان (رئیس هیأت مدیره)
  ایرج گلابتونچی(دبیر سندیکا)
  سالار علیاری (خزانه‌دارسندیکا)
  محمودمصطفی‌زاده(سردبیر)
- رئیس کمیسیون انتشارات: منوچهر ملکیانی‌فرد
- سردبیر: محمود مصطفی‌زاده
- کمیسیون انتشارات و تحریریه:
  منوچهر ملکیانی‌فرد — ایرج گلابتونچی
  محمود مصطفی‌زاده — توحید زورچنگ
  محمدعلی پور شیرازی — مریم خوانساری
  مجتبی ضرابی — علاءالدین سادات باریکانی

- حروفچینی، امور بازرگانی و اشتراک: فریبا پورآقا
- خبرنگار: آرزو نوری
- عکس و صفحه‌آرایی: داود خانی
- مسئول تبلیغات و آگهی: سید مهدی برقی
- لیتوگرافی و چاپ: پیمان نواندیش (۸۸۸۲۸۷۳۴)

فهرست مطالب

۲ و اما متروپل — سرمقاله

۷ حل مسائل صنفی در چارچوب منافع ملی — نشست

۱۷ انتقاد تشکل‌های فنی-مهندسی از تعویق مطالبات پیمانکاران — مکاتبات

۱۸ پشت صحنه فاجعه برج متروپل۲ — گزارش

۲۲ صادرات خدمات فنی-مهندسی در دولت سیزدهم ۴ برابر شد — گفتگو

۲۵ وقتی هیچ‌چیزمان به هیچ‌چیزمان نمی‌آید — مصاحبه

۲۷ مشکلی به نام میان‌مایگان — یادداشت

۲۸ بدکارکردی در نظام مهندسی — گفتگو

۳۵ برگزاری نخستین کارگاه آموزشی سندیکای شرکت‌های ساختمانی / آموزش

۳۶ طبقه بندی و تشخیص صلاحیت پیمانکاران — مقاله

۳۹ سامانه بانک پرسش و پاسخ برای عموم ذینفعان نظام فنی و اجرایی کشور رونمایی شد / خبر

۴۰ فهرست قیمت ماشین آلات و وسایل فروشی / آگهی

نوشته‌های نویسندگان، لزوما نظرات نشریه نیست.نقل مطالب نشریه فقط با ذکر ماخذ مجاز است.

کمیسیون انتشارات در رد یا قبول مقالات ارسالی مختار است و در ویرایش علمی،ادبی و خلاصه‌سازی آن مجاز است، در ضمن مقالات ارسالی عودت داده نمی‌شود

تهران،خیابان طالقانی، بین میدان فلسطین و خیابان ولیعصر، خیابان شهید برادران مظفر (صبای جنوبی)،
شماره ۸۶، ک.پ: ۱۴۱۶۹۶۴۶۹۱ تلفن:۶۶۹۷۱۴۰۰-۶۶۴۶۴۲۶۱ - ۶۶۴۰۲۰۳۷
فکس: ۶۶۴۶۴۰۸۴ پست الکترونیکی:
payamabadgaran@yahoo.com
نشانی الکترونیکی: www.acco.ir

و اما متروپل

طبق معمول بدون آنکه بخواهیم ریشه‌یابی درستی از حوادث و فجایع رخ داده بکنیم، اول از همه می‌رویم دنبال پیدا کردن مقصر و معمولاً هم بالاخره مشخص نمی‌شود در بروز حادثه یا فاجعه تحت بررسی، مقصر کیست! البته که باید در این موارد مقصر یا مسببین مشخص شوند و بر اساس قانون و عدالت در قبال کوتاهی و قصور آنها به حسابشان رسیدگی گردد؛ اما مهم‌تر آن است که دلایل بروز حوادث و فجایع را بدانیم و تلاش کنیم مجدداً شاهد رخداد آن‌ها نباشیم.

تعجب‌برانگیز آن است که در کشور ما با این همه پیشرفت‌ها و دستاوردهای بزرگ در عرصه‌های مختلف علمی، فنی، مهندسی، اجتماعی و ... گاهی شاهد مخاطرات و حوادثی می‌شویم که بسیار بروز آنها حسرت ساز و عجیب است. در قرن بیست و یکم طراحی و ساخت انواع مختلف سازه‌های مهندسی حتی ابرسازه‌ها با توجه به توسعه و پیشرفت دانش بشری به‌ویژه ازنظر علم مهندسی ساختمان یک کار مرسوم است؛ اما چرا این کار مرسوم از نظر مهندسی آن‌هم در کشور ما گاهی به یک فاجعه شوربختانه، بزرگ و قابل تامل تبدیل می‌شود؟

مانند حادثه تاسف باری که در ساعت ۱۲:۳۷ دقیقه ظهر دوم خرداد در پی ریزش ساخت متروپل در شهرآبادان رخ داد. فاجعه‌ای بزرگ با ابعادی وسیع. تعدادی از هم‌وطنان در زیر آوار ساختمان در حال ساخت متروپل ماندند. گروهی مجروح شدند و عده‌ای نیز جان سپردند؛ اما دلیل این حادثه به‌واقع چیست؟ در سرمقاله این شماره نشریه پیام آبادگران سعی می‌شود به اجمال به بررسی ابعاد مختلف این مسئله تا آنجا که ممکن است پرداخته شود؛ اما در ابتدا برای روح در گذشتگان طلب آمرزش و برای بازماندگان صبر مسئلت می‌نماید و به مردم غیور و سربلند آبادان و ملت سرافراز ایران، این مصیبت ملی را تسلیت عرض می‌نماید و اما بررسی دلایل:

نخست: این یک واقعیت ملموس و غیر قابل انکار است که سازه‌های مختلفی که با رعایت دقیق استانداردهای بین‌المللی و ملی و تحت نظام فنی و اجرایی کشور ساخته می‌شوند، عموماً با چنین مخاطراتی روبرو نیستند. نمونه‌های متعددی را می‌توان از سازه‌های مختلف ساخته شده در شهرها و مناطق خارج از شهرها ذکر کرد که ابعادی بسیار بزرگ‌تر از نظر فنی و اجرایی نسبت به ساختمان متروپل دارند که به‌خوبی تحت استانداردهای فنی؛ دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های صادره از سوی نظام فنی و اجرایی کشور، ساخته شده‌اند و خوشبختانه کوچک‌ترین مشکلی در حین ساخت و زمان بهره‌برداری آنها وجود نداشته است.

متولی نظام فنی و اجرایی کشور، امور نظام فنی و اجرایی سازمان برنامه و بودجه است. این امور مسئول تنظیم استانداردها، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها و رویه‌های فنی و اجرایی است که رعایت دقیق آنها در کارهای حوزه صنعت ساخت الزامی می‌باشد. این مستندات باید توسط شرکت‌های شناسنامه‌دار حقوقی تعیین صلاحیت شده برای ساخت و تولید سازه‌های مختلف در کشور بکار گرفته شود و اساساً تحت این نظام هماهنگ، طراحی، نظارت و اجرا سازه‌های مختلف مهندسی کشور، انجام شود. تنظیم و تدوین این استانداردها، دستورالعمل‌ها، رویه‌ها و آیین‌نامه‌ها نمایی از کار مشترک متولیان نظام فنی و اجرایی و مهندسین و تشکل‌های مهندسی کشور است که به بهترین شکل ممکن پیشرفت دانش بشری و توانایی مهندسین ایرانی را در قالب این مستندات و الزامات برای طراحی و ساخت سازه‌های مهندسی به نمایش می‌گذارند.

تجربه نشان داده است هرگاه خارج از این نظام هماهنگ فنی و اجرایی و ضوابط منتشره از سوی این نظام، کاری در حوزه صنعت احداث و ساخت و ساز کشور انجام شود، باید به انتظار بروز مخاطرات و حوادث باشیم. نمونه‌های متعددی از آن را می‌توان برشمرد که شاید نزدیک‌ترین مثال آن قبل از ساختمان متروپل را بتوان در خرابی سازه‌ها در زلزله غرب کشور در چهار آذرماه ۱۳۹۷ یادآور شد. جایی که سازه‌هایی که خارج از نظام فنی و اجرایی کار شده بود در مقابل زلزله مهیب غرب کشور در استان کرمانشاه تاب مقاومت نداشتند و فروریختند و حال آنکه سازه‌های ساخته شده تحت ضوابط نظام فنی و اجرایی در مقابل این زلزله مهیب به‌خوبی مقاومت کرده و پایدار ماندند. این زمین‌لرزه که عمق آن در ده کیلومتری زمین و فاصله آن تا شهرهای سرپل ذهاب، قصر

شیرین و گیلان غرب به ترتیب ۱۷، ۱۸ و ۴۳ کیلومتر به قدرت ۷٫۲ ریشتر بود و به خوبی این اختلاف را به نمایش گذاشت.

پس شاید بتوان مهم‌ترین دلیل بروز خرابی در ساختمان متروپل را از قبل ورود به بررسی‌های فنی و اجرایی دقیق‌تر در این نکته دانست که این ساختمان خارج از استانداردهای فنی و مهندسی بین‌المللی و ملی و همین چارچوب ضوابط نظام فنی و اجرایی کشور هم از حیث طراحی و اجرا پیش رفته بوده و این اولین دلیل بروز فاجعه متروپل است.

با افتخار به این مسئله اشاره می‌شود که شرکت‌های عضو سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران اصولاً و به‌صورت مرسوم یادگرفته‌اند در قالب این نظام فنی و اجرایی و ضوابط آن کار کنند و با رعایت دقیق و درست استانداردها، نتیجه کارشان عموماً ساخت سازه‌های گوناگون شود. البته ایمن و مناسب به عنوان میراث مهندسی در آبادانی کشور که استوار و پابرجا مانده‌اند.

دوم آنکه: ساخت سازه‌ها و به‌ویژه ابرسازه‌ها و ساختمان‌های بلندمرتبه و حتی ساختمان‌های با ابعاد متوسط که بعضاً پیچیدگی‌هایی هم از نظر فنی و مهندسی دارند، می‌باید توسط شرکت‌های حقوقی و شناسنامه‌دار طراحی و اجرا شود. طراحی این سازه‌ها عموماً توسط شرکت یا شرکت‌های مهندسی مشاور صاحب صلاحیت و اجرای آنها نیز توسط پیمانکار یا پیمانکاران دارای رتبه‌بندی و صلاحیت لازم که توسط سازمان برنامه و بودجه تشخیص صلاحیت و رتبه‌بندی شده‌اند؛ می‌باید انجام شود.

نباید کارهای مهندسی در این ابعاد به غیر از شرکت‌های صاحب صلاحیت و رتبه‌بندی شده انجام پذیرد. نوع و حجم کارها نیز باید متناسب با رتبه و حدود صلاحیت این شرکت‌ها باشد. وقتی برای ساخت و سازه‌های این‌چنین خارج از این محدوده اقدام شود، سرعت شکل‌گیری و بروز مخاطرات و فجایع فنی و مهندسی را تسریع و تسهیل می‌کنیم و این خلاف قاعده دقت و رعایت اصول در علم مهندسی است.

اگر طراحی و ساخت سازه‌ها توسط مهندسان مشاور و پیمانکاران صاحب صلاحیت انجام شود و بر کار ساخت نیز مهندسان مشاور صاحب صلاحیت نظارت کنند، خرابی به شکل متروپل هرگز رخ نخواهد داد.

سوم: بر اساس بررسی‌های انجام شده کارشناسی حداقل چهار عامل دیگر را می‌توان در ریزش ساختمان متروپل که تحت بارهای ثقلی خود فرومی‌ریزد موثرتر دانست:

۱- وجود نقص‌هایی در طراحی.

۲- کیفیت پایین ساخت.

۳- وجود نقص‌هایی عمده در عملکرد سازمان‌ها و ارگان‌های مرتبط.

متروپل فروریخت چون خارج از قواعد و ضوابط فنی و مهندسی و به تعبیر بهتر نظام فنی اجرایی کشور در حال ساخت بود اما در قالب روال درست شاهد متروپل نخواهیم بود و می‌ماند مقصران حادثه که بی‌تردید مسئولین مرتبط، سرمایه‌گذار، سازندگان، طراحان و ناظران کم صلاحیت و ساده‌اندیش آن در نهادها و شرکت‌های درگیر همه در رخداد این حادثه مسئول هستند و قطعاً در مقابل مراجع قانونی کشور پاسخگو خواهند بود

۴- نبودن یک سیستم مناسب برای نظارت در طول ساخت که به‌موقع مخاطرات را تشخیص دهد و متناسب تصمیم بگیرد.

برای بررسی بهتر موضوع لازم است نگاهی اجمالی به مشخصات فنی و البته مراحل ساخت، ساختمان متروپل آبادان بیاندازیم.

در سال ۹۳ ایده ساخت ساختمان مذکور در قالب مشارکت شهرداری شهر آبادان با بخش خصوصی برای در اختیار قراردادن تعدادی از قطعات زمین‌های شهرداری در محدوده مرکز شهر شکل می‌گیرد. هدف از این فعالیت استفاده بهینه از املاک شهرداری به‌منظور ایجاد تلفیقی از پارکینگ

طبقاتی و واحدهای تجاری در مرکز شهر آبادان بود. در فرم تهیه نقشه صادره در ۱۳۹۵/۴/۳۰ از سوی شهرداری آبادان، به ساخت متروپل شامل زیرزمین، همکف و هشت طبقه بالای همکف (مجموعاً ده سقف) اشاره شده است.

اولین پروانه ساختمان متروپل با اعتبار سه‌ساله در ۱۳۹۶/۴/۲۷ صادر می‌شود؛ اما در ۱۳۹۹/۱/۲۶ با توجه به اصلاحاتی که اعمال می‌شود، تعداد طبقات بالای همکف به ده طبقه و به عبارتی در مجموع ۱۲ سقف تغییر می‌یابد. این ساختمان دارای شالوده از نوع گسترده به ارتفاع یک متر، سیستم باربر جانبی از نوع دیوار باربر برشی بتنی، سیستم باربر ثقلی از نوع ستون‌های فولادی به همراه سقف مجوف، نوع ستون دوبل IPE به همراه ورق‌های تقویت (با جوشکاری ورق‌های تقویت به‌صورت ناپیوسته) بوده است.

طبق ادعای سایت شرکت سرمایه‌گذار از مزیت‌های این ساختمان اجرای آن با دهانه‌های ۱۶ متر متوالی و سقف مجوف بوده که از این منظر این سازه را با سازه‌های مشابه متفاوت می‌کرده است. البته مشخص گردید این موردی که سرمایه‌گذار به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین مزیت‌های ساختمان موصوف برمی‌شمرد و در واقع به یکی از نقاط ضعف اصلی ساختمان بدل گردید، زیرا استانداردهای این موارد به‌دقت و درستی در طراحی و اجرای این ساختمان با این دهانه و با سقف مجوف رعایت نشده بود. بنابراین به خوبی واضح است که عدم رعایت دقیق استانداردها و آیین‌نامه‌های بین‌المللی و ملی در ساخت چنین سازه‌هایی می‌تواند برتری و مزیت‌های ظاهری و حتی تبلیغاتی را به حوادث و فاجعه‌ای در واقعیت بدل کند، همانند آنچه در مورد متروپل آبادان شاهدش بودیم.

اما در خصوص طراحی این سازه، طرح اولیه این ساختمان بر اساس سازه قاب خمشی فولادی با سقف عرشه فولادی طراحی شده بود. پس از آن به درخواست سرمایه‌گذار طراحی برای اسکلت بتنی با سقف‌های تیرچه‌بلوک انجام می‌شود، اما در نهایت ساختمانی که از ابتدا اجرا می‌شود تلفیقی از ستون‌های فولادی، دیوار برشی بتنی و سقف مجوف بود. بررسی مدارک موجود نشان می‌دهد که شرکت طراح اولیه سازه، در اسفند ۱۳۹۶ در حالی که عملیات در پی‌سازی بوده است از ادامه همکاری انصراف می‌دهد. در مهرماه سال ۱۳۹۸ نظام مهندسی آبادان مسئولیت طراحی و نظارت ساختمان را بر عهده گروه دیگری می‌گذارد. در این زمان طبقات زیرزمین، همکف، اول و دوم اجرا شده بود. این گروه نیز به دلیل عدم توجه سرمایه‌گذار به مسایل و نکات فنی در دی‌ماه ۱۳۹۸ از ادامه همکاری انصراف می‌دهند.

در خردادماه سال ۱۳۹۹ سازمان نظام مهندسی آبادان طراح و ناظر جدیدی برای پروژه معرفی می‌کند. این همه تغییر

در سیستم طراحی و نظارت یک سازه آیا نتیجه‌ای جزگم‌شدن مسئولیت‌ها و عدم توجه به جزییات فنی و مخاطرات مهندسی را در بر نخواهد داشت؟

شایان ذکر است بر اساس گزارش‌های موجود در زمان رفت‌وآمد طراحان و ناظران متعدد به این پروژه مخاطراتی مانند وجود خیز بیش از حد معمول در یکی از تیرها و سقف اجرا شده در محل ورودی رمپ وجود داشت که حتی در بازدیدی توسط معاونت امور سرمایه‌گذاری و مشارکت‌های اقتصادی شهرداری آبادان در حدود ۱۳۹۹/۱۰/۲۰ دیده و گزارش می‌شود؛ ولی متاسفانه از دید طراح و ناظر وقت پروژه مغفول و پنهان مانده و معاونت مذکور از ناظر و طراح می‌خواهد که در این خصوص گزارش کامل و جامعی تهیه و ارائه کند.

پس از این درخواست طراح و ناظر وقت پروژه موارد بسیار و بیشتری از نقص قابل مشاهده را گزارش می‌کند که ابعاد آن بسیار وسیع‌تر از خیز بیش از حد تیرها و سقف ورودی رمپ است که تا آن تاریخ اصلاً به آن اشاره‌ای نشده بود. در این گزارش به وجود ترک‌های خمشی در تیرها، وجود پیچش دال‌های مجوف، مشاهده ترک در دیوارهای پیرامونی رمپ به دلیل خیز زیاد تیرها و از همه مهم‌تر کمانش برخی از ستون‌ها یا ورق تقویت آنها به دلیل بارهای زیاد ثقلی و نهایتاً تقاضای توقف ساخت اشاره شده است.

گزارش بعدی ناظر در تاریخ ۱۴۰۱/۲/۶ اشاره به گسترش بیشتر آسیب‌های سازه‌ای داشته و درخواست توقف فعالیت اجرایی و مقاوم‌سازی کامل ساختمان را مطرح می‌کند و بالاخره ساختمان متروپل در ۱۴۰۱/۳/۲ فرومی‌ریزد. ذکر این نکته ضروری است که مطابق مکاتبات و گزارش‌های موجود در حالی که پروژه در حال ساخت بوده اما در فواصل طولانی از داشتن طراح و ناظر سازه و معماری بی‌بهره بوده است!

خودتان این روال معیوب کاری را مقایسه بفرمایید با پروژه‌های که توسط شرکت‌های مشاور و پیمانکار حقوقی رتبه دار و تحت نظام فنی و اجرایی، انجام شده و می‌شوند. آیا به ضرس قاطع چنین پدیده‌ای در اجرای پروژه‌های انجام شده تحت نظام فنی و

این روال معیوب کاری را مقایسه بفرمایید با پروژه‌های که توسط شرکت‌های مشاور و پیمانکار حقوقی رتبه دار و تحت نظام فنی و اجرایی، انجام شده و می‌شوند. آیا به ضرس قاطع چنین پدیده‌ای در اجرای پروژه‌های انجام شده تحت نظام فنی و اجرایی و به ویژه توسط شرکت‌های عضو سندیکای ساختمانی ایران را می‌توان شاهد بود؟ به‌کارگیری هرکدام از عوامل طراحی، نظارت و اجرا در پروژه علاوه برداشتن صلاحیت‌های لازم و کسب معیارهای متناسب با کار از سوی این عوامل، اصولاً در قالب یک ساختار و یک نظام فنی و اجرایی مبتنی بر ضوابط، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها یا به تعبیر بهتر قوانین امتحان شده کارآمد، انجام می‌شود؛ نه اینکه یک پروژه مهندسی تبدیل به محل بر و بیا گردد!

اجرایی و به ویژه توسط شرکت‌های عضو سندیکای ساختمانی ایران را می‌توان شاهد بود؟ به‌کارگیری هرکدام از عوامل طراحی، نظارت و اجرا در پروژه علاوه برداشتن صلاحیت‌های لازم و کسب معیارهای متناسب با کار از سوی این عوامل، اصولاً در قالب یک ساختار و یک نظام فنی و اجرایی مبتنی بر ضوابط، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها یا به تعبیر بهتر قوانین امتحان شده کارآمد، انجام می‌شود؛ نه اینکه یک پروژه مهندسی تبدیل به محل بر و بیا گردد!

اگر در پروژه‌های نظام فنی و اجرایی یک مشاور یا پیمانکار انتخاب شود، قطعاً تحت بالاترین سطوح کنترل معیارهای فنی و تجربی تصریح شده در قوانین و آیین‌نامه‌های موضوعه مراحل انتخاب آن به صورت قانونمند انجام می‌شود حتی چنانچه به دلایلی جابه‌جایی آنها نیز مدنظر باشد با همین دقت و طی همان مسیر دقیق این جابه‌جایی عوامل فنی در پروژه صورت می‌گیرد. ضمناً این همه رفت‌وآمد طراحان مختلف با گم‌شدن مسئولیت آنها قطعاً در چنین نظام فنی و اجرایی مطلقاً و محتملاً اتفاق نمی‌افتد.

توضیحات فوق نشان می‌دهد تغییرات ایجاد شده در طراحی اولیه و تغییرات مداوم در مسیر ساخت، بدون وجود یک سیستم کارآمد طراحی و نظارت سهم بزرگ و دلیل قابل‌توجهی در رخداد این فاجعه داشته است.

اما در اجرا نیز کیفیت کار متروپل بر اساس بررسی‌های انجام شده و گزارش‌های موجود مناسب نبوده است. مشاهده آرماتورها در کف دال مجوف، انجام مداوم تقویت اعضاء و اصلاح جوشکاری ورق‌های کمانش یافته ستون‌ها، مشاهده خیز به وجود آمده بیش از حد مجاز در برخی تیرها و همچنین ساخت قطعات فولادی پروژه در محل کارگاه به‌صورت قطعه‌قطعه انجام شده که باکیفیت نازل ساخته‌شده‌اند، همگی نشانگر کیفیت پایین کار و نبود یک سیستم دقیق نظارت و اجرا است. انجام فعالیت‌های مداوم بهسازی و تقویت و ایجاد تغییرات سازه‌ای بدون توجه به مولفه‌های فنی و ایمنی را نیز می‌توان به این مسئله افزود.

حال نکته اساسی این است تا وقتی که روال کار درست و اصولی مبتنی بر معیارها و استانداردهای بین‌المللی و ملی نباشد هم سرمایه و هم جان مردم در مقابل این مسائل در معرض تهدید و زوال قرار می‌گیرد؛ بنابراین باید به انجام کارها صرفاً تحت اصول و قواعد درست مهندسی تن داد و به آن عمل کرد. سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران همواره بر این مسئله تاکید داشته است و آن را یک اصل اساسی و لازم در اجرای هر سازه مهندسی دانسته و می‌داند. در این رهگذر سازمان‌های کارفرمایی چون شهرداری آبادان و دیگر نهاد و سازمان‌های مرتبط حتی نظام مهندسی کشور هم باید به رعایت این اصل تاکید داشته و به آن عمل کرده و همواره عمل نمایند. باید تمام این سازمان‌ها ملزم شوند از استانداردها و ضوابط مشخص شده تهیه شده وموردتایید نظام فنی و اجرایی کشور فعالیت کنند و از بکارگیری مشخصات فنی و اجرایی خارج از این ضوابط به شدت اجتناب نمایند.

اما این نکته نیز قابل توجه است که صنعت ساختمان کشور یا به تعبیر درست‌تر صنعت احداث کشور در حوزه ساخت و ساز دستاوردهای بزرگی داشته است که باید به آنها پرداخته شود و آنها را برای مردم بازگو کرد تا بدانند توان مهندسی کشور تا چه حد بالاست و نباید با یک کار خارج از روال این دستاوردها را کوچک شمرد و به انتقاد از آنها پرداخت.

اگرچه با یک فاجعه مانند متروپل توجه همه به این مقوله جلب می‌شود اما نمی‌توان توان مهندسی واقعی کشور را در متروپل خلاصه کرد. انتقاد از سازندگان، سرمایه‌گذاران و دست‌اندرکاران متروپل به‌جای خود، باید مقصرین و مسببین این حادثه بزرگ و غم‌بار هم به وقتش شناسایی و تأدیب شوند، اما دستاوردهای بزرگ نباید لوث و کم‌اهمیت جلوه داده شود.

متروپل فروریخت چون خارج از قواعد و ضوابط فنی و مهندسی و به تعبیر بهتر نظام فنی اجرایی کشور در حال ساخت بود اما در قالب روال درست شاهد متروپل نخواهیم بود و می‌ماند مقصران حادثه که بی‌تردید مسئولین مرتبط، سرمایه‌گذار، سازندگان، طراحان و ناظران کم صلاحیت و ساده‌اندیش آن در نهادها و شرکت‌های درگیر همه در رخداد این حادثه مسئول هستند و قطعاً در مقابل مراجع قانونی کشور پاسخگو خواهند بود.

به امید آنکه دیگر شاهد این فجایع نباشیم.[1]

صنعت ساختمان کشور یا به تعبیر درست‌تر صنعت احداث کشور در حوزه ساخت و ساز دستاوردهای بزرگی داشته است که باید به آنها پرداخته شود و آنها را برای مردم بازگو کرد تا بدانند توان مهندسی کشور تا چه حد بالاست و نه باید با یک کار خارج از روال این دستاوردها را کوچک شمرد و به انتقاد از آنها پرداخت.

انتقاد از سازندگان، سرمایه‌گذاران و دست‌اندرکاران متروپل به‌جای خود، باید مقصرین و مسببین این حادثه بزرگ و غم‌بار هم به وقتش شناسایی و تأدیب شوند، اما دستاوردهای بزرگ نباید لوث و کم‌اهمیت جلوه داده شود.

۱- در تهیه این سرمقاله از گزارش تیرماه ۱۴۰۱ موسسه بین المللی زلزله و مهندسی زلزله تحت عنوان «نگاهی به حادثه فروریزش ساختمان متروپل آبادان» استفاده شده است.

مسائل بسیار کلیدی که توسط نمایندگان سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران، سندیکای تاسیساتی و صنعتی ایران و انجمن اپک در اولین ملاقات با معاونت جدید فنی و امور زیربنایی سازمان برنامه‌وبودجه کشور مطرح شد

حل مسائل صنفی در چارچوب منافع ملی

روز دوشنبه ۹ خرداد نمایندگان سندیکا به همراه نمایندگان تشکل‌های بزرگ پیمانکاری در سازمان برنامه و بودجه حاضر شدند تا مسائل و مشکلات مبتلابه پیمانکاران را مطرح کنند. در این دیدار که با حضور جناب آقای مهندس امانی معاونت محترم فنی و امور زیربنایی سازمان، جناب آقای دکتر قانع‌فر رئیس محترم امور نظام فنی و اجرایی سازمان، جناب آقای مهندس امینی ریاست محترم واحد تشخیص صلاحیت امور پیمانکاران و مشاوران دفتر نظام فنی و اجرایی و جناب آقای دکتر شکیبایی معاونت محترم امور نظام فنی و اجرایی سازمان برنامه‌وبودجه کشور برگزار شد مباحث مهمی مطرح شد که نه تنها از چالشهای موجود در حوزه صنعت احداث گفته شد، بلکه راه‌حل‌های پیشنهادی را از زبان فعالان این حوزه به همراه داشت.

در ابتدای این دیدار جناب آقای دکتر قانع‌فر رئیس امور نظام فنی و اجرایی سازمان برنامه‌وبودجه کشور با بیان این که دوستان پیمانکار ما پس از معارفه شما علاقه‌مند بودند با معاونت جدید دیدار کنند و آشنایی بیشتری داشته باشند، عنوان کرد: نمایندگان ۵ تشکل بزرگ پیمانکاری کشور در این جلسه حضور دارند تا مسائل مربوط به صنف خود را مطرح کنند.

امیدوارم همانگونه که در دیدار با مشاوران به نتایج خوبی رسیدیم از گفتگوهای امروز نیز نتایج خوبی حاصل شود.

حل مسائل صنفی در چارچوب منافع ملی

در ادامه مهندس بهمن دادمان رئیس هیات مدیره سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران ضمن تبریک به معاون جدید سازمان و تقدیر از زحمات معاون قبلی عنوان کرد: ما برای شما آرزوی موفقیت و صبوری داریم چراکه فعلاً وضعیت مناسبی برای عمران و صنعت احداث وجود ندارد. در شرایط کنونی جامعه پیمانکاری کشور با مضایق و محدودیتهای فراوانی روبرو هست که جنابعالی به آن اشراف دارید. مشکلات زیادی وجود دارد ولی ما همواره در جهت حل مسائل صنفی در

مهندس دادمان:
در شرایط کنونی جامعه پیمانکاری کشور با مضایق و محدودیتهای فراوانی روبرو هست. مشکلات زیادی وجود دارد ولی ما همواره در جهت حل مسائل صنفی در چارچوب منافع ملی و در تعامل حداکثری با نظام فنی و اجرایی تلاش کرده‌ایم

چارچوب منافع ملی و در تعامل حداکثری با نظام فنی و اجرایی تلاش کرده‌ایم و کماکان به تلاش خود ادامه خواهیم داد. از دکتر قانع‌فر و همکاران ایشان نیز متشکریم که با تعامل خوب، امکان طرح و همفکری مسائل صنف را فراهم کرده‌اند. امیدواریم با حضور شما این تعامل شکوفاتر شود و ما شاهد یکدستی کامل در برطرف کردن مسائل موجود برای پیشرفت و توسعه باشیم.

وی افزود: امیدوارم جلسات بیشتری ازاین‌دست در خدمت شما باشیم و وظایف خود را در جهت توسعه پایدار و آبادانی کشور در تعامل با سازمان برنامه ادامه دهیم.

کارهای ساختمانی به اهل آن سپرده شود

در ادامه **دکتر ایرج گلابتونچی** دبیر سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران نیز ضمن اشاره به تعامل مستمر سندیکا با نظام فنی و اجرایی عنوان کرد: پیش از هر سخنی لازم می‌دانم حادثه متروپل را به مردم شریف آبادان تسلیت عرض کنم و برای روح درگذشتگان علوّ درجات را مسئلت نمایم. امیدوارم کارهای ساختمانی در جای‌جای ایران به اهل آن سپرده شود تا شاهد چنین اتفاقاتی نباشیم.

وی در ادامه عنوان کرد: لازم است تصویری از صنعت احداث در اقتصاد کشور در دو حوزه کلان و نظام فنی و اجرایی داشته باشیم. در حوزه نظام فنی و اجرایی به مواردی مانند ضرورت تسریع ابلاغ شاخص‌های تعدیل به‌ویژه تعدیل ماهانه برای فصل بهار، تحلیلی از اضافه شدن حقوق و دستمزد که چه به‌روز پیمانکاران آورده است، مشکلات اسناد خزانه، مشکلات آیین‌نامه تشخیص صلاحیت، لزوم تخصیص مناسب اعتبارات به دلیل شرایط موجود، و شرایط عمومی پیمان اشاره خواهم کرد و توضیحاتی را ارائه خواهم نمود. در بحث حوزه کلان نیز به مواردی مانند نامشخص بودن متولی پیمانکاری کشور، تفکیک واژه تولید و خدمات در مورد پیمانکاران، بها دادن به بحث مشارکت عمومی و خصوصی با توجه به بودجه عمرانی، لزوم و ضرورت دریافت نظرات بخش خصوصی و تشکل‌های اقتصادی، اصلاح قوانین خصوصی‌سازی، و بحث‌های مربوط به صدور خدمات و مهندسی ارائه خواهم داد. در این خصوص موارد مذکور را در قالب یک فایل پاورپوینت به سمع و نظر شما می‌رسانم.

گلابتونچی در خصوص وضعیت اشتغال در کشور اشاره کرد: جمعیت بیکار بالای ۱۵ سال کشور بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران از بهار ۱۳۹۸ تا زمستان سال ۱۴۰۰ تقریباً حدود ۲ میلیون نفر اضافه‌شده است. نرخ بیکاری هم به همین ترتیب تغییر کرده است. اما نرخ بیکاری در قشر تحصیل‌کرده اضافه‌شده و از بهار ۱۴۰۰ تا زمستان ۱۴۰۰ حدود۲ درصد به جمعیت فارغ‌التحصیل بیکار کشور اضافه‌شده است و به ۴۲ درصد رسیده که نشان می‌دهد باید تدبیری برای اشتغال آن‌ها صورت بگیرد. با توجه به آنچه شما در سامانه سازمان برنامه‌وبودجه کشور، ثبت می‌کنید ۵۵ هزار شرکت پیمانکاری و۳هزار و ۳۰۰ شرکت مهندسی مشاور داریم. اگر بخواهیم به همه این شرکت‌ها کار بدهیم باید حدود ۵ هزار همت معادل ۲۰۰ میلیارد دلار بودجه تعریف کنید که در شرایط کنونی کشور عملاً ممکن نیست.

وی افزود: شرکت‌های پیمانکاری در ۹۰ هزار رشته - رتبه تائید صلاحیت شده‌اند که بیشترین تجمع شرکت‌های رتبه‌بندی شده به گواه آمار در تهران بوده و کمترین آن در استان قم و خراسان جنوبی دیده می‌شود. رشد تعداد شرکت‌های پیمانکاری از سال ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹ حدود ۱۳ درصد، از سال ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۰ حدود ۸ درصد و از سال ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۱ حدود۴/۵ درصد اضافه‌شده است، به عبارتی هرسال بر این ظرفیت اضافه‌شده است. تعداد پیمانکاران در سال ۱۳۹۷ حدود ۴۰ هزار بوده که امروز به ۵۵ هزار شرکت رسیده است. البته بیشتر این شرکت‌ها رتبه ۵ هستند یعنی نیروهایی جوان و دانشگاهی هستند که شرکت تاسیس می‌کنند و بیشتر به کارهای ساختمانی، آب و راه علاقه‌مندند و گرایش کمتری به کارهای تاسیسات و نفت دارند. درمجموع بیش از ۹۵ درصد از پیمانکاران در رتبه‌های ۲ تا ۵ حضور دارند. در مورد مهندسان مشاور نیز حدود ۷۰-۸۰ درصد تجمع در رتبه ۳ است.

وی تصریح کرد: با توجه به بررسی ما در سندیکا در مورد مشاغل صنعت پیمانکاری که بیمه تامین‌اجتماعی پرداخت می‌کنند، پیمانکاران به‌طور مستقیم ۲/۵ میلیون نفر را مشغول به کار کرده‌اند. اگر در هر خانواده‌ای ۴ نفر عضو باشند حدود ۱۰ میلیون نفر از جمعیت کشور از کار ما متاثر می‌شوند. در مورد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، سالی ۲۳۰ هزار مهندس فارغ‌التحصیل از دانشگاه‌های کشور داریم که نسبت به سرانه جمعیت از ایالات متحده آمریکا و روسیه هم بیشتر است. چین و ترکیه در این جدول جزو ۱۰ کشور با بالاترین تعداد فارغ‌التحصیلان مهندسی در سال نیستند اما بعداً به شما خواهم گفت که آن‌ها با اهمیت دادن به بخش خصوصی چه دستاوردهایی در حوزه صدور خدمات فنی و مهندسی داشته‌اند.

گلابتونچی گفت: تعداد دانشگاه‌های ایران از مجموع ۱۰ کشور برتر دنیا بیشتر است. نسبت به چین که۲۴۰۰ دانشگاه دارد نیز دانشگاه‌های ما با تعداد۲۶۰۰ دانشگاه بیشتر است. نکته اینجاست که ۵ هزار میلیارد تومان از بودجه کشور در این بخش هزینه می‌شود و نتیجه کار آن فارغ‌التحصیلان بیکار آن‌هم با حدود ۴۲

درصد از کل فارغ‌التحصیلان است.

افزایش دستمزد، شوک ۵۱ درصدی به پروژه‌های عمرانی

دبیر سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران در زمینه افزایش حقوق و دستمزد نیز عنوان کرد: با توجه به جدول افزایش حقوق و دستمزد سال ۱۴۰۱-۱۴۰۰، اگر در سال ۱۴۰۰ فردی ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان حقوق می‌گرفته با سایر مزایا حدود ۴ میلیون تومان می‌شده است که امسال با توجه به افزایش پایه حدود ۶ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان می‌شود که حدود۶۹ درصد افزایش حقوق دارد که با مزایا ۵۹ درصد می‌شود. در کارگاه‌های ما افراد متخصصی هستند که حقوق آن‌ها تا ۲۸ میلیون تومان هم می‌رسد و میانگین را باید دید. اگر فراوانی دستمزدها را ببینید ۳۰ درصد کارگری و سایر آن‌ها که حدود ۶-۱۰ میلیون تومان است، حدود ۵۱ درصد حقوق‌های ما افزایش‌یافته است. به عبارتی در آغاز سال، ۵۱ درصد شوک به پروژه‌های عمرانی واردشده است. شما می‌خواهید آن را با تعدیل سه‌ماهه‌ای که آبان یا آذرماه بیرون خواهد آمد جبران کنید، کما اینکه تا صورت‌وضعیت شود و به ذی‌حسابی برود بیشتر از اینها طول خواهد کشید و حتی به پایان سال می‌رسد و این تازه مربوط به شش ماه اول سال است که در پایان سال اگر اعتبار وجود داشته باشد، دریافت خواهند کرد.

وی تصریح کرد: پیمانکاران باید این شوک را تحمل و پرداخت کنند! اما سوال اینجاست که از کجا و از چه منبعی پرداخت کنند. در بحث مهندسی و ساخت ۲۵ درصد دستمزد در بهای تمام‌شده تاثیر می‌گذارد، نرخ ارز و قیمت مصالح و ... هم هستند که تاثیر دارند. اما در مورد تاثیری که دستمزد دارد، با مقایسه نرخ تورم و دستمزد می‌بینید که اینها در هم تنیده‌اند و با هم ارتباطات تنگاتنگی دارند و تغییرات آن‌ها به هم وابسته است. به محض این که روی دستمزد دست می‌گذارید تورم هم تاثیر می‌پذیرد یعنی با بالا رفتن دستمزد تورم هم بالا می‌رود یعنی شما اول سال به حقوق دست می‌زنید و آخر سال تورم را می‌گیرید اما ببینید در طول سال چه به‌روز فعالان اقتصادی می‌آید.

دبیر سندیکا گفت: از طرفی ما دیگر نمی‌توانیم کارگر و مهندس به تعداد کافی پیدا کنیم. همه جا پر از آگهی استخدام است در نتیجه تقاضا بالاست. کارگر برای کارهای عمرانی کم است و اگر باشد دستمزد آن بالا است. یکی از علت‌ها این است که کارگران و مهندسان به راحتی می‌توانند از بیمه بیکاری استفاده کنند. من آمار استفاده‌کنندگان از بیمه بیکاری سال ۱۴۰۰ را گرفته‌ام، حدود ۳۰۰ هزار نفر بیمه‌شده تامین اجتماعی هستند که در سال ۱۴۰۰ از بیمه بیکاری استفاده کردند. دستمزد آن‌ها در بیمه بیکاری حدود ۵۵ تا ۸۰ درصد دستمزد شاغلین است. به‌طور متوسط شاغلین حدود ۵/۵ میلیون تومان در ماه حقوق می‌گیرند، بر این اساس متوسط دریافتی استفاده کنندگان از بیمه بیکاری حدود ۶۷/۵ درصد حقوق متوسط شاغلین است. یعنی شما با توجه به تعداد آن‌ها ماهانه حدود ۱۱۰۰ میلیارد تومان از بیمه بیکاری به آن‌ها می‌دهید که با لحاظ عیدی حدود ۱۴ هزار میلیارد تومان در سال می‌شود. اگر آن‌ها پیش ما کار می‌کردند علاوه بر این که شما ۱۴هزار میلیارد را نمی‌دادید ما ۳۰ درصد هم حق بیمه آن‌ها را به سازمان تامین اجتماعی می‌دادیم یعنی ۱۸ هزار میلیارد تومان دولت در سال بابت پرداخت به آن‌ها، هزینه می‌کند که در نهایت آن‌ها بیمه بیکاری بگیرند و کار نکنند یا در نهایت در جاهای دیگری مانند اسنپ کار کنند!

وی افزود: یعنی به جای این که دولت افزایش حقوق بدهد و آن را تا اتخاذ یک راهکار جبرانی به گردن فعالان اقتصادی بیاندازد باید این بحث‌ها را حل کند. ما به کارگران و مهندسان اضافه کاری و حق ماموریت می‌دهیم. از اضافه کاری و حق ماموریت سازمان تامین اجتماعی بیمه کم می‌کند که ما می‌گوییم حداقل این عدد را که کم می‌کنید به خود آنان بازگردانید یا مثلا سبد ارزاق غیر نقدی به آن‌ها بدهید یا سقف معافیت مالیاتی آن‌ها را بالا ببرید ولی حقوق را در ابتدای سال به این شکل و به این نسبت افزایش ندهید زیرا بسیار تورم زا است. به نظر می رسد عملکرد سازمان تامین اجتماعی هم باید با کمک سازمان

دکتر گلابتونچی:
برای کنترل سیستم پیمانکاری باید در یک تصمیم عاجل و قطعی شاخص‌های تعدیل موقت ماهیانه و شاخص‌های قطعی در پایان سه ماهه ابلاغ شود چون امکان کنترل کارگاه با این حجم کار و این افزایش‌ها عملا وجود ندارد.

برنامه‌وبودجه تغییر یابد چون علاوه بر همه این فشارها، سازمان تامین اجتماعی فشار زیادی بر فعالان بخش خصوصی در زمینه مسائل بیمه‌ای می‌آورد. ما تاثیرات افزایش جهشی حقوق را به آقای دکتر میرکاظمی منعکس کردیم که افزایش حقوق بدون کمک به فعالان اقتصادی که بتوانند مشکل را کنترل کنند می‌تواند چه تبعاتی داشته باشد. قطعا تعدیل نیروی کار را به همراه دارد. ضد اشتغال و همراه با تورم است. پیش‌بینی ما بدون اضافه کردن افزایش قیمت اقلام جاری، حداقل ایجاد۶۰ درصد تورم است. راهکار ما بخشیدن مالیات کارگران، اخذ مالیات از همه قطب‌های اقتصادی کشور، تغییر شیوه ابلاغ شاخص‌های تعدیل و ... است.

دبیر سندیکا گفت: برای کنترل سیستم پیمانکاری باید در یک تصمیم عاجل و قطعی شاخص‌های تعدیل موقت ماهیانه و شاخص‌های قطعی در پایان سه ماهه ابلاغ شود چون امکان کنترل کارگاه با این حجم کار و این افزایش‌ها عملا وجود ندارد. شایان ذکر است که تعدیل سه ماهه سوم و چهارم سال ۱۴۰۰ نیز تا کنون ابلاغ نشده که باید در خصوص ابلاغ آن تسریع شود.

اوراق مدّت‌دار است اما پرداخت ما نقدی است

دکتر ایرج گلابتونچی در زمینه اسناد خزانه نیز عنوان کرد: از سال ۱۳۹۵ به فعالان اقتصادی اسناد خزانه داده شد. اول گفته شد از بازه زمانی تاریخ انتشار تا تاریخ سررسید، حفظ قدرت خرید تعلق نمی‌گیرند اما با پیگیری سندیکای شرکت‌های

دکتر گلابتونچی:
یکی از چالشهای بزرگ در حوزه تشخیص صلاحیت، طولانی شدن پرونده‌های رسیدگی به خصوص در زمینه سامانه ساجات است. پیشنهاد ما در این مورد استفاده از ظرفیت تشکلها است. البته آقای دکتر قانع‌فر و آقای دکتر شکیبایی و همکاران ایشان تلاش کرده‌اند از این ظرفیت استفاده کنند. ما پیشنهاد داریم بررسی رتبه‌های ۱ و ۲ را هم بر عهده ما بگذارند و صدور و ارائه گواهی‌نامه را همچنان نظام فنی و اجرایی سازمان برنامه‌وبودجه بر عهده داشته باشند

ساختمانی و دیگر تشکل‌های مرتبط بازه زمانی اصلاح شد ولی در سال ۱۳۹۶ گفتند تا ۸ درصد سود می‌دهند. دوباره سال ۱۳۹۷ گفتند ۱۰ تا ۱۵ درصد می‌دهند اما از تاریخ مسجل شدن بدهی تا تاریخ انتشار را سود نمی‌دهند. بعد گفتیم یعنی چه؟ شما اوراق مدت‌دار می‌دهید و پرداخت صورت‌وضعیت را موکول به آینده می‌کنید در حالی که ما نقد پرداخت کردیم. آخر سال ۱۳۹۷ بالاخره قبول کردند و نرخ ۱۵ درصد هم از میانگین تورم آن سال را گذاشتند که از آن سال تا کنون به صورت ۱۵ درصد مانده است. شما صورت‌وضعیت من پیمانکار را به صورت اوراق و اسناد می‌دهید و هرسال هم ۱۵ درصد روی آن می‌گذارید اما من اگر ۱۰۰ واحد از شما بگیریم با تنزیل در کارگزاری بورس ۷۵ درصد نهایتا می‌گیرم. مگر من در کار مهندسی خود چقدر سود برآورد کرده‌ام که ۲۵ درصد آن را به این ترتیب باید بپردازم؟ وی برای روشن شدن توضیحات خود مثالی زد و گفت: برای مثال در یک پروژه اجرایی در شمال کشور ۵ میلیارد و ۳۵۰ میلیون تومان صورت‌وضعیت بوده، ارزش افزوده و قدرت خرید را گذاشته اند که ۸ میلیارد و ۷۶۱ میلیون تومان شده و اوراق آبان ۱۴۰۳ را داده‌اند که آن را در بازار تنزیل کردیم و بعد از کم کردن ارزش افزوده و هزینه‌های تنزیل در نهایت ۳ میلیارد و ۹۸۶ میلیون تومان باقی مانده است. بعد باید با این ۳ میلیارد و ۹۸۶ میلیون تومان کار کنیم که دفعه بعد کم و کمتر می‌شود. به این ترتیب پیمانکار باید از منابع خود مثلا فروش ماشین‌آلات و تجهیزات خود این کسری را جبران کند تا بتواند تعهدات خود را انجام دهد و بنابراین رفته رفته توانش کمتر می‌شود و نهایتا از چرخه خدمت به کشور خارج می‌شود.

وی گفت: برای این که فکر نکنید این اتفاق فقط در کارهای بزرگ می‌افتد من یک کار کوچک هم مثال می‌زنم. اسناد و مدارک پروژه‌ای در کرج را به عنوان مثال دیگر آورده‌ام که صورت‌وضعیت و تعدیل پیمانکار آن ۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان بوده که ۲۱/۶ درصد تنزیل شده است و نهایتا ۲ میلیارد و ۱۱۵ میلیون تومان باقی مانده است. تا دو سال پیش اداره مالیات می‌گفت به من ربطی ندارد که تنزیل می‌کنید و حتی مالیات بخش تنزیل شده را از ما اخذ می‌کرد.

ایرج گلابتونچی گفت: در یک بررسی کلی بر روی اوراق یک ساله، دو ساله و ۲/۵ ساله که با قیمت کارگزاری محاسبه شده است را ملاحظه می فرمایید، اگر به من اوراق یک ساله بدهید ۸/۵ درصد، اگر اوراق دو ساله بدهید ۱۹ و اگر اوراق ۲/۵ ساله بدهید ۲۴ درصد پیمانکار باید از خودش بدهد. جالب این که وقتی ما صورت‌وضعیت می‌دهیم شما ۱۰ درصد را کم می‌کنید و در صندوقی سپرده می‌کنید. اگر بگوییم سپرده پروژه را بدهید می‌گویید بروید ضمانت‌نامه بانکی بیاورید تا بدهیم. ضمانت‌نامه بانکی که می‌دهیم می‌گویید برای حفظ قدرت خرید سودش را حساب نمی‌کنیم. می‌گوییم چرا حساب نمی‌کنید، آن‌هم بخشی از صورت‌وضعیت ما بوده است یعنی آن ۲۵ درصد با این وضعیت حدود ۵۰ درصد ریزش خواهد داشت. نیت پیمانکار این است که ۱۰ درصد را بگیرد و در کارگاه هزینه کند و کارها را جمع کند که با امکان این روش عملا با دریافت سپرده بسیار کاهش می‌یابد.

وی افزود: دولت بخشنامه‌ای مختص در این خصوص صادر کرده است، یکبار اعلام کرده سود اوراق سپرده شده را می‌دهیم یکبار گفته نمی‌دهیم. آنقدر تعارض قوانین در این باره وجود دارد، و به قدری به نظر ما بی‌اعتنا هستند که می‌پرسیم پس این بند ۲ و ۳ قانون بهبود مستمر کسب و کار برای چیست؟ دوباره در تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۲ گفته‌اند حفظ قدرت خرید را برای سپرده حساب نمی‌کنیم که این مسئله در تعارض با آیین‌نامه اسناد خزانه اسلامی و روح حاکم بر جبران خسارت تاخیر در پرداخت و حفظ قدرت خرید اسناد است.

دبیر سندیکا افزود: نکته بعد در خصوص دریافت پیش پرداخت به صورت اوراق است. ببینیم این مسئله چه می‌شود. در صورت وجود اعتبار و پس از تایید کارفرما مبنی بر پرداخت پیش پرداخت، اولا باید مبلغی را در بانک سپرده کنیم تا ضمانت‌نامه بانکی بگیریم سپس اوراق معادل مبلغ پیش پرداخت بدون محاسبه حفظ قدرت خرید بگیریم و تنزیل کنیم. این در حالی است که دستگاه اجرایی معادل پیش پرداخت را کسر می‌کند. برای نمونه در پروژه‌ای در زنجان ما ۶ میلیارد و ۴۵۹ میلیون تومان باید پیش پرداخت می‌گرفتیم، بدون آنکه حفظ قدرت خرید بدهند معادل آن اوراق داده‌اند، این اوراق را برده‌ایم فروخته‌ایم نهایتا ۴ میلیارد و ۳۶۹ میلیون تومان دریافت کرده‌ایم یعنی ما باید حدود ۶ میلیارد تومان ضمانت‌نامه بدهیم که کارفرما از ما ۶/۵ میلیارد کم کند ولی ۴ میلیارد تومان دریافت کنیم.

اسناد خزانه ۳ ساله یعنی نابودی سیستم پیمانکاری

دکتر ایرج گلابتونچی تاکید کرد: در تهیه آیین‌نامه اسناد خزانه نظر ما را نمی‌گیرند. هیچ تناسبی بین حفظ قدرت خرید و ارزش پول ملی و تورم نیست. مدت زمان

۳ ساله اسناد خزانه یعنی نابودی سیستم پیمانکاری، قرار بود اسناد خزانه را برای مطالبات قطعی شده گذشته بدهند، آن را که نمی‌دهند بلکه مطالبات حال و آینده ما را با اسناد پرداخت می‌کنند. مورد بعدی پرداخت پروژه با اسناد به جای پرداخت نقدی است. اکثر قراردادهایی که ما از قبل داشتیم پرداخت به شکل نقدی بود و این موارد را ندیده بودیم. الآن‌هم که دستگاههای اجرایی در مناقصات خود را راحت کرده‌اند و می‌گویند پرداخت کارکردها بخشی به صورت نقد و بخشی به صورت اسناد خواهد بود. و ما نمی‌دانیم چه باید کرد و با چه مبنایی باید قیمت کار را محاسبه کرد.

سازمان مالیاتی هم در زمینه دریافت اسناد کمک نمی‌کند. بیمه هم می‌گوید اسناد خزانه را قبول نمی‌کند و عملا در دریافت آن بسیار سخت عمل می‌کند. می‌گوییم دولت عنوان کرده بیمه باید اسناد را قبول کند، می‌گویند دستگاههای اجرایی اوراق را تحویل مرکز می‌دهد تا این اوراق به شعبه مربوطه در شهرستان محل پروژه برسد شما باید همچنان حق بیمه بدهید، بعد از این که رسید ما بازپرداخت می‌کنیم تازه تنزیل آن را هم باید بدهید، خیلی جاها هم قبول نمی‌کنند یعنی دولت اوراقی تحویل می‌دهد که سازمانهای وابسته به دولت هم آن را قبول نمی‌کنند یا به سختی دریافت می‌کنند. ما این وسط مانده‌ایم که چه باید بکنیم. از طرفی اگر لیست بیمه ندهیم کارگرها و پرسنل به ما اعتراض می‌کنند که بیمه ما دچار مشکل می‌شود که حق هم دارند و باید پرداخت کنیم، از طرفی اگر مالیات ندهیم هم بلافاصله ممنوع‌الخروج می‌شویم و حسابهای بانکی ما بسته می‌شود. به هر حال باید در مورد اوراق چاره راهگشایی اندیشیده شود. لذا در نهایت درخواست ما در این بحث، پرداخت نقدی مطالبات پیمانکاران و در صورت پرداخت با اسناد، جبران هزینه تنزیل آن است.

مسائل و مشکلات پیمانکاران در زمینه رتبه‌بندی

دبیر سندیکا در زمینه تشخیص صلاحیت نیز گفت: تشکلهای حاضر، خدمات مشاوره‌ای و آموزشی به اعضای خود می‌دهند. مثلا سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران یک توافق‌نامه با سازمانهای برنامه‌وبودجه استان تهران دارد که رتبه ۳ و ۴ و ۵ را در سندیکا بررسی کنیم و آن‌ها گواهی‌نامه را صادر کنند و تحویل پیمانکار متقاضی بدهند. یکی از چالشهای بزرگ در حوزه تشخیص صلاحیت، طولانی شدن پرونده‌های رسیدگی به خصوص در زمینه سامانه ساجات است. پیشنهاد ما در این مورد استفاده از ظرفیت تشکلها است. البته آقای دکتر قانع‌فر و آقای دکتر شکیبایی و همکاران ایشان تلاش کرده‌اند از این ظرفیت استفاده کنند. ما پیشنهاد داریم بررسی رتبه‌های ۱ و ۲ را هم بر عهده ما بگذارند و صدور و ارائه گواهی‌نامه را همچنان نظام فنی و اجرایی سازمان برنامه‌وبودجه بر عهده داشته باشند.

دبیر سندیکا تصریح کرد: ما مشکلات آیین‌نامه‌ای و کارشناسی داریم. یکی از این موارد افت رتبه شرکت‌ها در زمان تمدید به دلیل تغییر نصابها است. وقتی شرایط تغییر می‌کند قیمت کالا بالا می‌رود، نصابها به هم می‌ریزد و رتبه‌بندی شرکت‌ها را دچار مشکل و افول می‌کند. شرکتی ۳۰ سال است تاسیس شده، ولی شما سابقه ۱۵ سال آخر آن را در نظر می‌گیرید. مثلاً همین آقای مهندس ملکیانی‌فرد ۴۰ سال است کار می‌کند، کتابخانه ملی و ساختمان کناری شما را ساخته است یا هر کدام از دوستان دیگر، منتهی شما سابقه را به ۱۵ سال محدود می‌کنید. اگر شرکتی توان و سابقه دارد چرا لحاظ نمی‌شود. به نظر ما باید سابقه مورد نظر را حداقل ۲۰- ۲۵ سال کنید. فرم‌های محاسبه نصاب بر حسب تورم و تعدیل خیلی جاها دچار مشکلاتی هستند که باعث کاهش نصاب می‌شوند.

وی گفت: محاسبه توان مالی شرکت‌ها بر اساس حسابداری مالیاتی انجام می‌شود در حالی که خیلی چیزهای دیگر است که می‌تواند توان مالی شرکت‌ها را نشان دهد یا این که جدیداً گفته‌اند اگر کسی بخواهد رتبه ۵ بگیرد باید ۵/۵ درصد سقف رتبه را کار کند یعنی شرکتی که درخواست رتبه ۵ دارد اول باید ۵/۵ میلیارد تومان کار کند. این در شرایطی است که اکثر شرکت‌های رتبه ۱ بیکار هستند.

دبیر سندیکا گفت: عدم توجه به آموزش و فناوری نوین و کار در خارج از کشور در فرآیند رتبه بندی شرکت‌ها مسئله دیگری است. خیلی از دوستان دوره می‌گذارند که تاثیر در رتبه‌بندی آن‌ها ندارد. عدم ابلاغ روش بروزرسانی اظهارنامه مالیاتی داستان دیگری است. مورد بعدی شرط عدم تغییر هیات مدیره است، می‌گویند اگر ۳۰ سال هیات مدیره شما ثابت بماند مشکلی ندارد. در حالی که ممکن است در این ۳۰ سال کسی فوت کند، یا به دلیلی خارج بشود حداقل بگویند ۷۵ درصد هیات مدیره باید ثابت باشد. یعنی شما در ۳۰ سال باید به هیات مدیره دست نزنید که رتبه خود را حفظ کنید که بسیار سخت‌گیرانه است.

دکتر گلابتونچی افزود: شما به شرکت‌ها در حوزه نظام فنی و اجرایی ۴ سال به ۴ سال رتبه می‌دهید در حالی که وقتی به یک افسر درجه می‌دهند دیگر افسر است. مورد بعدی ناموزون بودن اعضای کمیته ۱۷ است که ۴ نفر از دولت و یک نفر از بخش خصوصی دارد. اگر ما را رتبه‌بندی می‌کنید باید حداقل تعداد ما در این کمیته‌ها و کارگروههای مربوطه بیشتر باشد. در مورد ساجات نیز عدم هماهنگی ساجات با آیین‌نامه‌های دولتی وجود دارد. دولت بخشنامه‌ای را ابلاغ می‌کند و شما تلاش دارید آن را اعمال کنید؛ اما سامانه شما مشکل دارد و نمی‌توانید آن را بارگذاری کنید و ما باید به شرکت‌ها بگوییم ۲- ۳ ماه نروید دنبال رتبه بندی تان که رتبه‌شان افت نکند. عصر ارتباطات است و باید یکبار برای همیشه مشکل ساجات حل شود.

وی در ادامه به کندی روند بررسی پرونده‌ها اشاره کرد و عدم وجود ساز و کار مناسب برای حل مشکل، سلیقه‌ای عمل کردن، عدم توجه کارشناس به نامه دستگاههای دولتی در خصوص نوع کار و تفکیک کارها و عدم امکان بهره‌مندی از امتیاز درج قراردادهای بخش خصوصی را از دیگر مشکلات پیمانکاران برشمرد.

وی افزود: علاوه بر این پیمانکاری که رتبه دارد و از سوی سازمان برنامه تعیین صلاحیت شده ناچار است یک فرایند

دکتر گلابتونچی:
سال گذشته از ستاد رفع موانع تولید درخواست کردیم پیمانکاران و مشاوران را به عنوان تولیدکننده به رسمیت بشناسد که در پی درخواست ما این ستاد پیش نویس مصوبه‌ای را تهیه کرد و به دولت ارائه که «شرکت‌های پیمانکاری و مهندسان مشاور حوزه صنعت احداث را به عنوان واحدهای تولیدی بدانند». اگر سازمانه برنامه که ما آن را به عنوان متولی پیمانکاری کشور قبول داریم این مورد را پیگیری کند بخش عمده‌ای از مشکلات ما حل خواهد شد.

تشخیص صلاحیت و راستی‌آزمایی مجدد به عنوان فرآیند ارزیابی کیفی از طرف کارفرماها را هم بگذراند. مثلا آیا جراحی را که از نظام پزشکی مجوز دارد برای هر عمل جراحی کنترل می‌کنند. اما من آبادگر علاوه بر این که ۴ سال یکبار کنترل می‌شوم مجددا توسط کارفرما و برای هر مناقصه به صورت مجزا کنترل می‌شوم.

وی تخصیص اعتبار را مشکل بعدی دانست و گفت: لطفاً تخصیص اعتبار به موقع انجام شود تا وضعیت بخش پیمانکاری بخش خصوصی قابل کنترل باشد.

تبصره ۴ قانون بودجه باعث تضعیف بخش خصوصی خواهد شد

دبیر سندیکا گفت: ما شنیده‌ایم شرایط عمومی پیمان توسط نظام فنی و اجرایی تایید شده و در مسیر اقدام است. اولا درخواست دارم در این مرحله آن را برای بررسی به تشکلها هم بدهید تا آن‌ها نیز نظرات نهایی خود را ارائه دهند. اگرچه در بررسی اولیه به نقطه نظرات ما توجه شده اما در مقطعی این تعامل قطع شده که باعث نگرانی ما از نتیجه نهایی است.

وی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: سیستم پیمانکاری متولی ندارد و اگر همکاری سازمان برنامه‌وبودجه بویژه نظام فنی و اجرایی سازمان نبود در زمان کرونا این سیستم از میان می‌رفت. البته نظام فنی و اجرایی هست اما در کنار آن سازمان نظام مهندسی، وزارت راه و ... هم هستند. ما باید متولی مشخص داشته باشیم. شما باید بدانید نداشتن متولی چه بر سر ما آورده است. معلوم نیست ما تولید کننده هستیم یا خدمات ارائه می‌کنیم. هرجا نیاز بدانند می‌گویند شما تولید کننده‌اید اما هر وقت درخواست تسهیلات و وام و بهره‌مندی از مزایای تولیدکنندگان را داریم می‌گویند شما خدماتی هستید. سال گذشته از ستاد رفع موانع تولید درخواست کردیم پیمانکاران و مشاوران را به عنوان تولیدکننده به رسمیت بشناسد که در پی درخواست ما این ستاد پیش نویس مصوبه‌ای را تهیه کرد و به دولت ارائه که «شرکت‌های پیمانکاری و مهندسان مشاور حوزه صنعت احداث را به عنوان واحدهای تولیدی بدانند». اگر سازمانه برنامه که ما آن را به عنوان متولی پیمانکاری کشور قبول داریم این مورد را پیگیری کند بخش عمده‌ای از مشکلات ما حل خواهد شد.

وی گفت: به نظر می‌رسد دولت که در شرایط فعلی بودجه کافی برای اجرای طرح‌های عمرانی ندارد باید مسئله مشارکت عمومی-خصوصی را بسیار جدی گرفته و فعال نماید اما مشکل این است که بستر قانونی و چهارچوب حقوقی مناسبی برای آن تعریف نشده است. سهم دو طرف مساوی نیست و به این ترتیب توجیه برای سرمایه‌گذاری کم است. دولت مشوق‌هایی ایجاد نمی‌کند که بخش خصوصی را تشویق به مشارکت کند. به‌طور کلی این مشارکت ساز و کار و قانون مشخصی ندارد. انتظار ما این است که نظام فنی و اجرایی با مشارکت تشکلها این قانون را تدوین کند به نحوی که هم سرمایه‌گذار منتفع شود و هم دولت.

اقتصاد شکوفا با وجود بخش خصوصی واقعی

ایرج گلابتونچی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: در قانون اساسی بخش‌های اقتصادی را بخش دولتی، تعاونی و خصوصی دانسته‌ایم. حالا هم صحبت از مشارکت عمومی- خصوصی است اما در تبصره ۴ قانون بودجه یک ترم جدید به نام بخش غیردولتی خلق شده و رقیب دیگری برای بخش خصوصی ایجاد کرده است. به نظر می‌رسد باید قانونی نوشته و اجرا شود که با مشارکت ویژه بخش خصوصی طرح‌های نیمه تمام انجام شده به اتمام برسد. تبصره ۴ قانون بودجه بدون تردید باعث تضعیف بخش خصوصی خواهد شد و مشکلات بسیاری ایجاد خواهد کرد. ما به کمک همکاران تلاش زیادی کردیم و برای تعدیل آن پیگیری‌های مختلفی کردیم، اما همچنان این ماده در بودجه هست و ساز و کار اجرایی آن شفاف و مشخص نیست. شما به عنوان سازمان برنامه‌وبودجه حافظ منافع کشور در بخش برنامه‌وبودجه هم هستید و نباید اجازه دهید این موارد وارد بودجه شود و نباید استفاده از ظرفیت بخش خصوصی که عاشق کشور و سازندگی ایران اسلامی هستند مغفول بماند.

وی افزود: شما باید نظرات بخش خصوصی را طبق ماده ۲ و ۳ قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار از ایشان بگیرید . یعنی هر کاری که می‌کنید این قانون باید در اولویت باشد. ما شنیدیم دولت جناب آقای رئیسی رئیس جمهور محترم علاقه‌مند است با فرمایشات مقام معظم رهبری وضعیت نابسامان خصوصی‌سازی را اصلاح کند. ما به عنوان بخش خصوصی واقعی آماده‌ایم برای اجرای سیاستهای خصوصی‌سازی مشارکت کنیم. اگر کشور می‌خواهد اقتصاد شکوفا داشته باشد باید بخش خصوصی واقعی را فعال کند.

وضعیت صدور خدمات فنی و مهندسی

دبیر سندیکای شرکت‌های ساختمانی در زمینه صدور خدمات نیز گفت: آخرین آیین‌نامه‌های ما در مورد صدور خدمات فنی و مهندسی مربوط به ۲۰ سال پیش است. در سالهای اخیر هم تحولاتی روی داده که باید آیین‌نامه‌ها را اصلاح کنیم. از سال ۱۳۷۳ تا ۱۴۰۰ ما ۳۳ میلیارد دلار صدور خدمات فنی و مهندسی در ۲۹ کشور داشتیم. پیمانکاران ما به قدری پتانسیل دارند که هم می‌توانند داخل کشور کار کنند و هم بیرون از کشور. سال ۱۴۰۰ که توجه دولت بیشتر شده ۱/۸۵ میلیارد دلار کار صدور خدمات دارند. در زمان جنگ

داعش با وجود مشکلات ضمانت‌نامه و بعداً مشکل شیوع کرونا این مبلغ پایین آمده بود اما مجدد در سال ۱۴۰۰ بالا رفته است.

گلابتونچی تصریح کرد: امسال پیمانکاران ما در ۱۳ کشور دنیا ۲ میلیارد دلار کار گرفته‌اند، در گذشته (در سال ۱۳۹۰) همین دوستان بیش از ۴ میلیارد دلار در سال صدور خدمات فنی و مهندسی داشته‌اند یعنی اگر بستری آماده شود و ظرفیت آماده به کار را به خارج از کشور بفرستید می‌توانیم کار بگیریم. بخش خصوصی ما در خدمات فنی و مهندسی ظرف ۳ سال یعنی از سال ۱۳۹۲ تا سال ۱۳۹۵ توانست ۲ میلیارد دلار در عراق کار بگیرد.

وی گفت: اگر نگاهی به وضعیت پیمانکاران برتر دنیا بیاندازیم ۷۴ شرکت چینی جزو ۲۵۰ پیمانکار برتر دنیا هستند. ترکیه ۴۴ شرکت در این رتبه‌بندی دارد. هند نیز با برنامه‌ریزی از سال ۲۰۱۶ به این مجموعه پیوسته و ۵ پیمانکار هندی در حال حاضر جزو ۲۵۰ پیمانکار برتر دنیا هستند. اما ما تنها طی دو سال ۲۰۱۵ و ۲۰۱۴ توسط دو شرکت در این رتبه‌بندی حاضر بودیم. البته باز هم می‌توانیم وارد این رتبه‌بندی شویم و پتانسیل آن را بسیاری از شرکت‌های پیمانکاری کشور دارند. اما حمایت دولت در این خصوص لازم است. در بازه‌ای که صدور خدمات فنی و مهندسی ما ۳۴ میلیارد دلار بوده ترکیه ۴۲۴ میلیارد دلار صادرات خدمات فنی و مهندسی داشته است.

وی افزود: بیشترین صادرات سالانه خدمات فنی و مهندسی در ایران در طی سالهای گذشته ۴ میلیارد دلار بوده در حالی که ترکها طی یک سال حدود ۳۲ میلیارد دلار صادرات داشتند. ۲۰ درصد از صادرات خدمات فنی و مهندسی ترکیه به فدراسیون روسیه بوده است و بیشترین کار را در این کشور داشته‌اند در حالی که ما روابط خوبی با این فدراسیون داریم و باید برنامه‌ریزی کنیم تا پیمانکاران و مشاوران ما برای انجام کار خدمات فنی و مهندسی به آنجا بروند. ترکیه ۱۲ درصد از صدور خود را در ترکمنستان دارد همچنین ۲۶ میلیارد دلار به عراق صدور خدمات فنی و مهندسی داشته است. این مقایسه نشان می‌دهد برای حل این مشکل باید بخش خصوصی در حوزه خدمات فنی و مهندسی متولی مشخص داشته باشد تا بتواند فعالتر عمل کند و دولت حمایت بیشتری از این فعالین اقتصادی داشته باشد تا از ظرفیت آن‌ها بیشتر در جهت صدور خدمات و اشتغال نیروی دانشگاهی و متخصص و حتی کارگری استفاده شود.

وی در پایان گفت: شرکت‌های ما مشکلات ساختارسازی دارند. تا حدی این شرکت‌ها مشغول مشکلات روزمره هستند که نمی‌توانند ساختارسازی کنند. همچنین به دلیل بحث تحریم‌ها نمی‌توانند ضمانت‌نامه بانکی بگیرند و در مناقصات بین‌المللی حضور یابند. بیمه و مالیات هم به حدی به این شرکت‌ها فشار می‌آورند که نمی‌توانند کار کنند. ما برنامه، هدف و متولی برای بازارهای بین‌المللی نداریم. اگر برنامه داشتیم می‌توانستیم در این حوزه جای ترکیه را بگیریم. پیمانکاران ما تاج محل را ساخته‌اند که از شاهکارهای مهندسی و معماری جهان است و امروز هم می‌توانند سازه‌هایی به مراتب بهتر از آن بسازند. باید بیشتر به این سازندگان شناسنامه‌دار اعتماد شود تا شاهد بهبود شرایط اقتصادی در این بخش مهم اقتصادی کشور باشیم.

شرایط اقتصادی نتیجه اجرای معکوس برنامه‌های توسعه

مهندس منوچهر ملکیانی‌فرد نائب رئیس هیات مدیره سندیکا نیز با تشکر از برگزاری این جلسه عنوان کرد: امروز دولت بحث اجرای سیاست خصوصی‌سازی را مطرح می‌کند که من فکر می‌کنم باید فرصت را مغتنم شماریم و به کمک دولت برویم. بخش خصوصی باید این کار را بکند اما ارتباط آن با دولت گسیخته است. به همین دلیل ما که نزدیک‌ترین ارتباط را با سازمان برنامه‌وبودجه داریم و آن را متولی خود می‌دانیم درخواست همکاری داریم.

وی افزود: ۵ برنامه قبل از انقلاب که شامل دو برنامه ۷ ساله و سه برنامه ۵ ساله بود به نام برنامه عمرانی خوانده می‌شدند،

مهندس ملکیانی‌فرد: یعنی وقتی همه چیز دولتی می‌شود راهی جز تقسیم فقر وجود ندارد. پاره‌ای از تصمیمات که با کرامت انسانی همخوانی ندارد به دلیل عدم توجه به برنامه‌های بسیار مترقی گذشته است.

برنامه ششم با انقلاب اسلامی مصادف شد و هرگز انجام نشد. بعد از انقلاب در سال ۱۳۶۸ درست زمانی که جنگ تمام شد برنامه‌ای بسیار مترقی به نام برنامه اول نوشته شد. اسم برنامه از برنامه عمرانی به برنامه توسعه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی تغییر یافت یعنی مسیری که در برنامه کشورهای توسعه یافته طی شده است. البته در برنامه سوم واژه توسعه سیاسی حذف شد.

وی گفت: در برنامه اول و دوم ۲۲ بار اجرای سیاست خصوصی‌سازی توسط سازمان برنامه‌وبودجه و متخصصان آن مطرح شده است. در طول همین برنامه به استناد آمار سازمان برنامه‌وبودجه، تعداد شرکت‌های دولتی ۲ برابر شده است یعنی درست مخالف برنامه. مبنای برنامه سوم اجرای خصوصی‌سازی و محول کردن امور تا حد امکان به بخش خصوصی بود که مطلقا به این شکل عمل نشد و با ۱۸۰ درجه تغییر انجام شد. در برنامه چهارم عنوان شده بود: «توانمندسازی بخشهای خصوصی و تعاونی به عنوان محرک اصلی رشد اقتصادی و کاهش تصدی دولت همراه با حضور کارآمد آن در قلمرو امور حاکمیتی در چهارچوب کلی سیاستهای اصل ۴۴ که ابلاغ خواهد شد». اما درست در برنامه چهارم همه چیز دولتی شد. در برنامه پنجم که قانون بهبود مستمر کسب و کار مطرح شد باز هم اصل ۴۴ و

اجرایی کردن آن از طریق شورای گفتگو و قرار دادن معاونت‌هایی با نام معاونت بخش خصوصی در دستگاههای اجرایی مطرح شد تا بخش خصوصی بتواند مسائل خود را مطرح کند. هیچ یک از مواد این قانون به‌طور دقیق اجرا نشده است. در ماده ۲۲ آن عنوان شده بود:«کلیه دستگاههای اجرایی مکلف هستند در انتخاب طرف قرارداد در معاملات خود از جمله پیمانکاری‌ها و امثال آن‌ها چنانچه اشخاص حقوقی بخش عمومی اعم از دولتی و غیردولتی و اشخاص حقیقی و حقوقی بخش‌های تعاونی و خصوصی از لحاظ ضوابط عمومی قرارداد در شرایط برابر باشند اشخاص حقیقی و حقوقی بخش‌های تعاونی و خصوصی را در اولویت قرار دهند.» هرگز چنین چیزی پیاده نشد و درست برعکس آن پیاده شد.

تا دیر نشده به برنامه برگردیم

مهندس منوچهر ملکیانی‌فرد عنوان کرد: قوانینی به عنوان توسعه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی نوشته شد اما یا برنامه اشکال داشت یا اجرا که شرایط اقتصادی روز به‌روز بدتر شد. تجربه و مطالعات بنده نشان می‌دهد علت این شرایط، معکوس اجرا شدن برنامه‌ها است که نتیجه آن‌همین وضعیت اقتصادی است. یعنی وقتی همه چیز دولتی می‌شود راهی جز تقسیم فقر وجود ندارد. پاره‌ای از تصمیمات که با کرامت انسانی همخوانی ندارد به دلیل عدم توجه به برنامه‌های بسیار مترقی گذشته است.

نائب رئیس سندیکا افزود: نظام فنی و اجرایی و در راس آن آقای قانع‌فر امیدی برای جامعه پیمانکاری است چون آقای‌قانع‌فر تحصیلات، تجربه و شفافیت کافی دارد. حالا که تاکید دولت روی خصوصی‌سازی است و مقام معظم رهبری به شیواترین جمله به اصل سیاست خصوصی‌سازی اشاره کرده‌اند که «هر جا بخش خصوصی انگیزه و توان لازم را دارد بخش دولتی ورود نکند»، پیشنهاد مشخص من این است که با نگاهی جدید بخش خصوصی را محور توسعه قرار دهیم. در تمام حوزه‌های عمرانی به خصوص حوزه‌هایی که نیروهای نظامی وارد کار شده‌اند بخش خصوصی نیز هم انگیزه و هم توان کافی دارد. جاهای بسیار معدودی وجود دارد که این بخش انگیزه یا توان اجرا نداشته باشد.

ملکیانی‌فرد تصریح کرد: متاسفم که سازمان برنامه‌وبودجه که نویسنده آن برنامه‌های مترقی است نظارت کافی بر اجرای برنامه ندارد. شاید به ذهن شما برسد که نظارت بر اجرایی شدن برنامه جزو وظایف مجلس است نه سازمان برنامه، ولی وقتی سازمان برنامه می‌بینند برنامه‌اش را اجرایی نمی‌کنند یا حتی برعکس آن عمل می‌کنند باید در برنامه بعدی خود عنوان کند اگر نمی‌خواهید اجرا کنید نوشتن برنامه برای چیست ؟

وی در پایان گفت: اجرای اصل خصوصی‌سازی به این است که بخش خصوصی در نوشتن و اجرای برنامه حاضر باشد. بنابراین باید در نوشتن برنامه هم به نظرات این بخش توجه کرد، امری که برای رسیدن به توسعه لازم است. در نهایت ما نباید ناامید باشیم. همه ما ایرانی هستیم و قلب همه ما برای ایران می‌تپد. باید تا دیر نشده به برنامه برگردیم. هر برنامه بدی بهتر از بی‌برنامگی است!

توسعه از مسیر بخش خصوصی می‌گذرد

در ادامه این نشست مهندس طبیب‌زاده از سندیکای نفت و گاز و پتروشیمی(اپک) در زمینه اصل ۴۴ قانون اساسی عنوان کرد:امروز علیرغم تاکیدات دلسوزان و کارشناسان، بخش خصوصی نداریم . در حالی که در همه جای جهان از مسیر بخش خصوصی به توسعه رسیده‌اند، به عبارتی توسعه از مسیر بخش خصوصی می‌گذرد و اگر به بخش خصوصی جایگاه لازم ارائه نشود توسعه‌ای صورت نخواهد گرفت.

وی با اشاره به تجربه سالها حضور خود در سازمان برنامه‌وبودجه و اپک عنوان کرد: چالشهای مربوط به حوزه نفت و گاز و پتروشیمی را در ۲۰ سرفصل می‌توان دسته‌بندی کرد که این مشکلات در سایر صنوف صنعت احداث هم قابل تعمیم است. وی در زمینه چالشهای صنعت احداث به مواردی مانند مسائل بازار پول و سرمایه، احاله تعهدات تامین منابع مالی بر عهده پیمانکاران، عدم شفافیت در قراردادهای حاضر در حوزه تقسیم ریسک و مسئولیت بین حاضران در قراردادها، عدم پرداخت به موقع مطالبات، ورود انواع اوراق قرضه برای پرداخت مطالبات پیمانکاران، عدم افتتاح اعتبار اسنادی ریالی، نیاز به تامین ارز خارجی برای تامین کالاهای ساخت داخل، عدم امکان خرید مستقیم از منابع و سازندگان خارجی از طریق سیستم بانکی، کاهش پول ملی و بالا رفتن بهای ارز خارجی و تاثیرات آن برای اجرای پروژه‌ها، عدم پاسخگویی ضرایب تعدیل سازمان برنامه برای پوشش تغییرات قیمت، عدم امکان دریافت تضامین قراردادی، خروج پیمانکاران خارجی به دلیل تحریمها، عدم استقبال از پیمانکاران ایرانی به دلیل نداشتن رتبه‌بندی، اشکالات موجود در قانون مناقصات، عدم تمکین دستگاههای اجرایی به قوانین و ... اشاره کرد و توضیحاتی ارائه داد.

رشته نگهداری در عنوان رشته‌های تشخیص صلاحیت تعریف شود

مهندس فرزاد کرمانی نائب رئیس سندیکای نفت و گاز و پتروشیمی(اپک) نیز عنوان کرد: در چند سال گذشته تعامل تشکلها و سازمان برنامه‌وبودجه قابل تقدیر بوده که این امر به خاطر حضور دکتر قانع‌فر و آقای شکیبایی بوده است. نحوه عملکرد این افراد می‌تواند الگوی خوبی برای تعامل باشد.

وی افزود: شاید مسئله‌ای جزئی به نظر برسد اما با توجه به تیپ پروژه‌ها، سازمان از موضوع خاصی مانند کالا جا مانده و باید به آن توجه کند. در پروژه های نفتی تامین کالا اهمیت طراز اوّل دارد و نیاز به پیش پرداختهای خاص در این زمینه است و مشارکت کافرما را می طلبد. در این مورد مسائلی مانند عدم تناسب در نحوه پرداخت و پیش پرداخت وجود دارد.

ایشان‌همچنین پیشنهاد دادند جلسات مرتب و برنامه‌ریزی شده‌ای بین معاونت

محترم فنی و امور زیربنایی سازمان با نمایندگان تشکل‌های بزرگ پیمانکاری حاضر در جلسه برنامه‌ریزی و اجرا شود.

مهندس مجید بقایی عضو هیات مدیره سندیکای شرکت‌های تاسیساتی و تجهیزاتی نیز عنوان کرد: سازمان برنامه‌وبودجه به نوعی حامی ما فعالان صنعت احداث است. در گذشته تقسیم کار توسط سازمان برنامه‌وبودجه انجام می‌شد که امیدواریم این کار از سر گرفته شود.
وی افزود: بسیاری از شرکت‌های پیمانکاری به‌ویژه در درجه اوّل عاشق کار سازندگی وطن هستند و برای همین تاکنون در این مسیر ایستاده‌اند. تجربه این پیمانکاران ارزشمند است و باید از آن استفاده شود. اما این نکته که چرا خصوصی‌سازی اجرا نمی‌شود به این دلیل است که مدیران دولتی را برای این کار انتخاب می‌کنند که اصلاً به بخش خصوصی اعتقادی ندارند. در حالیکه برای تحقق این امر از مدیران بخش خصوصی که تجربه کار در بخش خصوصی را دارند باید استفاده شود.

مهندس اباذر چالاک عضو هیات مدیره سندیکای شرکت‌های تاسیساتی و تجهیزاتی نیز خواهان تعریف رشته جدیدی به نام رشته نگهداری در عنوان رشته‌های تشخیص صلاحیت شد. وی تعریف این رشته را برای نگهداری از ساختمانها و تاسیسات ایجاد شده ضروری دانست. وی تشکیل این رشته را برای اشتغال‌زایی نیز موثر دانست.

کارگروههای سه جانبه تشکیل شود

در بخش دیگری از این نشست خانم مهندس آزاده عمرانی عضو هیات مدیره سندیکا نیز عنوان کرد: تعلل کارفرمایان در زمینه تصمیم‌گیری درباره پروژه‌ها باعث صدمه به پیمانکاران و توقف پروژه‌ها است. متاسفانه این ضرر و زیان‌هم در جایی دیده نمی‌شود. همچنین بعضی از بخشنامه‌های لازم‌الاجرا مانند بخشنامه تعدیل در سازمانهایی که بودجه غیرعمرانی دارند در زمان خود ابلاغ نمی‌شود و به پیمانکارانی که با آن سازمان کار می‌کنند صدمه می‌زنند.

مهندس سیامک مسعودی عضو هیات مدیره سندیکا نیز عنوان کرد: ایجاد یا اصلاح یک سری قوانین روندی طولانی دارد و با حاشیه‌های موجود به نتیجه نمی‌رسد. ما در حوزه صنفی خودمان در زمینه تامین اجتماعی، بانک مرکزی، دارایی، و اداره کار مشکلاتی داریم که می‌توانیم با حضور این نهادها، سازمان برنامه، و تشکل‌های صنعت احداث کارگروه‌هایی سه جانبه تشکیل دهیم و مصوباتی بگیریم که به وحدت رویه تبدیل شوند. شاید این کارگروهها بتوانند گره‌گشا باشند و مفری برای عملیاتی شدن قوانین موجود باشند.

بخش غیردولتی واقعیت اقتصاد ما است

در ادامه مهندس حمید امانی معاون فنی و امور زیربنایی سازمان برنامه‌وبودجه که اخیرا جایگزین دکتر حمیدرضا عدل شده‌اند، با ابراز امیدواری برای تشکیل جلسات آتی عنوان کرد: جمع حاضر آثار وجودی گسترده‌ای دارند که حتی اگر به آثار فیزیکی آن‌ها بسنده کنیم، موج مثبتی در درون افراد ایجاد خواهد کرد. مشکلاتی که به آن‌ها اشاره شد به خوبی دسته‌بندی شده بود که امیدوارم با همراهی شما حل شود.

وی افزود: یکی از مهم‌ترین مسائل مطرح شده بحث خصوصی‌سازی و نقش بخش خصوصی بود. بنده قبلاً در وزارت صنعت و معدن بودم و با مسائل بخش خصوصی آشنا هستم. بخش خصوصی در قانون اساسی در کنار بخش دولتی و تعاونی آمده است اما از این دو بخش عقب مانده است.

مهندس امانی:
درست است که بخش غیردولتی واژه خلق‌الساعه است اما واقعیت اقتصاد ما است. ما باید در آستانه برنامه هفتم با همفکری شما برای گذار از بخش دولتی و عمومی به بخش خصوصی اقدام کنیم.

درست است که بخش‌های اقتصادی ما تعاونی و بخش خصوصی بوده است امّا عنوان شده مالکیت در هر کدام از این موارد تا حدی رعایت می‌شود که موجب ضرر به اقتصاد کشور نشود. در سال ۱۳۸۵-۱۳۸۶ احساس شد دولت‌مداری محض دارد به فعالیتهای عمده کشور صدمه می‌زند و همین امر منشا قانون اصل ۴۴ شد.

وی گفت: البتّه بخش‌هایی از قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ بر اثر فشارهای مختلف تغییر یافته است. اما در زمینه واژه غیردولتی که در قانون بهبود مستمر کسب و کار هم به آن اشاره شده، واقعیتی در اقتصاد ما وجود دارد که بی‌توجهی به آن آسیب‌زا است. ما نمی‌توانیم بگوییم اقتصاد ما سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی است. ما بخش‌های غیردولتی هم داریم. یکی از اختلافات بخش دولتی و خصوصی بر سر واژه غیردولتی است، چون بازیگر بزرگی است و می‌تواند قواعد بازی را عوض کند. در مشارکتهای دولتی و خصوصی در خیلی از موارد این کارکرد اختلاطی باعث شده نه از قواعد دولتی تبعیت کند نه از قواعد دولتی که شرایط را بدتر از گذشته می‌کند.

مهندس امانی:
امیدوارم با همفکری و همراهی در زمینه برنامه هفتم بودجه محورهای مورد نظر شما را بدانیم. البتّه هر بخشی باید جایگاه خود را بداند. بین تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی تفاوت وجود دارد.
اینجا صحبت از تصمیم‌سازی بخش خصوصی است.

مهندس امانی تاکید کرد: اوایل بعد از جنگ خصوصی‌سازی با واگذاری سهام واحدها به مدیران دولتی آغاز شد که به نوعی رفتن از یک سمت میز به سمت دیگر بود، در نهایت این روند کنار گذاشته شد اما در گام بعدی نگاه ما اجتماعی شد و واگذاری سهام به ایثارگران مطرح شد. البته آن‌ها باید از حمایت دولت بهره‌مند می‌شدند اما نه در قالب فعالیت اقتصادی بلکه در قالب نتایج فعالیتهای اقتصادی. در مقطع دیگری با نگاه منفی به فعالان بخش خصوصی، می‌خواستیم به انسانهای فرهیخته فرهنگی تسهیلات بدهیم که فعالیت اقتصادی کنند. چنین تجربه‌های افراطی و تفریطی در اقتصاد ما روی داد. در نهایت در سال ۱۳۸۷ انتقال از بخش دولتی به بخش عمومی مطرح بود. رابطه دولت و بخش خصوصی در سایر دنیا هم عاری از فساد یا مشکل نیست. سازمان خصوصی‌سازی ما هم به قدر کفایت توانمند نبود. تا این که در نهایت سهام به صندوقهای بازنشستگی بزرگ واگذار شد. این یک گام بود اما منزلگاه خوبی نبود. شاید یک محل خوب مشارکت بخش عمومی و دولتی، مشارکت بخش عمومی و مختلط با بخش خصوصی باشد تا کم کم اینها خارج شوند.

وی با اشاره به تجربه سایر کشورها افزود: درست است که بخش غیردولتی واژه خلق‌الساعه است اما واقعیت اقتصاد ما است. ما باید در آستانه برنامه هفتم با همفکری شما برای گذار از بخش دولتی و عمومی به بخش خصوصی اقدام کنیم. طرح تحول و نقشه راهی که مقام معظم رهبری فرمودند برای توسعه صنعت دنبال شود باید مدنظر قرار گیرند.

معاون فنی و امور زیربنایی سازمان برنامه‌وبودجه تصریح کرد: این که شما فرمودید متولی ندارید معضلی جدی است و قاعدتا کسی که مجوز و گواهی صلاحیت به شرکت‌های مهندسی(پیمانکاران و مشاوران) می‌دهد باید متولی باشد . در برنامه هفتم باید گذار به سمت بخش خصوصی را دنبال کنیم. خصوصی‌سازی و اداره شرکت‌ها هدف نیست و به عنوان ابزاری باید در خدمت هدف اصلی یعنی بهبود رشد اقتصادی و تولید سرانه داخلی و توسعه باشد.

وی در زمینه انجام پروژه عنوان کرد: در زمینه انجام پروژه، ممکن است مشارکت با بخش خصوصی به شکل تصادفی در چند مورد انجام شده باشد ولی تکرار نشده است. ما باید این موارد را محور قرار دهیم و اصلاح کنیم. بخش خصوصی نمی‌تواند مسیر مشارکت خود را با تغییرات سلیقه دولت تغییر دهد. باید تضمین دولتی در این مورد باشد. حضرت آقا در مورد «تدوین راه صنعت» به این موضوع اشاره کردند و آن را مسئله‌ای فرابخشی دانستند. ما نیز باید به این امر به چشم موتور توسعه کشور و توسعه پایدار نگاه کنیم. با وجود این نگاه فرابخشی، دیگر بخشی‌نگری نمی‌کنیم.
وی در بخش دیگری از سخنان خود عنوان کرد: امیدوارم با همفکری و همراهی در زمینه برنامه هفتم بودجه محورهای مورد نظر شما را بدانیم. البتّه هر بخشی باید جایگاه خود را بداند. بین تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی تفاوت وجود دارد. اینجا صحبت از تصمیم‌سازی بخش خصوصی است. مجموعه کارشناسی ایده می‌دهند و مدیر تصمیم می‌گیرد، در نهایت کسی که تصمیم می‌گیرد مسئول است. در چنین شرایطی ممکن است در برخی موارد بحث تعارض منافع وجود داشته باشد در برخی موارد هم اشتراک نظر وجود داشته باشد.
وی افزود: در شرایط بعد از تحریم بخش خصوصی می‌توانست نقش بیشتری ایفا کند اما در برخی زمینه‌ها از جمله کالاهای اساسی شرکت‌های خصوصی کنار زده شدند.

معاون فنی و امور زیربنایی سازمان برنامه‌وبودجه در پایان خواهان همکاری و همفکری و حضور بخش خصوصی در تصمیم‌سازی‌ها به‌ویژه در این مقطع شد که باید تصمیمات بزرگی گرفته شود. وی همچنین با اشاره به پیشنهاد برنامه‌ریزی و برگزاری جلسات مرتب با نمایندگان تشکل‌های حاضر تاکید داشتند آمادگی دارند حتی جلسات ماهانه‌ای با این تشکلها داشته باشند.

نهاد تعامل ثمرات زیادی داشت

در بخش پایانی این نشست دکتر قانع‌فر رئیس امور نظام فنی و اجرایی سازمان برنامه‌وبودجه کشور نیز عنوان کرد: اگر موافق هستید موضوعات اصلی را دسته‌بندی کنیم و کارگروه متناسب با آن را ایجاد کنیم. پیش نویس‌هایی بنویسیم تا در جلسات مناسبی تصمیم نهایی گرفته شود. قبل از شورای گفتگو، شورایی به نام شورای هماهنگی و نهادی به نام نهاد تعامل با حضور ۱۸ تشکل (که اکنون نیز فعال هستند) داشتیم که ثمرات زیادی را به همراه داشته است از جمله جلسات نهاد تعامل که حداقل سه ماه یکبار برنامه داشت و دارد. همچنین مقرر شد آیتم‌ها و موضوعات مربوط به سال ۱۴۰۱ نیز مشخص شود تا جلسات برای بررسی آن‌ها تعیین گردد و جلسه نهاد تعامل در سال جدید تشکیل شود.

این نشست با صحبت‌های مهندس سید احمد امینی رئیس واحد تشخیص صلاحیت امور پیمانکاران و مشاوران دفتر نظام فنی و اجرایی سازمان برنامه‌وبودجه به پایان رسید.

انتقاد تشکل‌های فنی-مهندسی از تعویق مطالبات پیمانکاران

شورای هماهنگی تشکل های مهندسی و حرفه ای کشور در نامه‌ای به معاون اول رئیس جمهور نسبت به تعویق پرداخت مطالبات پیمانکاران پروژه های عمرانی انتقاد کرد.

علی آزاد رئیس شورای هماهنگی تشکل‌های مهندسی و حرفه‌ای کشور در نامه‌ای به محمد مخبر معاون اول رئیس جمهور خواستار پرداخت به موقع مطالبات پیمانکاران پروژه‌های عمرانی و اعلام به موقع شاخص تعدیل حق الزحمه مهندسان مشاور از سوی سازمان برنامه و بودجه کشور شد. در این نامه ۱۸ تشکل حرفه‌ای عضو شورای هماهنگی تشکل‌های فنی-مهندسی با اشاره به افزایش ۲۰۰ درصدی سیمان، فولاد، ماشین‌آلات ساختمانی و... در سال جاری نسبت به سال گذشته از یک سو و افزایش دستمزد متوسط ۶۰ درصدی کارگران و تکنسین‌های پروژه‌ها شامل ۵۷ درصد دستمزد و ۲۳ درصد حق بیمه، خواستار اجرای متقابل تعهدات دولت نسبت به این افزایش نرخ‌ها شده‌اند.

در این نامه با اشاره به کاهش بودجه پروژه‌های عمرانی که سبب شده تا دوره اجرای این طرح‌ها از ۳ به ۱۳ سال و قیمت تمام شده ساخت برای دولت افزایش یابد، آمده است: شرکت‌های مهندسی پیمانکاری در اثر بی پولی، استقراض از بانک‌ها و بازار آزاد و همچنین نرخ تنزیل اوراق اسناد خزانه اسلامی عمدتاً در معرض نابودی قرار گرفته‌اند. لذا این شورا از معاون اول رئیس جمهور خواسته تا سازمان برنامه و بودجه را مکلف به اعلام به موقع شاخص‌های تعدیل، بخشنامه حق الزحمه مهندسان مشاور و پرداخت به موقع بودجه‌های عمرانی به دستگاه‌های سفارش دهنده پروژه‌ها نماید.

شورای هماهنگی تشکل‌های مهندسی، صنفی و حرفه‌ای کشور

تاریخ: ۱۴۰۱/۰۲/۲۰
شماره: ۹۱۳۶ - الف
پیوست:

به نام خدا

جناب آقای دکتر مخبر
معاون اول محترم ریاست جمهوری

موضوع: لزوم پرداخت مطالبات به پیمانکاران و مشاورین طرحهای عمرانی - اعلام به موقع شاخص های تعدیل و بخشنامه حق الزحمه مهندسان مشاور

با سلام و احترام

ضمن آرزوی موفقیت های بیشتر جنابعالی در خدمت به آبادانی ایران عزیز، با ارسال رونوشت نامه انجمن شرکتهای راه سازی ایران به شماره ۴۱۰۵ مورخ ۱۴۰۱/۲/۱۳ و نامه شماره ۹۱۳۵ - الف مورخ ۱۴۰۱/۲/۱۴ ۱۸ تشکل عضو شورای هماهنگی تشکلهای مهندسی، فنی و حرفه ای کشور به عنوان جناب آقای دکتر میرکاظمی معاون محترم ریاست جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه

و با توجه به

۱- ترقی سرسام آور قیمت ها در سال گذشته و امثال (سیمان، قیر، فولاد، لوازم یدکی ماشین آلات و مواد غذائی که بطور متوسط حدود ۲۰۰ درصد رشد داشته است)

۲- لزوم پرداخت دستمزد کارگران و تکنسین های کارگاه ها که در ابتدای سال به میزان متوسط ۶۰ درصد افزایش یافته (۵۷٪ حداقل دستمزد + ۲۳٪ حق بیمه متعلقه)

این سؤال ها مطرح است:

در مقابل تعهدات سربازان سازندگی و حفظ اشتغال در کشور، مسئولین محترم دولت متقابلاً چه وظایفی برعهده دارند؟

آیا نباید شاخص های تعدیل قیمت ها و بخشنامه حق الزحمه مهندسان مشاور را متناسب با تورم جامعه محاسبه و به موقع اعلام کنند؟

آیا نباید متناسب با پیشرفت کارهای عمرانی کشور، بودجه لازم را در اختیار دستگاه های اجرائی قرار دهند؟

دبیرخانه: تهران، ولنجک، خیابان بیست و ششم نبش خیابان سلامی، شماره ۲۵ - تلفن: ۶۰-۲۲۴۰۶۲۵۹، نمابر: ۲۲۴۰۶۲۵۸

رئیس: علی آزاد
تلفن: ۵-۸۸۸۸۰۱۶۶
نمابر: ۸۸۸۸۴۵۷۳

نایب رئیس: پیام باقری
تلفن: ۸۸۰۵۸۹۲۴-۸۸۰۵۸۹۲۵
نمابر: ۸۰۵۸۹۲۶۶

دبیر: جواد آل رسول
تلفن: ۸۸۱۹۱۰۵۵
نمابر: ۸۸۲۸۰۱۴۲

شورای هماهنگی تشکل‌های مهندسی، صنفی و حرفه‌ای کشور

تاریخ: ۱۴۰۱/۰۲/۲۰
شماره: ۹۱۳۶ - الف
پیوست:

متأسفانه به علت کمبود بودجه های عمرانی طی سالهای گذشته، مدت اجرای پروژه ها از ۴ سال به ۱۳ سال رسیده، قیمت تمام شده آنها برای دولت محترم به چند برابر قیمت اولیه منجمله بالغ و نگهداری زیربناهای توسعه حمل و نقل کشور به خوبی انجام نمی شود و صدمات وارده به راه های کشور جبران ناپذیر شده است.

به شرافت مهندسی سوگند که در اثر این بی توجهی ها، شرکت های پیمانکار طرحهای عمرانی کشور در اثر بی پولی و قرض از بانکها و بازار آزاد و تحمل مابه التفاوت تنزیل اسناد خزانه اسلامی عمدتاً در معرض نابودی قرار گرفته اند.

این شورا ناچاراً مزاحم اوقات جنابعالی و به شما پناه آورده ایم و از آن مقام محترم که خود مسئولیت اجرایی بسیاری را در کشور عهده دار و بر لزوم هماهنگی هزینه و درآمد مؤسسات خدماتی و تولیدی اشراف کامل دارید، استدعا داریم دستور فرمایند، سازمان برنامه و بودجه با اعلام به موقع شاخص های تعدیل واقعی و بخشنامه حق الزحمه مهندسان مشاور و تخصیص بودجه متناسب با کارهای در دست اقدام به وضع فلاکت بار شرکتهای پیمانکار و مهندسین مشاور در طرحهای عمرانی کشور سامان داده و مکلف به تعیین تکلیف پروژه های در دست اقدام و نیمه تمام شده و تا زمانی که بودجه لازم برای پروژه های دست احداث کشور وجود ندارد، از برگزاری مناقصات و واگذاری پروژه های جدید به پیمانکاران و مهندسین مشاور اکیداً خودداری گردد.

از توجه خاص آن جناب و دستور اقدام مساعدیکه صادر می فرمایند، تشکر می شود.

با امید به توفیق الهی
علی آزاد

دبیرخانه: تهران، ولنجک، خیابان بیست و ششم نبش خیابان سلامی، شماره ۲۵ - تلفن: ۶۰-۲۲۴۰۶۲۵۹، نمابر: ۲۲۴۰۶۲۵۸

رئیس: علی آزاد
تلفن: ۵-۸۸۸۸۰۱۶۶
نمابر: ۸۸۸۸۴۵۷۳

نایب رئیس: پیام باقری
تلفن: ۸۸۰۵۸۹۲۴-۸۸۰۵۸۹۲۵
نمابر: ۸۰۵۸۹۲۶

دبیر: جواد آل رسول
تلفن: ۸۸۱۹۱۰۵۵
نمابر: ۸۸۲۸۰۱۴۲

پشت صحنه فاجعه برج متروپل

برداشت آزاد از مهندس مجتبی ضرابی
عضو هیأت بازرسان
سندیکای شرکتهای ساختمانی

پیام‌آبادگران
خرداد ۱۴۰۱
شماره ۴۰۲

در ابتدای سخن، ضمن عرض تسلیت و ابراز همدردی با بستگان عزیزانی که در فاجعه فروریزش ساختمان شماره ۲ متروپل آبادان جان خود را از دست داده و یا مصدومیت پیدا کرده‌اند، اعلام می‌داریم. جامعه مهندسی ایران و سندیکای شرکتهای ساختمانی و سایر انجمن‌های وابسته و همکار، مراتب تاسف خود را از این فاجعه و همچنین مخالفت جدی خود را با کسانی که بدون داشتن آگاهی و تخصص و تجربه در حرفه‌های تخصصی دخالت می‌کنند اعلام می‌دارد. متاسفانه این رویه نابخردانه در کلیه مسائل مملکتی نیز باب شده و هر کس به خود اجازه می‌دهد در امور تخصصی کشور به نحوی دخالت نماید.

در فاجعه متروپل هم به نظر می رسد سه عامل عمده در ایجاد این حادثه یا بهتر است بگوییم این فاجعه به قرار زیر باشد:

۱. دخالت عوامل ناآگاه در طرح با ایجاد تغییرات مداوم در طراحی

۲. بی‌توجهی مجری(سازنده-مالک) به هشدارهای مکرر کارشناسان اعم از نظام مهندسی یا مهندسان مشاور

۳. به طور کلی ضعف فاحش در اجرای ساختمانی که می‌توانست به درستی اجرا شود

سه عامل عمده در ایجاد این فاجعه به قرار زیر است:

۱. دخالت وایجاد تغییرات مداوم در طراحی

۲. بی‌توجهی مجری (سازنده - مالک) به هشدارهای مکرر کارشناسان

۳. اجرای ضعیف سازه

شاید بتوان گفت که ریشه همه این مسائل در اشتراک منافع شهرداری آبادان با سازنده - مالک اصلی بوده است. رویه‌ای که موجب ایجاد رانت برای مالک از یک طرف و کوتاهی شهرداری از وظیفه اصلی خود یعنی حفاظت از جان و مال مردم از طرف دیگر شده است. چراکه تنها مرجع دارای قدرت و اختیار توقف و جلوگیری از ادامه پروژه در هنگام تخلف، شهرداری آبادان بوده که به نظر می رسد مکررا در انجام وظیفه خود تعلل نموده است.

در مدارک منتشر شده از سوی گروههای مختلف کارشناسی که از محل پروژه و بعضی از اسناد مربوطه بازدید کرده‌اند، چنین برداشت می‌شود که از طرف دستگاههای ناظر بر پروژه به کرات هشدار و حتی درخواست توقف عملیات داده شده است. از جمله براساس گزارش جامع کارشناسان محترم پژوهشکده زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله کشور، این پروژه بدون توجه به اخطارها در موارد متعددی با نظر شخصی سازنده فاقد صلاحیت در امر ساخت و ساز به اجرا درآمده است، در حالی که احداث ساختمانی با این حجم (۳۲۰۰۰ متر مربع در

طرح اولیه و دارای هشت طبقه روی همکف با یک طبقه زیر زمین) ایجاب می‌کند طبق ضوابط و مقررات ملی ساختمان و با هدایت کارشناسان مجرب و مقیم پروژه انجام می‌شد تا زمینه حل مشکلات فنی در حین انجام کار نیز فراهم گردد.

در پروژه‌ای با این حجم و اندازه باید ضوابط و مقررات ملی ساختمان دقیقا با حضور کارشناسان خبره و دارای صلاحیت و مقیم پروژه اجرا می‌گردید.

اما فکر ایجاد ساختمان متروپل از آنجا به وجود آمد که گروه مشارکت اقتصادی شهرداری آبادان به اتفاق سازمان مناطق آزاد در سال ۱۳۹۳ تصمیم گرفتند تعدادی از قطعات زمین شهری واقع در منطقه آزاد آبادان را در قالب مشارکت عمومی-خصوصی برای ساخت تعدادی واحد تجاری و پارکینگ طبقاتی به بخش خصوصی واگذار کنند.

اولین پروانه ساخت در سال ۱۳۹۶ جهت احداث ساختمانی با مشخصات گفته شده برای شخصی به نام حسین عبدالباقی صادر گردید. این شخص مالک ساختمان متروپل شماره یک در جوار این پروژه بود که قبلا ساخته شده و قصد داشت دو ساختمان را در طبقات سوم و ششم با کریدورهای شیشه‌ای به یکدیگر متصل نماید. علاوه بر این نامبرده دارای هلدینگی با نام خود بود که در همه زمینه‌های تجاری از ساخت و ساز گرفته تا تجارت آجیل و رستورانهای زنجیره‌ای سرمایه‌گذاری کرده بود.

پس از صدور پروانه، کار طراحی و محاسبات سازه به یک مهندس مشاور ذیصلاح با معرفی سازمان نظام مهندسی آبادان سپرده شد. مشاور منتخب در این طرح استفاده از شمع‌های بتنی و شالوده یکپارچه بتنی (رادیه) به ارتفاع یک متر را پیش‌بینی و طراحی کرد و قرار بود طبقات با اسکلت فلزی پیچ و مهره‌ای و سقف عرشه فولادی اجرا شود.

اما مالک-سازنده از مشاور درخواست طرح ارزان قیمت‌تر دیگری شامل اسکلت بتنی و سقف تیرچه بلوک می‌نماید که مهندس مشاور مذکور نیز در این مورد اقدام نموده بود. در هر دوی این نقشه ها به علت

نامتقارن و نامنظم بودن شکل ساختمان دو درز انقطاع پیش‌بینی شده بود که در عمل هیچ کدام اجرا نشده است.

سرپیچی از مقررات نظام مهندسی و عدم به کارگیری افراد متخصص در کارگاه به طور تمام وقت یکی از عوامل بروز این فاجعه است

در اسفند ۱۳۹۶، مهندس مشاور به دلیل درخواست‌های مکرر و متناقض و غیر فنی مالک و همچنین عدم رعایت ضوابط مهندسی در اجرا، علیرغم تذکرات مکرر تصمیم به کناره‌گیری از پروژه می‌گیرد و با چشم پوشی از بخشی از مطالبات خود عطای پروژه را به لقایش می‌بخشد و انصراف می‌دهد و سرانجام با تصمیم مالک، ساختمانی با اسکلت فلزی و سقف‌های مجوف(وافل) اجرا می‌شود. این مسئله نشان می‌دهد که مشاور اولیه طرح در همان آغاز متوجه زیاده‌خواهی‌ها و تغییرات غیراصولی مالک شده و برای رهایی از عواقب نامعلوم پروژه با گذشت از منافع، خود را کنار کشیده است.

حدود یک سال و نیم بعد، در مهرماه ۱۳۹۸ مسئولیت طراحی و نظارت از طرف سازمان نظام مهندسی آبادان به مشاور طراح دیگری واگذار می‌شود و در این فاصله طبقات زیرزمین، همکف، اول و دوم اجرا شده و مشخص نیست تحت نظارت چه کسی یا چه ارگانی بوده است. سوال این است که آیا این قسمت از عملیات اجرایی بدون اطلاع و نظارت سازمان نظام مهندسی به انجام رسیده است یا خیر؟ باز هم در اینجا می‌توان هرج و مرج حاکم بر پروژه را ملاحظه کرد. چگونه دستگاه نظارت و شهرداری آبادان با توجه به کناره‌گیری مهندس مشاور به کارهای اجرایی ادامه داده است؟ در حقیقت آیا آنچه در این بازه زمانی به اجرا درآمده در سازمان نظام مهندسی بررسی و مورد تائید قرار گرفته بوده یا خیر؟

سرانجام مهندس مشاور و طراح دوم هم مانند مهندس مشاور قبلی در دی ماه ۱۳۹۸، احتمالا با پی بردن به ساخت غیراصولی و خطرناک پروژه تا آن زمان، پس از سه ماه انصراف خود را از ادامه کار اعلام و استعفا می‌دهد! این مشاور دلایل انصراف خود را بدین شرح می‌نویسد:

- نداشتن پروانه ساختمان (برای افزایش طبقات)
- نداشتن سوابق پرونده های آزمایش‌های بتن و میله‌گرد
- عدم مقاوم‌سازی پیش بینی شده در قسمت‌های آسیب دیده
- عدم توجه به تذکرات مشاور و ناظر مقیم برای ایمنی کار و ....

توضیح این که مالک اقدام به ادامه کار و افزودن دو سقف بدون داشتن پروانه و مجوز شهرداری نموده است.

همزمان در دی ماه ۱۳۹۸ سازمان نظام مهندسی آبادان درخواست توقف عملیات می‌نماید که متاسفانه از طرف مالک و شهرداری مورد توجه قرار نگرفته و ساخت و ساز ادامه می‌یابد. دو ماه بعد یعنی در اسفند ۱۳۹۸ سرانجام پروانه جدید با اصلاحیه‌هایی صادر می‌شود که در آن مجوز دو طبقه اضافی روی قسمت‌های ساخته شده و انضمام قطعه زمین جنوبی برج که با موافقت شهرداری برای ضمیمه کردن و گسترش طرح و کسب سود بیشتر توسط توسط مالک خریداری شده بود به پروژه اضافه می‌گردد تا مساحت زیربنا از ۳۲۰۰۰ متر مربع به ۴۵۰۰۰ متر مربع افزایش یابد.

گفتنی است که در تاریخ ۹۸/۱۰/۳۰ گروه مشارکت اقتصادی شهرداری آبادان ضمن بازدید از پروژه طی دو نامه در یک روز درخواست اعلام نظر کارشناسی ناظر مقیم در خصوص خیز بیش از حد تیرها و سقف روی رمپ ورودی می‌نماید و در نامه دوم با اشاره به عدم دریافت هیچ گونه گزارش از عملکرد اجرایی پروژه توسط ناظرین مقیم از آنها می‌خواهد تا گزارش جامع و کاملی از مراحل اجرایی پروژه تهیه و ارسال نمایند.

با توجه به حاد بودن مسئله، ناظر مقیم در همان روز(۹۸/۱۰/۳۰) نامه‌ای حاکی از موارد بیشمار نقص و نیز پیش‌بینی عدم ایستایی اسکلت سازه و احتمال وخیم‌تر شدن وضعیت ترکها و پیچش در سقف مجوف و ایجاد ترکهای جدید در دیوارهای کناری رمپ به گروه مشارکت اقتصادی آبادان و سازمان نظام مهندسی و شهرداری آبادان ارائه می‌نماید.

آنچه از گزارش‌های کمیته تخصصی عمران سازمان نظام مهندسی خوزستان و همچنین گزارش جامع پژوهشگاه زلزله در مورد تخلفات اجرایی برج شماره دو متروپل آبادان برداشت می‌شود به طور خلاصه به شرح زیر است:

- اتصال غیر استاندارد تقویتی تیر بتنی به ستون فولادی

- کافی نبودن طول جوش ورق به ستون و نقص فاحش جوشکاری‌ها

- اقدام به ساخت اسکلت فلزی در کارگاه بدون داشتن امکانات تست جوش و دیگر تمهیدات مورد نیاز. لازم به ذکر است که ساخت اسکلت فلزی با چنین حجم و اندازه الزاما باید در کارخانه‌های مجهز ساخت سازه های فلزی ساخته شود.
- عدم وجود برگه‌های آزمایش فولاد و بتن که احتمالا از دسترس خارج شده بوده
- افزایش طبقات روی ساختمان بدون مجوز و بدون انجام تقویتهای مجاز
- در دسترس نبودن محاسبات تحکیم و تقویت سازه
- عدم رعایت ضوابط فنی در سقف‌های وافل(مجوف) به ویژه در نحوه اتصال این سقفها به تیرها و ستونهای فلزی
- افزودن بدون مجوز طرّه(کنسول) به عرض ۱/۲۰ متر در دو طرف ساختمان که موجب افزایش شدید بار ثقلی و برشی در اتصال به ستونهای کناری شده
- ناکارآمدی اسکلت در انتقال نیروها به عناصر باربر به دلیل ضعف در اتصالات و اجرای آن
- پیچش در سقف‌های مجوّف و ...
- حذف برخی از ستونها در طبقات بالا

مجموعه عوامل فوق موجب ایجاد وضعیت

بحرانی در کل ساختمان شده به طوری که سقف‌های مجوّف و تیرهای اصلی دچار خیز غیرمجاز، پیچش، ترک خوردگی تیر و دیوار بتنی و همچنین کمانش و لهیدگی ستونها شده که در هر مورد سازنده اقدام به تقویت‌های غیر اصولی و غیر فنی نموده است.

سرانجام در مورد یک یا چند تا از ستونهای کناری که دچار کمانش و جداشدگی ورق اتصال از پروفیل اصلی‌اش شده بود نیز تصمیم به تقویت ستون گرفته می‌شود و استاد جوشکار به دستور سازنده اقدام به تقویت ستون با جوش دادن ورق اضافی می‌نماید. این در حالی است که تمام کارگاه دائر و در حال کار بوده و هیچ‌گونه تمهیداتی هم برای استوارسازی سازه و ایمنی کارگران انجام نگرفته است. جوشکار مشغول کار می‌شود که در نتیجه افزایش حرارت حاصل از جوشکاری (۱۵۰۰درجه سانتیگراد) ستون فولادی به حد گسیختگی(۴۲۰ درجه سانتیگراد) می‌رسد و متاسفانه قسمتی از ساختمان بر سر کارگران و مالک و انسانهای بیگناه بی‌خبر از همه جا که هر یک برای کاری به طبقه همکف مراجعه کرده بودند، آوار می‌شود. چرا اجازه بهره‌برداری از سازه‌ای که پایان کار ندارد داده شده است. این مسئله را نیز می‌توان از قصور شهرداری و جسارت سازنده به حساب آورد.

اسکلت فلزی پرحجمی همچون متروپل به جای این که در کارخانه‌های مجهز ساخت سازه‌های فلزی و تحت نظارت متخصصین انجام شود توسط استادکاران جوشکار و آهنگر استخدامی کارفرما در محل پروژه بدون تست‌های مورد نیاز انجام می‌شده است.

ملاحظه می‌شود همه این مصائب به دلیل نبود کادر فنی مسئول و با تجربه در کارگاه و نبود تخصص برای رفع نقص و تقویت مناسب و از همه مهم‌تر عدم کارایی سازمانها و ارگانهایی است که خود باید ضامن تامین ایمنی جامعه و حفظ جان و مال مردم باشند. تا زمانی که بالاترین سودها از ساختمان‌سازی نصیب بساز

بفروش‌ها می‌شود و مهندس ناظر به دلیل معقول نبودن حق‌الزحمه دریافتی نسبت به وقت صرف شده او مرعوب یا تسلیم می‌شود متاسفانه درها بر همین پاشنه می‌چرخد.

نکته دیگری که از این گزارش‌ها می‌توان دریافت، خودمختاری در تصمیمات کارگاهی است آن هم توسط کسانی که فاقد تخصص لازم و فقط به دنبال سودآوری بیشتر بوده‌اند. تغییرات پی در پی در طراحی و ساخت و دخالت عوامل مختلف ذی‌نفع در پروژه با ایجاد تغییرات وحشتناکی نظیرکاهش تعداد ستونها از طبقه چهارم به بالا و استفاده از سقف مجوّف بدون ضوابط فنی و بدون اجرای تیرهای مرزی است که نادرستی اتصال سقف به ستون را باعث شده، همچنین دیگر تصمیمات خلق‌الساعه‌ای که ذکر آن رفت، سرانجام فاجعه آفرید.

مسئله مهم دیگر که پیش‌تر نیز اشاره شد عدم کارایی قوانین نظام مهندسی برای نظارت جدی بر ساختمانهای بزرگ است. قوانین کنونی به نحوی است که کار نظارت و مسئولیت کلی به عهده نمایندگان سازمان نظام مهندسی، ولی اجرای قانون و جلوگیری از ادامه تخلف در دست نهاد شهرداری است.

قوانین کنونی سازمان نظام مهندسی به نحوی است که کار نظارت و مسئولیت کلی به عهده نمایندگان سازمان نظام مهندسی، ولی اجرای قانون و جلوگیری از ادامه تخلف در دست نهاد شهرداری است.

سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران امیدوار است این اتفاق دردناک درس عبرتی باشد برای تمامی سازندگان و کسانی که بدون کسب دانش فنی یا استفاده از کارشناسان این امر به دخالت در اموری می پردازند که در آن تخصص و آگاهی لازم را ندارند و همچنین امیدواریم مسئولین محترم چه در بخش خصوصی چه دولتی، هشدارهای دلسوزانه کارشناسان در امور مختلف مملکتی را جدی بگیرند. این حادثه تنها برای یک ساختمان اتفاق افتاد و جان عده ای از هموطنان را گرفت اما چه بسا ممکن است در بسیاری از موارد جان و مال ساکنان یک شهر یا حتی در مگاپروژه‌ها یک ملت را نشانه‌گیری کند.

جامعه مهندسی به ویژه سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران بارها به این مهم تاکید کرده و از مسئولان محترم مملکتی درخواست نموده که مسئولیتها را به آگاهان متخصص بسپارند و از آنها حمایت کنند و در این زمینه بخصوص استفاده و حمایت دولت از مهندسان مشاور کارآزموده و دارای سابقه خوب و شناخته شده، همچنین پیمانکاران رتبه‌بندی شده توسط سازمان برنامه که بر اساس ضوابط نظام فنی و مهندسی کشور پروژه‌ها را به انجام می‌رسانند بسیار ضروری و کارساز خواهد بود.

عدم توجه به این مهم ممکن است باعث مخدوش شدن چهره اصلی مهندسی و پیمانکاری کشور در اذهان داخلی و خارجی شود. حوادثی مانند متروپل ۲ می‌تواند به ویژه کارفرمایان خارجی را از دعوت شرکتهای ایرانی به مناقصات منصرف یا مردد نماید که در مجموع به زیان اقتصاد کشور و محروم شدن از درآمد ارزی حاصله از صدور خدمات فنی و مهندسی خواهد بود.

صادرات خدمات فنی-مهندسی در دولت سیزدهم ۴ برابر شد

دبیر سندیکای شرکت های ساختمانی

عضو هیأت مدیره انجمن شرکت‌های صادرکننده خدمات فنی-مهندسی از رشد ۴ برابری صادرات این خدمات طی فعالیت ۱۰ ماهه دولت سیزدهم خبر داد.

حجت الاسلام سید ابراهیم رئیسی رئیس جمهور کشورمان در گفت وگوی زنده‌ای که با مردم در شامگاه ۴ تیر ماه داشت گریزی به رشد صادرات خدمات فنی-مهندسی زد.

رئیس جمهور: با ۱۸ کشور پیرامونی قرارداد صادرات خدمات فنی-مهندسی داریم

وی در رابطه با نتیجه نهایی تجارت خارجی بیان کرد: سیاست همسایگی از اولویت‌های ما بود و به حمدالله در حال نتیجه دیدن است. تراز تجاری ما مثبت شده است. از امارات رشد ۸ درصدی و سایر کشورها رشد ۵۰ درصد تراز تجاری را شاهد بودیم. نسبت به مسئله صادرات خدمات فنی مهندسی با ۱۸ کشور در اطراف خود قرارداد داشتیم که ۲ و نیم میلیارد دلار خدمات را به خود اختصاص می‌دهند.

دبیر سندیکای شرکت‌های ساختمانی: اهتمام به افزایش صادرات خدمات فی-مهندسی در دولت سیزدهم بیشتر از دولت‌های قبلی است

ایرج گلابتونچی عضو هیأت مدیره انجمن شرکت‌های صادرکننده خدمات فنی-مهندسی در گفت وگو با خبرنگار مهر با بیان اینکه در دولت سیزدهم توجه به صدور خدمات فنی-مهندسی افزایش داشته اظهار کرد: این موضوع از دو منظر قابل بررسی است نخست آن که به کارگیری مدیران و افرادی که هم اشراف بیشتری به مقوله صادرات خدمات فنی-مهندسی و هم علاقه بیشتری به پیگیری این موضوع دارند در سطح دو وزارت صمت (سازمان توسعه تجارت) و امور خارجه (معاونت دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه) کاملاً مشهود است؛ در حال حاضر مسئولان مربوطه پیگیری جدی تری به صادرات خدمات فنی-مهندسی نشان می‌دهند.

وی با بیان اینکه موضوع صادرات خدمات فنی-مهندسی هر گاه با توجه بیشتر دولت‌ها مواجه شده، عملاً به مثبت شدن تراز تجاری در این بخش می‌انجامد افزود: در سال ۱۳۹۹ صادرات خدمات فنی-مهندسی ما حدوداً ۵۰۰ میلیون دلار بود اما در سال ۱۴۰۰ این صادرات به ۱.۸ میلیارد دلار رسید یعنی تقریباً ۴ برابر شد که نشان می‌دهد توجه همزمان دولت به این مقوله و پیگیری‌های فعالان بخش صادرات خدمات فنی-مهندسی رشد آن را در پی دارد.

عضو هیأت مدیره انجمن صادرکنندگان خدمات فنی-مهندسی ادامه داد: هدف گذاری دستگاه‌های متولی صادرات خدمات فنی-مهندسی دستیابی به تراز تجاری ۲۰ میلیارد دلار در سال است که رقم مناسبی است و با توجه به توان مجموعه‌های مهندسی ما دارند، امکان پذیر بوده و قابل دستیابی است. وی راهکار دستیابی به صادرات سالانه ۲۰ میلیارد دلاری خدمات فنی-مهندسی را تهیه بسته تشویقی برای شرکت‌های فنی-مهندسی دانست و یادآور شد: در کنار آن، شناسایی بازارهای هدف صادراتی این خدمات نیز باید در دستور کار قرار گیرد تا به رقم مذکور برسیم؛ هر چند که با وضع موجود می‌توانیم ابتدا از ۱.۸ میلیارد دلار به ۵ و در گام بعدی با اجرای بسته‌های تشویقی، به هدف گذاری ۲۰ میلیارد دلاری دست یابیم.

گلابتونچی به معرفی مؤلفه‌های اثرگذار در دستیابی به تراز تجاری ۲۰ میلیارد دلاری صادرات خدمات فنی-مهندسی اشاره و بیان کرد: یکی از این مؤلفه‌ها، گسترش دادن دایره شرکت‌های فعال در این زمینه بوده و باید بتوانیم شرکت‌های بیشتری را در زمینه صدور خدمات مهندسی فعال کنیم. مؤلفه دیگر ایجاد بسته‌های تشویقی برای ورود شرکت‌های مهندسی از پروژه‌های داخلی به پروژه‌های بین المللی است لذا این مشوق‌ها باید به گونه‌ای باشد که از فعالان اقتصادی حمایت کند.

کشورهای بازار هدف دریافت خدمات فنی-مهندسی ایران

وی به تشریح مؤلفه سوم اثرگذار در صادرات خدمات فنی-مهندسی اشاره کرد و گفت: باید به خوبی بازارهای هدف ما شناسایی شود که در حوزه کشورهای شانگهای، سی آی اس (آسیای میانه) همسایگان ما در جنوب خلیج فارس و همچنین برخی کشورهای آفریقایی هستند؛ همچنین با توجه به رابطه بسیار خوب ما با برخی کشورهای آمریکای لاتین و نیز روسیه می‌توانیم این کشورها را وارد دایره صدور خدمات فنی-مهندسی کنیم؛ به خصوص روسیه که در حال حاضر بازار مستعدی برای ساخت و ساز است که این بازار بیشتر در اختیار شرکت‌های ترکیه‌ای است ولی می‌توانیم با مذاکرات سیاسی، بخشی از بازار ساخت و ساز روسیه را در اختیار بگیریم تا بتوانیم به هدف گذاری ۲۰ میلیارد دلاری دست یابیم.

دبیر سندیکای شرکت‌های ساختمانی تصریح کرد: در عین حال باید به چند نکته هم توجه کنیم تا جهش صادراتی خدمات فنی-مهندسی را در یک سال اخیر پس از چند سال توقف یا کاهش، حفظ شود: نخست آنکه دولت باید مشکل دریافت ضمانت نامه‌های بانکی برای شرکت‌های فنی-مهندسی ایرانی خواهان حضور در مناقصه‌های بین المللی را برطرف کند؛ این مشکل اگرچه ناشی از تحریم‌های ظالمانه علیه کشورمان است اما می‌توان با استفاده از برخی عملیات‌های بانکی و مالی یا مذاکرات دو جانبه با کشورها، آن را حل کرد.

وی تأکید کرد: اخذ ضمانت نامه‌های بانکی مناقصه‌های بین‌المللی در دو مرحله انجام می‌شود یکی در زمان برگزاری مناقصه برای اخذ کار و پروژه و دیگری پس از موفقیت و برنده شدن در مناقصه و با هدف تضمین حُسن انجام کار و دریافت پیش پرداخت است این ضمانت نامه‌ها از چند مسیر می‌تواند صادر شود یکی از مسیر ضمانت نامه‌های بانکی است که شرکت ارائه دهنده خدمات فنی-مهندسی بانک مورد اعتماد خود را معرفی می‌کند و از آن بانک با سپرده‌گذاری در بانک، ضمانت نامه دریافت می‌شود؛ اما بحث تحریم‌ها سبب شده تا شرکت‌های فنی-مهندسی ما نتواند بانک‌های داخلی را به عنوان بانک مورد اعتماد خود معرفی کند.

مشکل صدور ضمانت نامه بانکی داریم ولی راه حل دارد

گلابتونچی با اشاره به غیر فعال شدن سیستم امکان اخذ ضمانت نامه بانکی از بانک توسعه صادرات گفت: بانک‌های عراقی عمدتاً به ما به دلیل تحریم ضمانت نمی‌دهند تعداد محدودی هم که پذیرفته بودند ضمانت نامه بدهند به ما گفته‌اند باید ۱۰۰ درصد مبلغ ضمانت نامه در بانک عراقی سپرده گذاری کنید؛ با این حال در دنیا علاوه بر سیستم‌های بانکی، می‌توان از سیستم‌های بیمه‌ای هم برای ضمانت حُسن اجرای پروژه‌های عمرانی استفاده می‌شود؛ اما امکان استفاده از این روش نیز از سوی شرکت‌های بیمه گر ما متوقف است.

راهکار دور زدن تحریم‌های بانکی برای صدور ضمانت نامه شرکت‌های مهندسی

وی خاطرنشان کرد: به عنوان جایگزین سیستم‌های ضمانت بانکی و بیمه‌ای، دولت می‌تواند از پیمان‌های دو یا چند جانبه با کشورها استفاده کند و با کشورهای مقصد، تفاهم نامه‌ای امضا کند

دولت باید مشکل دریافت ضمانت نامه‌های بانکی برای شرکت‌های فنی-مهندسی ایرانی خواهان حضور در مناقصه‌های بین المللی را برطرف کند

که شرکت‌های ایرانی صادرکننده خدمات فنی مهندسی را از محل اعتبار ایران در آن کشورها تضمین می‌کند؛ مثلاً ما در عراق مطالباتی بابت فروش برق داریم که دولت می‌تواند با عراقی‌ها تفاهم کند که ۲۰۰ میلیون دلار از آن بابت تضامین شرکت‌های فنی-مهندسی که از سوی دولت ایران معرفی شده‌اند، بلوکه شود. این شرکت‌ها هم از سوی مقابل در ایران معادل همان پول در بانک‌های ایرانی سپرده گذاری می‌کنند تا وارد گردش مالی بانک‌های ایران شود.

عضو هیأت مدیره انجمن صادرکنندگان خدمات فنی-مهندسی اظهار داشت: در هر مرحله‌ای که یک پروژه تکمیل و تحویل می‌شود، ۲۰۰ میلیون دلاری که عراقی‌ها از بدهی خود بابت خرید برق از ایران بلوکه

کرده‌اند، به پروژه‌های بعدی اختصاص می‌یابد که در عمل با ۲۰۰ میلیون دلار می‌توان حداقل ۱۰ میلیارد دلار تضامین بانکی برای شرکت در مناقصات و اخذ دیگر تضامین برای اخذ واجرای پروژه‌های عمرانی را ارائه کرد. اگر این روش اجرایی شود، حجم بیشتری از شرکت‌های فنی مهندسی در عراق فعال شوند.

وی با اشاره به تکنولوژی بالای شرکت‌های عمرانی و ساخت و ساز ایرانی خاطرنشان کرد: می‌توانیم از این دانش شرکت‌های ایرانی با توجه به نیاز بالای کشورهای همسایه به اجرای طرح‌های توسعه‌ای از قبیل سد سازی، بیمارستان سازی، راه سازی و... در جهت ارتقای تراز تجاری صادرات خدمات فنی-مهندسی بهره ببریم.

فعال شدن صادرات خدمات فنی-مهندسی از خروج فارغ التحصیلان دانشگاهی به دلیل نبود کار در داخل جلوگیری می‌کند.

شرکت‌های مهندسی ایرانی چه قدر از عراق طلب دارند؟

دبیر سندیکای شرکت‌های ساختمانی تصریح کرد: بیشترین حجم کاری که شرکت‌های ایرانی در منطقه دارند، در عراق است که شرکت‌های خصوصی ما در این کشور معادل ۲ میلیون دلار پروژه عمرانی در دست اجرا دارند که بخشی از آنها هم تکمیل شده است البته بعد از حضور داعش در عراق، شرکت‌های فنی-مهندسی ایران متحمل خساراتی شده بودند که ۲۰۰ میلیون دلار طلب مستقیم و ۵۴۰ میلیون دلار خسارت بابت عدم اجرای پروژه در پی حضور داعش و سپس شیوع کرونا از این کشور می‌خواهند.

کنسرسیوم شرکت‌های مهندسی ایران در پروژه‌های عمرانی کشورهای منطقه

وی درباره ایجاد کنسرسیوم شرکت‌های مهندسی ایرانی ادامه داد: در حال حاضر تعدادی از شرکت‌های ایرانی به صورت کنسرسیوم در عراق و اقلیم کردستان این کشور فعالند حتی امکان ایجاد کنسرسیومی از شرکت‌های بین المللی با حضور شرکت‌های ایرانی هم داریم مثلاً در بخش فعالیت‌های نفتی، بندر و اسکله سازی و راه سازی چه در داخل و چه در خارج کنسرسیومی از شرکت‌های ایرانی و چینی فعال هستند؛ مثلاً در بوشهر پروژه سدسازی کنسرسیوم ایرانی-چینی مشغول اجراست. مثلاً در حال حاضر چینی‌ها در آفریقا فعالند که یکی از بحث‌ها جوینت شدن شرکت‌های ایرانی با چینی برای اجرای پروژه‌های عمرانی است. همچنین مذاکراتی شده تا در حوزه کشورهای سی آی اس (آسیای میانه) یا جمهوری آذربایجان یا ارمنستان یا قزاقستان و ازبکستان شرکت‌های ایرانی با شرکت‌های محلی این کشورها کنسرسیوم برای اجرای طرح‌ها تشکیل دهند.

اروپایی‌ها خواهان ایجاد کنسرسیوم با شرکت‌های مهندسی ایرانی برای اجرای پروژه‌های غرب آسیا

گلابتونچی یادآور شد: در اروپا نیز تقاضایی از سوی شرکت‌های فنی مهندسی کشورهای شرق اروپا برای ایجاد کنسرسیومی از شرکت‌های فنی-مهندسی ایرانی وجود دارد؛ فرانسوی‌ها هم چندین تقاضای ایجاد کنسرسیوم مشترک با ایرانی‌ها برای پروژه‌های راه سازی در عراق یا کشورهای غرب آسیا داشته‌اند. وی تصریح کرد: حتی پروژه‌هایی داریم که یک کشور دیگر تأمین مالی کرده ولی شرکت‌های ایرانی اجرا می‌کند مثلاً سد دالالوک اقلیم کردستان عراق را ژاپنی‌ها تأمین مالی کرده‌اند ولی دو شرکت فنی مهندسی ایرانی در حال ساخت هستند که به صورت کنسرسیوم در مناقصه، برنده پروژه شده‌اند.

دبیر سندیکای شرکت‌های ساختمانی تأکید کرد: شرکت‌های فنی-مهندسی ایرانی بیشتر از آنکه دنبال سرمایه گذاری باشند، مایلند تا به صورت طراح یا سازنده ورود کنند. به گفته گلابتونچی، فعال شدن صادرات خدمات فنی-مهندسی از خروج فارغ التحصیلان دانشگاهی به دلیل نبود کار در داخل جلوگیری می‌کند.

۱۴ تیر

وقتی هیچ‌چیزمان به هیچ‌چیزمان نمی‌آید

طرح آمایش سرزمین، الزامی است که کسی در ایران به آن توجهی ندارد

«بی‌توجهی به طرح آمایش سرزمین موجب شده که ۹۰ درصد بودجه عمومی کشور صرف اقلام هزینه‌ای شود و سهم بودجه‌های عمرانی آنچنان تقلیل یابد که دولت ناچار به اتخاذ تصمیمات غیرکارشناسی شده و به تبادل نفت در برابر کار و کالا تن بدهد...» این بخشی از نامه هشدارآمیزی است که اسفند ماه سال گذشته، علی آزاد، دبیر انجمن شرکت‌های راهسازی خطاب به رئیس‌جمهور نوشت و رونوشت آن را برای رؤسای قوه مقننه و قضاییه نیز ارسال کرد.

آمایش سرزمین را می‌توان ارزیابی نظام‌مند عوامل طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... به منظور یافتن راهی برای تشویق به جامعه بهره‌برداران در انتخاب گزینه‌هایی مناسب برای افزایش و پایداری توان سرزمینی تعریف کرد، موضوع سرنوشت‌سازی که در گردباد کارهای بر زمین مانده کشور به دست فراموشی سپرده شده است. مجله ترابران ماه گذشته، به منظور گفت‌وگو با یکی دیگر از پیشکسوتان عرصه راهسازی، به سراغ مهندس علی آزاد رفته، و درباره این مصاحبه نوشته است: «اما او بیش و پیش از هر چیز مایل بود درباره عواقب فراگیر و دامنگیر عدم اجرای آمایش سرزمین بگوید و هشدار دهد. این دل‌نگرانی‌ها را در این شماره تقدیم شما خواهیم کرد تا در شماره بعد شرح زندگی و تجربیات ایشان را که پشتوانه علمی و عملی دغدغه‌های امروز اوست، از زبان خودش مرور کنیم.». با اجازه از مجله ترابران و به دلیل اهمیت موضوع مشروح این مصاحبه را درج می نماییم.

ما موضوع مهمی به نام «آمایش سرزمین» در کشور داریم که به آن بی‌توجهی شده است. هدف آمایش سرزمین، ترسیم پایدارترین آرایش و توزیع متوازن، هماهنگ و کلیه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی در پهنه سرزمین نسبت به قابلیت‌ها، منابع طبیعی و نیروی انسانی است که ضروری است برنامه‌ریزی و ساماندهی درباره اشتغال، فعالیت‌ها و عوامل گوناگون نظام اقتصادی و اجتماعی کشور براساس آن انجام شود، اما متاسفانه تاکنون مدیران جمهوری اسلامی فارغ از این مسئله در مملکت کار کرده‌اند و تمام مشکلاتی که ایجاد شده ناشی از عدم توجه به همین موضوع است. یکی از جنبه‌های مهم آمایش، ایجاد ارتباط منطقی بین کار و مسکن است. در عین حال، این کار است که باید مسکن را به‌وجود بیاورد؛ در غیر این صورت، ایجاد مثلا «مسکن مهر» در اینجا و آنجای مملکت، جز شیوع پدیده حاشیه‌نشینی دستاوردی نخواهد داشت؛ چراکه برخلاف ایده‌های آمایش سرزمین، خواه‌ناخواه مردم از نواحی که ما به آنها توجه نداریم، به مراکزی که به آن توجه شده، کوچ می‌کنند.

اشتباه بزرگ دولت این است که فکر می‌کنند مسکن یکی از اولویت‌های اصلی مملکت است در حالی که موضوع مهم کشور تولید کار در استان‌های محروم است

تبدیل روستاییان مولد به حاشیه‌نشینان مصرف‌کننده

اشتباه بزرگ دولت این است که فکر می‌کنند مسکن یکی از اولویت‌های اصلی مملکت است در حالی که موضوع مهم کشور تولید کار در استان‌های محروم است. تا پیش از انقلاب، ۷۵ درصد مردم در روستاها و ۲۵ درصد در شهرها ساکن بودند، ولی الان دقیقا برعکس شده است، ۷۵ درصد شهرنشین و ۲۵ درصد روستانشین هستند. در عین حال، در گذشته آن ۷۵ درصد جمعیت روستانشین، کاملا خودکفا بودند. من زمانی راهی را در کنار قله دنا می‌ساختم. روستایی به نام میمند در آن ناحیه وجود داشت و من زندگی مردم روستا را از ساعت ۵ صبح تا شب از نزدیک می‌دیدم. مردان و زنان روستا در عین سادگی تمام نیازهای خود را خودشان تامین می‌کردند و هیچ نیازی به

کمک و یارانه دولت هم نداشتند، اما با آمدن برق و گاز به روستاها، اهالی کم‌کم احشام خود را فروختند و آنها را تبدیل به کولر و یخچال و تلویزیون کردند، به‌تدریج کار کشاورزی و دامپروری هم کم‌رنگ شد، مردهای بیکار شده به شهرها هجوم آوردند، موتور و پراید دست‌دوم خریدند و مشغول مسافرکشی شدند.
شما شاهد هستید که در این ۴۰ سال، جمعیت تهران ۸ برابر شده، اما جمعیت مثلا ایلام ۳ برابر شده است. همین آمارها نشان‌دهنده کوچ انسان‌ها از مناطق کم‌برخوردار به نواحی برخوردارتر است.
برنامه ما برای توسعه مناطق محرومی مانند بلوچستان، مکران، بندرعباس، بوشهر، ایلام، خوزستان، خراسان جنوبی و کردستان چیست؟ ساده است. فقط و فقط باید براساس اطلاعات طرح آمایش سرزمین عمل کنیم و لاغیر.

خطاهای محاسباتی نابخشودنی

اگر بخواهم مثالی بزنم از اینکه آمایش سرزمین چگونه تکالیف ما را مشخص می‌کند، باید بگویم آمایش سرزمین اجازه نمی‌دهد که شرکت فولاد مبارکه در کنار زاینده‌رود احداث شود. شاید آن زمان فکر می‌کردند آب زاینده‌رود کفایت می‌کند، در حالی که اگر به مسائل مربوط به آمایش سرزمین توجه می‌داشتند، باید چنین کارخانجاتی در سواحل خلیج فارس احداث می‌شد. جالب اینجاست در بندرعباس هم فوندانسیون احداث این کارخانه را ساختند، ولی بعد طرح مذکور به اصفهان منتقل شد.
نباید دولت اجازه تاسیس هیچ کارخانه‌ای در شمال ایران با تخریب محیط زیست را بدهد. هر کس می‌خواهد کارخانه‌ای تاسیس کند، در استان‌های محروم مستقر شود و دولت هم حمایت کند. اکنون حدود ۵۰ کارخانه‌ای تولید فولاد که همه باید در جنوب ایران ساخته می‌شد و به دنبال آن اشتغال‌زایی صورت می‌گرفت و مشکل مسکن حل می‌شد، از بستر زاینده‌رود تا رفسنجان و در مناطق کم آب احداث شده‌اند که از آب زاینده‌رود با لوله‌کشی تغذیه می‌شوند.

می‌بینید که نتیجه این کار، فقط فرونشست زمین و افزایش جمعیت است، در حالی که زیرساخت‌های استان اصفهان کشش تامین نیازهای این تعداد جمعیت را ندارد.شاید کسانی که می‌گویند جمعیت ایران می‌تواند به ۱۵۰ میلیون نفر هم برسد، حق داشته باشند، ولی این گزاره فقط در شرایطی امکان تحقق خواهد داشت که آمایش سرزمین صورت گیرد، در غیر این صورت مشکلات پیچیده‌تر می‌شود.
ما اگر درکنار سواحل خلیج فارس تمام کارخانه‌های فولاد و پتروشیمی را تاسیس می‌کردیم، می‌توانستیم حدود ۵۰ میلیون نفر جمعیت را در آن نواحی ساکن کنیم که کار و مسکن مناسب هم داشته باشند.
برایتان یک مثال بزنم، چند پیمانکار راهساز خواستند که یک کارخانه سیمان احداث کنند. من چون سال‌ها در کناره‌های ساحل مکران و بلوچستان کار کرده و راه ساخته بودم، توصیه کردم که کارخانه خود را در استان‌های محروم تاسیس کنند تا اشتغال‌زایی هم صورت گیرد. آنها هم پذیرفتند و در شهرستان راسک بلوچستان کارخانه سیمان تاسیس کردند. بعدها پرسیدم برای ۵۰۰ نفر اشتغالی که با تأسیس این کارخانه ایجاد شده وضعیت مسکن چگونه است؟ گفتند در ۵ کیلومتری کارخانه شهرکی مسکونی به وجود آمده یعنی مردم با وام شرکت و پس‌انداز از حقوقشان برای خود خانه‌های بسیار ساده ساخته‌اند.
یکی از مشکلاتی که عدم توجه آمایش سرزمین ایجاد می‌کند و من به عنوان عضو جمعیت طرفداران ایمنی راه‌ها می‌توانم به آن اشاره کنم این است که متاسفانه طی سال‌های اخیر ما در هر سال، ۱۸ حدود هزار نفر کشته ، ۱۸ هزار قطع نخائی و حدود ۳۰۰ هزار مجروح داشتیم. از تعداد کل کشته‌ها ۵ هزار نفر موتورسوار بودند که اغلب در استان‌های شمالی و تهران متمرکز و به کارهای غیرتولیدی و خدماتی مشغول شده‌اند. در تهران ۵۰ درصد آمار کشته‌شدگان مربوط به موتورسواران است. بنابراین بخشی از تصادفات مربوط به پدیده‌ای است که موتورسواران با بی‌قانونی‌های خود در شهرها ایجاد کرده‌اند.
این پدیده قبلا در شهرهای بزرگ به این شدت نبود، ولی به علت اینکه در شهرستان‌ها کار نیست، روستاییان به شهرهای بزرگ مهاجرت می‌کنند و اغلب به مشاغل کاذب و جابه‌جایی مشغول می‌شوند. بنابراین می‌توان گفت که ما با عدم رعایت موازین آمایش سرزمین عامل مرگ این موتورسواران هستیم.

زنگ خطر برای امنیت مرزها

افتخار ما این است که وقتی عراق به ایران حمله کرد، مردم خرمشهر و آبادان جانانه از مرزهای کشور دفاع کردند تا نیروهای نظامی خود را به منطقه برسانند. آن زمان همه مردم کار داشتند و در محل تولدشان ساکن بودند ولی وقتی ما مثلا مردم بلوچستان را به دلیل عدم تامین نیازهایشان از محل سکونتشان دور می‌کنیم، اگر فردا روزی از طرف کشورهای همسایه به ایران حمله شد، وقتی همه از سر ناچاری به شهرهای دیگر پناه آورده‌اند، دیگر چه کسی باقی می‌ماند تا از مرزها دفاع کند؟!
گویی آمایش سرزمین مفهوم خود را در کشور از دست داده است. دولت سیزدهم در ابتدای فعالیت خود وعده داد که در ۴ سال ۴ میلیون مسکن خواهد ساخت و اکنون وزیر راه و شهرسازی نمی‌داند که چه کند و مدام اقدامات بیهوده‌ای انجام می‌دهد، در حالی که وظیفه دولت اصلا ساخت مسکن نیست، باید شغل ایجاد کند تا مسکن هم خودبه‌خود در پی آن ایجاد شود. ما شاید فرصت کمی داشته باشیم که اوضاع نابه‌سامان مملکت را اصلاح کنیم اما با توجه به اینکه هر زمان جلوی ضرر را بگیرید منفعت است.

امیدوارم دولت به مسائل حیاتی آمایش سرزمین توجه کند تا بار مسئولیت‌هایی چون مسکن مهر و مسکن ملی که احداث آنها برخلاف منافع ملی کشور و همه در تضاد با طرح آمایش سرزمین و موجب تمرکز بیشتر مردم در تهران و شهرهای مهم شده است، از دوش دولت برداشته شود.

مشکلی به نام میان‌مایگان

مهندس محمودمصطفی زاده

پس از انقلاب فرهنگی و پاک‌سازی دانشگاهها از عناصر نامطلوب (از نظر ایدئولوژی نظام حاکم) چه در کسوت استاد و چه در کسوت دانشجو، در دانشگاه‌های ما افت شدید علمی ایجاد شد و متعاقب آن دانشگاه تهی از نخبگان گردید، دانشگاهها نیز مسئولیت نخبه‌پروری را از خود سلب نمودند.

پس از اتمام جنگ، نیاز شدید کشور به نیروهای متخصص فارغ‌التحصیل دانشگاهی از یک طرف وافزایش جوانان طالب علم از طرف دیگر حاکمیت را وادار کرد تا با افزایش مراکز دانشگاهی بدون پشتوانه علمی و استادان و مدرسان صاحب صلاحیت، به تولید انبوه فارغ‌التحصیل کم کیفیت و کم مایه رو نماید وامیدوار باشد با این روش کمبودها و نیازها را جوابگو گردد. کمبود استاد و مدرس توانمند و صاحب صلاحیت و مکان‌های مناسب آموزشی وعدم سرمایه‌گذاری در سالهای بعد از انقلاب در زمینه آموزش عالی و مهاجرت نخبگان دانشگاهی به دلایل متعدد از جمله پاکسازی‌های گسترده، تصمیم‌گیران را مجبورکرد از کیفیت بکاهند و به کمیت بیفزایند.

افزایش تعداد فارغ‌التحصیلان بی‌کیفیت و یا کم کیفیت ما را گرفتار یک نوع خود فریبی نمود و مدرک‌گرایی جای نخبه‌گرایی را گرفت به طوری که در سی سال گذشته بیش از هر کشوری دانشگاه و فارغ‌التحصیلان با مدارک بالا تولید نموده‌ایم. متاسفانه این صاحبان مدارک نتوانستند در مدیریت بهینه جامعه نقش قابل قبولی ایفا نمایند و امروزه ما دچار بلای عظیمی هستیم، بلایی که طی آن نخبه‌پروری در سرزمین ما از میان رفته و به میان‌مایه‌پروری تبدیل شده است و با آغاز شرایط دشوار اجتماعی و اقتصادی و ناامیدی حداقل نخبگان مانده از بهبود شرایط آنها هم کم کم از کشور رفتند و بسیاری از ساحت‌های اجتماعی از جمله اداره کشور به دست میان‌مایگان افتاد. و این روند همچنان ادامه دارد.

هر روز نخبگان ما بیش از پیش می‌روند و حاصل آن نه متروپل که متروپل‌های زیادی است. اگر به خود نیاییم و بیدار نشویم اتفاق متروپل در همه زمینه‌ها تکرار خواهد شد. حال این بر عهده ما است که به عنوان متخصص به آنچه خارج از چارچوب‌های استاندارد روی می‌دهد واکنش نشان دهیم و به عنوان وجدان بیدار جامعه، مردم را از عواقب این میان‌مایه‌پروری آگاه کنیم.

واقعیت این است که ما در طی سالیان اخیر کیفیت را فدای کمیت کردیم. افراد زیادی را در رشته‌های مختلف وارد نمودیم و بی‌توجه به کیفیت آموزش آنها را راهی بازار کردیم. خانه‌ها به دست افرادی ساخته شد که برای آنها تجارت بیشتر از امنیت اولویت داشت. افرادی که فرایند تشخیص صلاحیت و رتبه‌بندی را طی نکرده بودند، و با عبور از نظام‌هایی ناکارآمد به عنوان افرادی که قابلیت کار مهندسی دارند، وارد عرصه ساخت و ساز شده‌اند.

ما به بلای عظیمی دچار شده‌ایم که اگر چاره‌ای برای آن نیندیشیم آینده زیستن در این کشور را برای نسلهای آینده نیز دشوار خواهد کرد. البته هنوز می‌توانیم با تکیه بر تجربه موفق دهه‌های چهل وپنجاه، با ایجاد یک آشتی ملی و دعوت از نخبگان خارج از کشور و ایجاد امید در اندک نخبگان مانده در داخل کشور تحرک لازم برای بازسازی و بهسازی کشور را ایجاد نماییم. هنوز می‌توانیم کشور را از دست میان مایگان بگیریم و با گماردن نخبگان بر سرکارها به امورات خود سر و سامان دهیم و امید را مجددا به جوانان وطن برگردانیم.

بدکارکردی در نظام مهندسی

مسیر نادرست در اجرای پروژه‌ها بر اساس دستورالعمل‌های نظام مهندسی و تاثیر آن در فاجعه متروپل و کاهش رعایت اصول مهندسی در اجرای پروژه‌ها از زبان عباس آخوندی

عباس آخوندی وزیر اسبق راه و شهرسازی در گفتگویی نکاتی را درباره ریزش ساختمان متروپل مطرح کرده که در ادامه می‌خوانید.

حادثه ریزش ساختمان در آبادان تداعی کننده حادثه ریزش ساختمان پلاسکو در تهران بود. چرا این حوادث در حوزه ساختمان سازی در کشور ما تکرار می‌شود؟

ساختمان پلاسکو و ساختمان متروپل آبادان از نظر فنی دو موضوع کاملاً متفاوت هستند. ساختمان پلاسکو تحت تاثیر بهره‌برداری غلط و بعد از حادثه، مدیریت غلط سانحه و ضعف فرماندهی اطفای حریق ساختمان، سانحه رخ داد اما ساختمان متروپل آبادان در واقع ناظر بر ضعف کنترلِ ساختمان رخ داده‌است. از نظر فنی بین این دو سانحه تفاوت وجود دارد زیرا ساختمان پلاسکو بیش از ۵۰ سال کار کرده است و بهره‌برداری غلط موجب این حادثه شده اما متروپل آبادان به مرحله بهره برداریِ کامل نرسیده و قبل از تکمیل ساخت، ساختمان ریزش کرده‌است. بنابراین، از نظر فنی دو موضوع کاملا متفاوت‌اند و نباید مقایسه یکسان کرد.

به نظر شما علت اصلی ریزش ساختمان متروپل آبادان چیست؟ سهم تخلف نهادهای نظارتی همچون سازمان مهندسی و شهرداری آبادان چه میزان است؟

از آنجا که ساختمان متروپل آبادان را از نزدیک ندیده‌ام، نمی‌توانم درباره این ساختمان اظهار نظر فنی داشته باشم. باید این اظهارنظر توسط کسانی انجام شود که درباره نحوه محاسبات، طراحی و نظارت ساختمان بررسی‌های دقیقی انجام داده باشند. اما در مجموع موضوعی که با توجه به وقوع این حادثه توییت کردم این است که از نظر من نظام مهندسی ساختمان ایران دچار بدکارکردی است. درباره بدکارکردی کلی نظام مهندسی و کنترل ساختمان ایران می‌توانم اظهارنظر کنم که با این بد کارکردی می‌توان انتظار سوانح مختلف داشت.

شما در توییتی که داشتید به فساد سیستماتیک در سازمان نظام مهندسی از سال ۸۸ اشاره کردید. منظور شما از این فساد مشخصا چیست و چرا این فساد را سیستماتیک می‌نامید؟

بحث من به ساختارها برمی‌گردد. نظام مهندسی و کنترل نظام ساختمان جامع‌ترین نظامی است که از مرحله تعریف پروژه، انتخاب مهندس و یا مهندسان طراح تا مرحله بهره‌برداری در بخش ساختمان در ایران وجود دارد. بر اساس ماده ۴ قانون نظام مندسی و کنترل ساختمان، طراحی ساختمان و انجام فعالیت‌های مهندسی در ساختمان باید توسط مهندسان دارای پروانه ساختمانی انجام شود و کنترل ساختمان نیز باید توسط شهرداری‌ها انجام شود. بنابراین در نظام مهندسی ساختمان، فعالیت‌های مهندسی شامل طراحی، اجرا، نظارت، بازرسی، آزمایشگاه های مهندسی و غیره باید توسط مهندس دارای پروانه اشتغال به کار مهندسی انجام شود. کار دیگر مهندسی کنترل ساختمان است. و مفهوم آن این است که کلیه فعالیت‌های مهندسی از دو جهت باید با قانون مطابقت داده شوند یکی از جهت ضوابط معماری و شهرسازی؛ یعنی اینکه ساختمان چند طبقه باشد، چه سطح اشغالی داشته باشد، نحوه‌ی دسترسی به معابر عمومی و سیستم اطفای حریق و راه فرار آن چگونه باشد. موضوع دوم هم از جهت انطباق با مقررات ملی ساختمان است. در این میان پایداری ساختمان تحت بارهای ثقلی و بارهای زلزله از اهم موارد است. یعنی اینکه ساختمان چگونه ساخته شود که به هنگام بهره‌برداری تحت بارهای وزنی خود ساختمان و وزن‌های حین بهره‌برداری اعم از بارهای ناشی از تجهیز ساختمان، افراد و یا برف و باران و هم‌چنین بارهای افقی ناشی از نیروی باد و زلزله پایدار باشد. در موضوع کنترل ساختمان افزون بر ضرورت رعایت کلیه موارد توسط مهندسان حرفه‌ای درگیر طراحی، ساخت و نظارت، شهرداری نیز به عنوان مسئول کنترل ساختمان وظیفه کنترل دقیق همه‌ی موارد را بر عهده دارد. ورود شهرداری به امر کنترل از حیث تامین منافع عمومی مردم شهر است.

در قانون در ارتباط با نظام مهندسی و کنترل ساختمان، چهار رکن مهندس، کنترل کننده (شهرداری‌ها)، وضع کننده مقررات و داور (دولت یا همان وزارت راه و شهرسازی) تنظیم کننده امور حرفه‌ای مهندسان (سازمان‌ها نظام مهندسی ساختمان استان‌ها) تعریف شده و وجود دارند.

عنصر دیگر در نظام مهندسی و کنترل ساختمان، وزارت راه و شهرسازی است که وظیفه آن در این ارتباط، تبیین و تدوین مقررات ملی ساختمان است که همان ۲۲ مبحث مقررات ملی ساختمان است که تمامی مباحث از تعاریف اولیه تا مباحث کلی ساختمان در آن لحاظ شده است. وظیفه‌ی دیگر وزارت راه و شهرسازی یک نظارت عالی بر کارکرد کلی نظام مهندسی و کنترل ساختمان است که به صورت کلی باید مطمئن شود که کیفیت اجرای قانون مناسب است و اگر کاستی وجود دارد در جهت رفع آن یا در مقررات و یا در فرایندها اقدام کند. رکن چهارم نظام مهندسی و کنترل ساختمان سازمان‌های نظام مهندسی استان‌ها هستند. وظیفه این سازمان‌ها تنسیق و هماهنگی امور مهندسان، کمک به دولت و شهرداری‌ها در حسن اجرای مقررات ملی ساختمان و ضوابط معماری و شهرسازی و هم‌چنین رسیدگی به تخلفات انتظامی مهندسان است. یعنی این سازمان‌ها نسبت به پذیرش عضویت مهندسان در سازمان، آموزش و ارتقای سطح دانش و مهارت مهندسان، دادن بازخورد به مراجع تدوین مقررات ملی ساختمان در باره نقاط قوت و ضعف مقررات، و هم‌چنین همکاری با دولت و شهرداری‌ها در فرایندهای طراحی، اجرا و نظارت ساختمان و بررسی تخلفات احتمالی مهندسان اقدام می‌کند. بنابراین در قانون در ارتباط با نظام مهندسی و کنترل ساختمان، چهار رکن مهندس، کنترل کننده (شهرداری‌ها)، وضع کننده مقررات و داور (دولت یا همان وزارت راه و شهرسازی) تنظیم کننده امور حرفه‌ای مهندسان (سازمان‌ها نظام مهندسی ساختمان استان‌ها) تعریف شده و وجود دارند.اما چرا این سیستم که کم‌وبیش در تمام دنیا وجود دارد و از جمله رایج‌ترین اموری است که جوامع بشری آن را انجام می‌دهند در کشور ما به طور عجیب و غریبی فعالیت دارد؟ در این باره باید بگویم که انحراف این سیستم از سال ۱۳۸۵ آغاز شد اما به طور جدی و همه جانبه انحرافات آن از سال ۱۳۸۸ د امنگیر شد.

نخستین انحراف زمانی شد که سازمان نظام مهندسی که کار آن تسریع کننده امور مهندسی بود به توزیع کننده کار مهندسی تبدیل شد یعنی این سازمان آمد و مسئولیت تطبیق حجم کار مهندسان را بر عهده گرفت و حائلی میان مهندس و مالک ساختمان شد

نخستین انحراف زمانی شد که سازمان نظام مهندسی که کار آن تسریع کننده امور مهندسی بود به توزیع کننده کار مهندسی تبدیل شد یعنی این سازمان آمد و مسئولیت تطبیق حجم کار مهندسان را بر عهده گرفت و حائلی میان مهندس و مالک ساختمان شد. این اولین مفسده‌ای بود که رخ داد هرچند در ظاهر قانع کننده بود که هدف از اجرای این کار این است که ما می‌خواهیم رابطه ناظر و مالک را قطع کنیم اما در واقع آغازی شد تا در بحث نظارت و بحث کنترل خلط مبحث شود تا رابطه مهندس طراح، ناظر و مجری با مالک قطع شد. اما در عمل چه شد؟

سازمان نظام مهندسی آمد کار را به صورت کوپنی بین مهندسان توزیع کرد یعنی امر ارجاع کار مهندسی را کوپنی کردند و اعلام شد که سازمان‌های نظام مهندسی کار را میان مهندسان توزیع خواهند کرد. چنین موضوعی به هیچ وجه در قانون وجود خارجی ندارد و صددرصد تخلف است. برای تفسیر بهتر این موضوع دو مثال درباره دو حوزه پزشکی و حقوقی می‌آورم. این شیوه مانند این است که نظام پزشکی برای بیمار تصمیم بگیرد که به کدام پزشک مراجعه کند. به عنوان استدلال هم بگوید که ما می‌خواهیم کار را عادلانه میان پزشکان توزیع کنیم. یا افراد حق انتخاب وکیل دعاوی را نداشتنه باشند و کانون وکلا بگوید ما باید وکیل هر فرد را تعیین کنیم. تصور کنید در صورت اجرای این سیاست چه بلبشویی در نظام پزشکی و دادگستری ایجاد خواهد شد. متاسفانه این اتفاق تحت عنوان پرطمطراق قطع رابطه مالک و ناظر اجرایی می شود. از همین رو است که اکثر روابط میان طرف‌های درگیر در فعالیت‌های مهندسی صوری و بر مبنای عدم شناخت از یکدیگر و اطمینان به هم و به صورت کاغذبازی انجام می‌شود. البته که چنین امری در هیچ یک از حرفه‌های تخصصی در ایران وجود ندارد. چون آشکار با حقوق شخصی کارفرما و مهندس مغایرت اساسی دارد و آشکارا خلاف قانون اساسی است. ولی، توزیع کار کوپنی در حوزه فعالیت‌های مهندسی ساختمان ساری و جاری است. این بحث از سال ۸۵ شروع شده و از سال ۸۸ به صورت افراطی اجرا شد. خروجی این تصمیم این شد که مالک ساختمان یک بار طراح، ناظر و مجری خود را انتخاب می‌کند تا کار را مطابق خواسته و سلیقه او انجام دهند و یک‌بار نیز برای

اخذ مجوزهای قانونی از شهرداری و سایر مراجع صدور پروانه و کنترل ساختمان به سراغ طراح، ناظر و مجری معرفی‌شده از سوی سازمان نظام مهندسی ساختمان می‌رود. داستان امضا فروشی از اینجا شروع شد که عده‌ای کارشان طراحی، نظارت و اجرای واقعی است و عده‌ای نیز امضاشان ذیل اسناد و مدارک فنی مورد نیاز شهرداری است. لذا، وقتی حادثه‌ای رخ می‌دهد، طراح، ناظر و یا مجری واقعی ممکن است اشخاصی مشخصی باشند اما، امضاکنندگان افراد دیگری باشند که حتی در برخی موارد ممکن است که اصلا طرح را ندیده باشند.

دومین انحراف این است که بین شهرداری‌ها و سازمان‌های نظام مهندسی ساختمان موافقتنامه‌هایی امضا شد که سازمان‌های نظام مهندسی از طرف شهرداری‌ها مسئول کنترل ساختمان از حیث رعایت مقررات ملی ساختمان شدند. البته، شهرداری اختیار کنترل ضوابط معماری و شهرسازی را برای خود حفظ کردند. چون آن، بخش پول‌ساز کار بود. برخی شهرداری‌ها با عدول از ضوابط معماری و شهرسازی از مالکان مبالغی را دریافت می‌کردند و هنوز هم می‌کنند. این موافقتنامه‌ها فاجعه‌های بزرگتری بودند که در واقع کنترل کننده ساختمان که شهرداری است با یک موافقتنامه خود را از پاسخگویی خارج کرد و کل کار یکجا به سازمان نظام مهندسی ارجاع کرد. از نظر قانونی این کار ۱۰۰درصد خلاف قانون است و مانند این است که وزارت نفت مسئولیت خود را به وزارت کشاورزی واگذار کند، این کار امکان پذیر نیست که شهرداری مسئولیت قانونی خود را به سازمانی واگذار کند. شهرداری از حیث قانون ممکن است برای کنترل یک طرح مهندسی، یک مهندس و یا یک شرکت مهندسان مشاور را استخدام کند. اما، مسئولیت کنترل هم‌چنان بر عهده شهرداری است و امکان انتقال آن به دیگری وجود ندارد. افزون بر این، در این مورد دو مشکل دیگر نیز وجود دارد که نظام مندسی ساختمان را دچار بدکارکردی کرده است. یکی این که سازمان نظام مهندسی، انجمنی از مهندسان است که به منظور خاص به موجب قانون تاسیس شده و خودش هیچ صلاحیتی برای انجام فعالیت مهندسی ندارد. کار کنترل طرح و یا بازرسی ساختمان فعالیت‌های مهندسی هستند و این سازمان‌ها فاقد صلاحیت لازم برای انجام کار مهندسی هستند و دیگری این‌که این سازمان‌ها مهندسان را نمایندگی می‌کنند. لذا نمی‌توانند کار مهندسان را کنترل کنند. چون آشکارا این کار با شبهه تعارض منافع مواجه است. ولی متاسفانه این کار انجام می‌شود. البته سازمان‌ها پاسخ می‌دهند که ما کار کنترل را به مهندسان ارجاع می‌دهیم که پاسخ قابل قبولی نیست. چون در اساس صلاحیت پذیرش این مسئولیت را ندارد و دیگر آنکه در هر صورت شبهه وجود تعارض منافع هیچ‌گاه مرتفع نمی‌شود. از حیث ضمانت اجرا نیز علیرغم همه این تفویض اختیارها، هیچ ضمانتی وجود ندارد و شهرداری هرگاه تشخیص دهد و یا اراده کند می‌تواند نظر نظام مهندسی ساختمان را اجرا نکند. تا این‌جا ملاحظه می‌شود با این تغییراتی که در نحوه اجرای قانون داده شده است، هیچ کس در جای خودش نیست. نه مالک، نه مهندس، نه سازمان نظام مهندسی و نه شهرداری.

سومین انحراف مداخله سازمان نظام مهندسی در رابطه مالی بین مالک و مهندس است. سازمان‌های نظام مهندسی ۵ درصد از حق‌الزحمه مهندسانی که معرفی می کند را دریافت می‌کند که مجموع این درصدها رقم زیادی است و گردش مالی بسیار زیادی را برای سازمان نظام مهندسی که سازمان حرفه‌ای است، رقم زده است. این ۵درصدها مفاسد زیادی را در این سازمان‌ها ایجاد کرده و البته دریافت آن از مهندسان هیچ مبنای قانونی ندارد.

انحراف بعدی بحث خلط مبحث بین نظارت و بازرسی است. وظیفه ناظر در واقع این است که به نمایندگی از مالک و کارفرما بر حسن اجرای کار را در طول اجرای ساختمان به صورت حرفه‌ای و مطابق مقررات نظارت کند. در حالیکه وظیفه بازرس این است که به منظور حفظ حقوق عمومی مردم شهر و به نمایندگی از شهرداری رعایت ضوابط معماری و شهرسازی و مقررات ملی ساختمان را به صورت بی‌طرفانه و به‌صورت حرفه‌ای بازرسی کند. در بازرسی، خواسته‌های کارفرما و سلیقه‌ی او مناط نیست. تنها حصول اطمینان از انطباق ساختمان با ضوابط معماری و شهرسازی و مقررات ملی ساختمان هدف است. در حالیکه در بحث نظارت رعایت خواسته‌های شخصی و سلیقه‌ها شخصی مالک در ساختمان مورد نظر است. هرچند موضوع دوم نیز باید در چارچوب فعالیت حرفه‌ای صورت گیرد. لیکن ذینفع، ماموریت و مراحل این دو کار کاملا با هم متفاوتند. نتیجه این شده است که در وضعیت فعلی، مالک پول می دهد که سازمان نظام مهندسی ناظری را تعیین کند که به شهرداری گزارش کند. در وضع موجود، مالک احساس می‌کند این پولی که می دهد، پول زور است چون باید پول فردی را بدهد که ماموریتش تامین خواسته های او نیست و باید علیه او به شهرداری گزارش کند. چرا مالک باید با طیب خاطر این کار را انجام دهد؟ افزون بر این، مالک یک بار هزینه دریافت پروانه ساختمانی را داده است و یک بار دیگر نیز باید هزینه مهندس ناظر را بدهد. لذا، طبیعی است که هیچ حس خوبی نداشته باشد. مهندس ناظر نیز هیچ احساس مسئولیتی در برابر مالک و کارفرما ندارد. چون، کسی که او را انتخاب کرده است سازمان نظام مهندسی است و مرجع دریافت گزارش او نیز شهرداری است. شهرداری ها هم ضمن دریافت گزارش‌های مهندسان ناظر کار خودشان را انجام می‌دهند. به هر روی، با یک پنداشتن امر نظارت و امر بازرسی تعارض منافع ساختاری به وجود آمده

کنترل کنندگان شهرداری است که با یک موافقتنامه خود را از پاسخگویی خارج کرد و کل کار یکجا به سازمان نظام مهندسی ارجاع کرد. از نظر قانونی این کار ۱۰۰درصد خلاف قانون است

است و معلوم نیست که این عناصر در این سیستم چه کسی را نمایندگی می‌کنند.
اما اگر بخواهیم کلاف سردرگم ایجاد شده را از هم جدا کنیم؛ باید از سازمان‌های نظام مهندسی آغاز کنیم. چون این سازمان‌ها محل تجمع منافع متضاد شده‌اند. در وضعیت فعلی می‌بینیم که این سازمان‌ها علاوه بر توزیع کوپنی کارها که اغلب با حرف و حدیث همراه است، ۵درصد حق الزحمه مهندسان را دریافت می‌کنند در حالی که حق دریافت ریالی را جز حق عضویت مهندسان در سازمان ندارند. از طرف دیگر، وظیفه کنترل ساختمان‌ها که وظیفه شهرداری‌ها است بدون اختیار قانونی و ابزار اعمال نظر به سازمان‌های نظام مهندسی تفویض شده است که از نظر من این اقدام نیز خلاف قانون است. و در نهایت شهرداری‌ها هرکاری که بخواهند به تشخیص خود انجام می‌دهند.
گردش مالی بالا در سازمان‌های نظام مهندسی ساختمان - بخاطر همان ۵درصد حق الزحمه مهندسان. آن‌ها را از سازمان‌های حرفه‌ای که عضو هیات مدیره آن افتخاری باشد خارج ساخته‌است. برای همین است که عده‌ای برای رسیدن به این هیات مدیره چشم طمع دوختند تا به این جایگاه دست یابند. برای همین است که انتخابات هیات مدیره سازمان‌های نظام مهندسی از حالت رقابت حرفه‌ای خارج شده و در برخی موارد تبدیل به سکویی برای کسب درآمد گشته‌است. برای همین است که می‌گویم که فساد موجود در ساختار نظام مهندسی و کنترل ساختمان، فساد سیستماتیک است و باید این سیستم اصلاح شود اما اصلاح آن بسیار سهل و ممتنع است. سهل است زیرا اجزای آن بسیار پیچیده نیست. قابل شناسایی است و نمونه‌های اجرا شده فراوان جهانی دارد. اما ممتنع است زیرا با منافع سازمان یافته گروه‌هایی متنوعی در شهرداری‌ها، وزارت کشور، وزارت راه و شهرسازی، سازمان‌های نظام مهندسی، شرکت‌ها آب و فاضلاب و برق و گاز مواجه هستیم.

فساد موجود در ساختار نظام مهندسی و کنترل ساختمان، فساد سیستماتیک است و باید این سیستم اصلاح شود اما اصلاح آن بسیار سهل و ممتنع است. سهل است زیرا اجزای آن بسیار پیچیده نیست. قابل شناسایی است

توضیح کاملی درباره فساد سیستماتیک در سازمان نظام مهندسی ارائه کردید.

یکی از عناصر مهم اشاره شده در این توضیحات وزارت راه و شهرسازی بود که شما مدت زمانی به عنوان وزیر این وزارتخانه در دولت روحانی فعالیت داشتید. در توییت تان اشاره کردید که سه بار برای مواجهه با این فساد تا پای استیضاح هم رفتید. برای مقابله با این فساد چه کردید که گروه‌های مختلف درصدد آن شدند که مقابل شما بایستند و حتی کار به مجلس رسید؟

جزء اولین کارهایی که انجام دادم بخشنامه منع پذیرش منافع متعارض بود. بحث من این بود که مهندسانی که در وزات‌خانه راه‌وشهرسازی کشور، و شرکت‌های آب و فاضلاب، برق و گاز و یا شهرداری‌های فعالیت می‌کنند حق عضویت در هیات مدیره سازمان‌های نظام مهندسی را ندارند. بحث من این بود که کسی که کارمند نهادهای پیش‌گفته است، نمی‌تواند دو طرف میز بنشیند و باید پروانه‌های اشتغال به‌کار خود را نزد سازمان‌های نظام مهندسی تودیع کند. اما برای این منظور شکایت‌های زیادی به دیوان عدالت اداری شد تا بخش‌نامه لغو شود.این بخشنامه بسیاری از لیست های انتخاباتی عضویت در هیات مدیره‌های استانی را که گاه ۱۰۰ درصد از مهندسان عضو همین نهادها تشکیل می‌شد را بر هم زد. خوب یادم است که رییس کمیسیون عمران مجلس می‌گفت که من جانمازم را در دیوان عدالت اداری پهن می‌کنم تا این بخشنامه شما را باطل کنم. البته که موفق نشد. ولی، این به معنی پایان ماجرا نبود. طبیعی است که کسانی که منافعشان از این رهگذر به مخاطره می‌افتاد شلتاق فراوان کنند.
اقدام دوم این بود که نظارت را از بازرسی را جدا کردیم و اعلام کردیم که باید برای این کار دو مهندس مجزا تعریف و تعیین شود تا با هم اشتراک منافع نداشته باشند. زیرا ناظر برای مالک است و بازرس متعلق به شهرداری است و تجمع این دو ماموریت در یک نفر خلاف اخلاق و اصول فعالیت حرفه‌ای است. بحث من این بود که مهندس اعم از ناظر و یا بازرس باید بر اساس ضوابط و مقررات قانونی انجام فعالیت کند، لذا، حتی اگر شهرداری بخواهد ضابطه‌ای را بفروشد مهندس باید تابع مقرارت باشد و نباید زیر نقشه‌های مورد

نظر شهرداری را امضا کند. بخش‌نامه‌ای که برای این منظور ابلاغ شد علاوه بر تفکیک امر بازرسی از نظارت، موجب کنترل ضابطه فروشی در شهرداری هم می‌شد اما فردای آن روزی که بخش‌نامه ابلاغ شد، وزیر کشور طی بخش‌نامه‌ای به استانداران بخشنامه بنده را ملغی کرد و من اعتراض کردم که مگر وزیری می‌تواند بخش نامه وزیر دیگری را ملغی کند؟ در حالی درباره محتوای بخش‌نامه بنده، وزیر کشور حق مداخله نداشت. اقدام بعدی این بود که به سازمان نظام مهندسی اعلام شد که حق دریافت ۵ درصد حق‌الزحمه از مهندسان را ندارد و تنها باید حق عضویت دریافت کند اما از آنجاکه این ۵درصد به منبع درآمدی بالایی برای سازمان نظام مهندسی تبدیل شده بود، با واکنش‌های زیادی همراه شد. سازمان نظام مهندسی اعتراض کردند که این منابع مالی ما است.

بعدها برای این‌که اقدام‌های وزارت‌خانه از قوام بیشتری برخوردار شود، در تاریخ ۵/۱/۱۳۹۵ آیین نامه‌ای را به دولت برای اصلاح این موارد ارائه کردم. طرفه این‌که علیرغم این که این پیشنهاد در کمیسیون صنعت و زیربنایی دولت به تصویب رسید تا آذر سال ۱۳۹۷ که در دولت بودم هیچ‌گاه در دستور کار دولت قرار نگرفت و هنوز هم این آیین‌نامه در دولت بحث نشده است.

این مقاومت می‌تواند به معنای این باشد که در بدنه دولت افرادی هستند که از این وضعیت و فساد نفع می‌برند؟

قصد اتهام ندارم اما افرادی هستند که به دولت و افراد تصمیم‌گیر فشار می‌آورند. طبیعی است که این افراد نمی‌گویند که می‌خواهیم فساد کنیم. از طرفی چون این موضوع بسیار تخصصی است سعی می‌کنند با بیان مواردی خاص، ذهن تصمیم‌گیران را دچار تردید نمایند. مسئولان نیز که هزاران گرفتاری دارند با خود می‌گویند سری که درد نمی‌کند دستمال نمی‌بندند. و نتیجه آن‌که موضوع بلا تصمیم باقی می‌ماند. شاید جالب باشد از زمانی که اولین بخش‌نامه ضرورت رفع منافع متعارض را ابلاغ کردم، بلافاصله استیضاح شدم. با صراحت می‌گویم که در هر سه باری که مجلس من را استیضاح کرد یک پرسش چرایی انجام اصلاحات در نظام مهندسی ساختمان بود.

یعنی این فشارگروه‌های ذی نفع به مجلس رسیده بود؟

در استیضاج سوم، یک روزی که به مجلس رفتم تعدادی از نمایندگان به من گفتند که چه کار کردید که هر روز کلی پیامک به نمایندگان مجلس ارسال می‌شود که شما را بخاطر اقداماتتان در نظام مهندسی ساختمان استیضاح کنیم. طبیعی است اکثر نمایندگان مجلس در این حوزه تخصص ندارند و تحت تاثیر فضای روانی افراد موثر حوزه‌ی انتخابیه قرار می‌گرفتند. در واقع اصلاح یک نظام بحث پیچیده‌ای است که افزون بر مباحث فنی، با منافع شخصی گروه‌های متعددی درمی‌افتد. حل شدن این موضوع نیازمند اراده قوی است و فراتر از اراده وزیر راه و شهرسازی است. با وجود تسلط به امور به هر سمت و سویی که رفتم با موانع متعددی مواجه شدم. باید کل دولت به این نتیجه می‌رسید و برسد که باید این رویه اصلاح شود در غیراین صورت هر فردی که به صورت تنهایی این مسیر را طی کند، له خواهد شد.

به نظر شما آیا دولت کنونی که ادعای مبارزه با فساد را دارد، می‌تواند مسیر رفته شما با توجه به آیین نامه موجود در دولت را به سرانجام برساند؟

این کار حرفه‌ای است و نیاز به فهم دقیق از موضوع است و باید دولت و مجلس به اجماع برسند. همانگونه که اعلام کردم این کار بسیار سهل و ممتع است و نیاز به فهم دقیق دارد. حدود تخلفات بیش از ۱۴ سال است که در نظام مهندسی در حال انجام است و به رویه‌های جاافتاده با منافع شکل گرفته تبدیل شده است و قربانی آن نیز مهندسان حرفه‌ای و مردم هستند.

در جایی از صحبت‌هایتان اشاره کردید که وزیرکشور، بخش‌نامه شما را ملغی کرد. در آن زمان چه کردید؟

من حرف خود را به کرسی نشاندم. آدم ترسویی نبودم و اعلام کردم که وزیری حق ندارد بخش‌نامه وزیر دیگری را ملغی کند. معاون حقوقی رییس جمهور نیز به نفع من اعلام رای کرد. لیکن تصورم این است که وزارتخانه راه و شهرسازی پاپس کشید.

برای رسیدن از آقای روحانی طلب همکاری نکردید؟

آقای روحانی اصلا به موضوع نظام مهندسی ورود نکرد و تنها در کمیسیون‌های دولت بحث شد و در هیات دولت مطرح شد.

چرا ایشان به این موضوع ورود نکردند و چرا در دولت مطرح نشد؟

از خود ایشان بپرسید.

به رقم بالای درآمد نظام مهندسی از محل ۵درصد اشاره کردید. آماری از این درآمد دارید؟

رقم دقیقی از آن ندارم اما باید بیش از چند صدمیلیارد تومان است. رقم دقیق تعرفه‌های نظام مهندسی را نمی‌دانم اما تصور کنید اگر سالانه حدود۵۰ میلیون مترمربع پروانه ساختمانی صادر شود. ۵٪ حق‌الزحمه مهندسان با توجه به تعرفه‌ها به سازمان‌های نظام مهندسی واریز می‌شود.

شما توضیحاتی برای ارائه راهکار برای اتمام بخشیدن به رویه‌های غلط سازمان نظام مهندسی مطرح کردید. به نظر شما آیا نیاز است قانونی برای این موضوع از نو نوشته شود یا اینکه دولت در صورت تمایل به تنهایی قادر است این رویه را اصلاح کند؟

تمامی این اقداماتی که در فوق برشمردم خلاف قانون است. چون خلاف قانون است،

اصلاح یک نظام بحث پیچیده‌ای است که افزون بر مباحث فنی، با منافع شخصی گروه‌های متعددی درمی‌افتد. حل شدن این موضوع نیازمند اراده قوی است و فراتر از اراده وزیر راه و شهرسازی است.

دولت می‌تواند خود این رویه‌ها را اصلاح کند و نیازی به مجلس نیست. اما این روزها درباره این مسئله طرحی در مجلس در حال انجام است که اگر به سرانجام برسد نه تنها وضعیت اصلاح نمی‌شود بلکه بدتر نیز می‌شود. چون بخشی از آنچه که در حال حاضر در مجلس تحت عنوان اصلاح قانون در حال بررسی است در واقع، قانونی کردن همین رویه‌های خلاف و پر از تعارض است. مخالف اصلاح قانون نیستم برای مثال، بازرسان سازمان نظام مهندسی را باید مهندسان انتخاب کنند نه هیات مدیره نظام مهندسی. این موارد قابل اصلاح است اما باید دید که اصلاح قانونی که شما می‌گویید با چه هدفی انجام می‌شود. این تخلفات مبنای قانونی ندارد مانند شهرفروشی شهرداری‌ها که این روزها کمتر شده است. این رویه‌ها نیاز به قانون ندارد نیاز به اصلاح رویه دارد. قانون مسئله ثانویه است اما مسئله اولیه این است که هیات دولت فهم منسجمی برای این موضوع دارد یا نه. با تصویب آیین نامه‌ای که من به دولت ارائه کردم و هنوز مراحل تصویب آن به نتیجه نرسیده است، ۹۰ درصد این مشکلات قابل حل است.

وقتی حادثه و سانحه‌ای همانند آن چیزی که در متروپل آبادان رخ داد، افکار عمومی به درستی نمی‌دانند که مقصر اصلی این رخدادها چه نهادی است. این مشخص نبودن راه را برای بسیاری از تخلفات باز می‌کند. در این باره توضیحی دارید؟

البته از جهت فنی، در سطح بین‌المللی ما در بحث رسیدگی به این سوانح بحث قصور را داریم و نه بحث مقصر. علت هم این است که فرض بر این نیست که افرادی به قصد اضرار به دیگران و یا کشتن افراد اقدام به تخلف می‌کنند. پس عنصر معنوی جرم قابل اثبات نیست. دوم اینکه از نظر فنی به محض آنکه شما بحث مقصر را مطرح کردید افراد تلاش می‌کنند که اطلاعات را پنهان کنند. حال آنکه در بررسی قصور، رسیدگی به موضوع به منظور شناسایی موارد اشکال در جهت رفع نقص و عدم تکرار در آینده صورت می‌گیرد. البته این بدین معنی نیست که دولت و یا دستگاه قضایی بحث حقوقی را پی نگیرد. لیکن، در بحث فنی باید مبنا را بر رسیدگی به کاستیهای فرایندی گذاشت تا بتوان مشکلات را شناسایی و رفع نمود. و گرنه هیچ‌گاه کاستی‌ها شناسایی نمی‌شوند و چرخه‌ی معیوب با رسیدگی قضایی به یک مورد حتی با فرض محکومیت اطراف درگیر ادامه پیدا می‌کند. از این رو است که در فرایندهای رسیدگی بین المللی در همان ابتدا تاکید می‌شود که هدف از این رسیدگی شناسایی کاستی‌های فرایندی است و نه محکوم کردن افراد. به هر صورت، در این مورد چیزی که قانون به صراحت تعیین و اعلام کرده است. دو مرجع مسئولیت اصلی دارند، اولین مرجع مهندسان طراح، ناظر و مجری هستند. ولی مشکل این است که مهندسانی که امضایشان پای مدارک هست همان‌هایی هستند که مسئولیت واقعی کار را بر عهده داشته‌اند؟! مرجع دوم، شهرداری است که مسئولیت کنترل ساختمان را بر عهده داشته است. مسئولیت کنترل ساختمان بر اساس قانون برعهده شهرداری است حتی اگر آن را به سازمان نظام مهندسی تفویض کرده باشد.

مسئولیت کنترل ساختمان بر اساس قانون برعهده شهرداری است حتی اگر آن را به سازمان نظام مهندسی تفویض کرده باشد.

نحوه برخورد با متخلفان در سوانح از این دست توسط حاکمیت متفاوت است. برای نمونه در حادثه متروپل آبادان گفته می‌شود که شهردار آبادان دستگیر شده اما در حادثه پلاسکو با وجود اینکه در نحوه مدیریت حادثه شهردار، نقش داشته است، کسی به شهردار تهران چیزی نگفت و حتی تشکر شد. به نظر شما چه میزان این برخوردهای دووجهی در بروز تخلفات موثر است؟

بحث شما سیاسی است و ترجیح می‌دهم که در این مصاحبه که موضوع کاملا فنی و تخصصی است، اظهارنظر سیاسی نکنم. اما در پاسخ فنی به این پرسش باید بگویم که ساختمان در حال بهره‌وردارى با ساختمانی که به بهره‌برداری نرسیده است دو موضوع متفاوت هستند. زیرا بعد از بهره برداری موضوع روش بهره برداری از ملک است ونه تخلف ساختمانی. نکته بعدی رعایت اصول مدیریت سانحه پس از وقوع است. در مورد ساختمان پلاسکو، بر اساس گزارشی که گروه فنی تعیین شده از سوی دولت برای رسیدگی ارائه کرد، بحث نحوه رویارویی با اطفای حریق مورد انتقاد بود. آیین نامه می‌گوید که در مورد ساختمان‌های با اسکلت فلزی اگر آتش نشانی در ۹۰ دقیقه اول نتوانست آتش را کنترل و مهار کند بعد از این زمان نباید کسی در ساختمان باقی بماند. زیرا اسکلت ساختمان بر اساس درجه حرارت‌های بالای هزار درجه دچار اعوجاج می‌گردد که به هیچ وجه پس از اطفا قابل اصلاح نیست. لذا، این ساختمان باید خراب شود حتی اگر خراب هم نشود، ساختمان دیگر کارایی ندارد. در گزارش فنی در مورد ساختمان پلاسکو منتشر شد که کاملا شفاف درآن همه چیز مطرح شده است. بقای آتش‌نشان پس از ۹۰ دقیقه در ساختمان را مورد انتقاد قرار می‌دهد. اما در کلان پیشنهاد من این است که این دو ساختمان با یکدیگر مقایسه نشود. در این مورد نیز پیشنهاد من این است که دولت به دانشگاهی چون دانشگاه تهران ماموریت دهد تا هم از حیث فنی و هم از حیث مدیریتی، حقوقی و حتی اجتماعی این پدیده را با جزئیات مورد بررسی قرار دهد و یک گزارش علمی مستقل از حب و بغض و با شرافت علمی تهیه کند و انتشار دهد. دولت باید متعهد شود که جلوی انتشار گزارش را نگیرد و هر چه بود منتشر شود و دانشگاه تهران نیز متعهد شود که شوراهای علمی دانشکده‌ها استادان بررسی‌کننده را تعیین کنند؛ و نه رئیس دانشگاه، تا شبهه دخالت در تعیین افراد بررسی کننده به میان نیاید.

با توجه به توضیحاتی که درباره تخلفات مربوط به ساختمان‌سازی در کشورمان از سال ۸۵ آغاز شده به نظر شما چه تعداد ساختمان بالقوه وجود دارد که مستعد حوادث است آیا می توان پیش بینی در ارتباط با این موضوع داشت؟

آماری که ندارم و باید برای این منظور کار میدانی و مطالعه‌ای دقیقی انجام داد. یک کار مطالعاتی در سال ۱۳۶۹ بعد از زلزله رودبار و منجیل انجام شد که در آن چگونه ساختمان‌ها را در برابر زلزله مقاوم کنیم؟ در این تحقیقات گروه محقق به سراغ ساختمان‌های در حال ساخت که به مرحله نازک کاری رسیده بودند، رفت تا عیب‌یابی سازه‌ای را انجام دهد. آنان برای آن که بدانند ایراد ساختمان‌های موجود در برابر زلزله چیست این روش را انتخاب کردند. آنان معتقد بودند که اگر این ایرادها شناسایی و رفع شوند، این ساختمان‌ها در برابر زلزله مقاوم خواهند شد. نتایج این بررسی بسیار جالب بود که نقاط قوت و ضعف ساختمان‌ها در حال ساخت را نشان می‌داد. نتایج بدست آمد از این گزارش در ویرایش‌های بعدی آیین نامه‌ها در برابر زلزله مورد توجه قرار گرفت.

متاسفانه امروزه مشخص نیست که چند درصد از ساختمان‌های ساخته شده در معرض خطر هستند زیرا کسی مطالعه آماری نکرده است. شاید انجام چنین تحقیقی مفید باشد. به هر روی، در وضع فعلی مشکل بیش از آنکه فنی باشد فرایندی است. چراکه متاسفانه هیچ کس جای خودش نیست بلکه جای دیگری نشسته است امیدوارم که دولت برای این موضوع به صورت یکپارچه عمل کند زیرا اگر قرار باشد یکی از وزارتخانه‌ها موضوع را پیگیری کند، خروجی نخواهد داشت.

به عنوان آخرین سوال با توجه به تخصصی که دارید و آیین‌نامه تهیه شده در سال ۱۳۹۵ آیا این آیین نامه را به دولت جدید پیشنهاد می‌کنید؟

بله حتما. و حتما هم کارگشا و موثر خواهد بود. به شرطی که دولت توانایی و اراده مقاومت در برابر انواع گروه های فشار را داشته باشد. (منبع: صدا)

نظر سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران

قبل از هر سخنی، شایان ذکر است که نظر دکتر آخوندی کاملا مورد تائید سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران است و مشکل اصلی ریشه در سازمان نظام مهندسی دارد. از آنجا که ساختمان‌سازی اعم از مسکونی، تجاری یا اداری، یک نوع سرمایه‌گذاری ثابت است برای نسل‌های حاضر و آینده، آن هم سرمایه‌گذاری آسیب‌پذیر در برابر عوامل طبیعی مختلف نظیر باد، باران، برف، زلزله، آتش‌فشان، سیل، و ... بنابراین باید از دیسیپلین‌های بسیار دقیق در ایجاد آن پیروی گردد.

توجه داشته باشیم صرفنظر از مالکیت خصوصی، تعاونی، یا دولتی آن به دلیل استفاده از پتانسیل‌های این سرزمین یک ثروت ملی محسوب می‌شود. بنابراین وجود یک نظام فنی و اجرایی جامع برای هر گونه احداثی اعم از ساختمان، راه، تونل، سد، بندر، و هر آنچه در رو و زیر زمین و دریاها و ..... انجام می‌شود ضرورت تام دارد! و اعمال سلایق و دستورالعمل‌های نادرست از سوی نظامات مهندسی و شهرداری‌ها موجب کاهش کیفیت در ساخت و خسران ملی بسیار قابل توجهی شده است که باید از استمرار آن جلوگیری گردد.

در حال حاضر و برای جلوگیری از خسارت بیشتر لازم است اجرای ساخت و ساز توسط شخصیت‌های حقوقی و متخصص با بیمه‌ها، تضمین‌ها و پاسخ‌گویی‌های بسیار متقن و دراز مدت انجام شود.

وجود کنترل مضاعف توسط مهندسان و متخصصان خارج از حوزه نظام مهندسی و شهرداری‌ها و کارفرماها ضرورت تام دارد تا ضمن بازدید دقیق از مراحل مختلف اجرای کار از نظر رعایت میزان ضوابط فنی نمره بدهند و این نمرات در شناسنامه فنی هر ساختمان منعکس گردد، این شناسنامه‌های فنی بعدا در اختیار خریداران و مصرف‌کنندگان آن سازه‌ها قرار گیرند تا به مرور زمان توجه به کیفیت ساخت نهادینه شود و سازندگان از ظاهرسازی‌های فریبنده پرهیز نمایند، زیرا سوداگری صرف در ساخت ساختمانها و بی‌توجهی به کیفیت اجرا، اشتباه و گناهی نابخشودنی می‌باشد. این مسئله کنترل مضاعف در گذشته با پیشنهاد این سندیکا و پذیرفتن شهردار وقت در تهران مدتی انجام شد، لیکن صاحبان قدرت مالی و زر و زور جلوی استمرار آن را گرفتند!!!

برگزاری نخستین کارگاه آموزشی سندیکای شرکت‌های ساختمانی

مدیرکل امور فرهنگی و اجتماعی سازمان تأمین‌اجتماعی از برگزاری نخستین کارگاه آموزشی سندیکای شرکت‌های ساختمانی با موضوع "گفتمان‌سازی مفاهیم بیمه و تأمین‌اجتماعی برای تشکل‌های کارفرمایی" در نیمه اول تیر ماه خبر داد.

به گزارش روابط عمومی سازمان تامین‌اجتماعی، دکتر محسن تقیانی مدیرکل فرهنگی و اجتماعی این سازمان، گفتمان‌سازی و تعمیق فرهنگ بیمه و تأمین‌اجتماعی را از راهبردهای جدی مورد توجه در حوزه فرهنگی این سازمان توصیف کرد و گفت: اولین کارگاه آموزشی سندیکای شرکت‌های ساختمانی با موضوع گفتمان‌سازی مفاهیم بیمه و تامین‌اجتماعی برای تشکل‌های کارفرمایی و شرکت‌های پیمانکاری عمرانی و غیرعمرانی، با همکاری اداره‌کل تامین‌اجتماعی غرب تهران بزرگ و به میزبانی شرکت‌های ساختمانی استان تهران برگزار می‌شود.

مدیرکل امور فرهنگی و اجتماعی با بیان این‌که این کارگاه آموزشی در روز سه‌شنبه چهاردهم تیرماه برگزار خواهد شد، افزود: تبیین بخشنامه تنقیح و تلخیص ضوابط بیمه‌ای مقاطعه‌کاران (طرح‌های عمرانی و غیرعمرانی) به همراه برگزاری پنل پرسش و پاسخ برای اعضای هیأت‌مدیره و کارشناسان سندیکای شرکت‌های ساختمانی از مهم‌ترین محورهای این کارگاه آموزشی است.

وی با بیان اینکه مدرسان نخستین کارگاه آموزشی سندیکای شرکت‌های ساختمانی از کارشناسان و همکاران خبره بیمه‌ای اداره‌کل تامین‌اجتماعی غرب تهران بزرگ هستند، گفت: این کارگاه آموزشی در سالن همایش سندیکای ساختمانی استان تهران برگزار خواهد شد و در حاشیه این کارگاه، محصولات فرهنگی و آموزشی در قالب لوح فشرده، بروشور، پوستر، بولتن، ویژه‌نامه و کتاب در اختیار شرکت‌کنندگان قرار خواهد گرفت.

تبیین بخشنامه تنقیح و تلخیص ضوابط بیمه‌ای مقاطعه‌کاران (طرح‌های عمرانی و غیرعمرانی) به همراه برگزاری پنل پرسش و پاسخ برای اعضای هیأت‌مدیره و کارشناسان سندیکای شرکت‌های ساختمانی از مهم‌ترین محورهای این کارگاه آموزشی است.

دکتر تقیانی با اشاره به اینکه افزایش سطح آگاهی و اطلاعات کارفرمایان از قوانین بیمه‌ای و دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های مربوطه از برنامه‌های اصلی و سیاست‌های کلان اداره‌کل فرهنگی و اجتماعی سازمان تأمین‌اجتماعی است، یادآور شد: برگزاری این جلسات به‌صورت مستمر و منظم، فضایی را ایجاد می‌کند که هم‌افزایی بسیار منطقی بین شرکای اجتماعی و سازمان برقرار شود. برگزاری همایش‌های کشوری و منطقه‌ای برای تشکل‌های کارگری، کارفرمایی و بازنشستگی نیز با هدف افزایش اطلاعات و دانش این تشکل‌ها و بهره‌مندی از نظرات اعضای هیات‌مدیره تشکل‌های صنفی در دستور کار این اداره‌کل قرار دارد که برنامه‌ریزی‌های لازم برای اجرای این همایش‌ها صورت گرفته است .

لازم به ذکر است سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران در راستای ارائه خدمات آموزشی به اعضای محترم خویش با هدف ارتقاء آموزشی و آشنایی با قوانین و مقررات مرتبط با حوزه صنعت احداث، برگزاری سلسله کارگاه های آموزشی در حوزه قوانین و مقررات را در دستور کار خود قرار داده است. در همین راستا، کارگاه آموزشی و جلسه پرسش و پاسخ با موضوع "تبیین بخشنامه تنقیح و تلخیص ضوابط بیمه‌ای مقاطعه کاران" با حضور مدرسین و مسئولین مربوطه روز سه‌شنبه ۱۴ تیر در سندیکا برگزار می‌گردد.

طبقه بندی و تشخیص صلاحیت پیمانکاران

تشخیص صلاحیت موضوعی ست که همواره پیمانکاران با آن دست به گریبان بوده و به مثابه مجوز فعالیت برای ایشان محسوب میگردد.
پس از اینکه در سال ۱۳۸۱ سازمان برنامه و بودجه قصد به تغییر ساختار رتبه بندی پیمانکاران و مشاوران کرد و آیین نامه ای که از سال ۱۳۶۸ مبنای محاسبات رتبه پیمانکاران بود را کنار گذاشت، اما و اگرهای فراوانی در حوزه تشخیص صلاحیت و طبقه بندی پیمانکاران فراهم آمد. پیمانکارانی که قبل از سال ۸۱ با اثبات مالکیت خود در حوزه ماشین آلات و املاک توان مالی خود را ثابت می‌نمودن، اینبار برای ابراز توان مالی باید تنها به اظهارنامه مالیاتی استناد می‌کردند و شرکتهایی که با سوابق چندین ده ای مشغول به فعالیت بودند به ناگاه با محدودیت ۱۵ ساله احتساب توان تجربی افراد و شرکتها مواجه گشتند.
نحوه محاسبه امتیاز نفرات به طور کلی تغییر یافت و الزام داشتن مدارک تحصیلی حداقل لیسانس برای دو سوم اعضا هیات مدیره شرکتها، تلاشی نو برای تغییراستراتژی استفاده از توان تجربی به بهره‌گیری از دانش و تجربه به صورت همزمان شرکتها را کلید زد.
موضوع به تغییر آیین نامه ختم نشد و تغییر در پلتفرم تشخیص صلاحیت از ماهیت فیزیکی به ماهیت الکترونیکی و استفاده از سامانه ساجات در سال ۱۳۸۹ تغییرات عمده دیگری را رقم زد.
در سالیان پس از ابلاغ آیین نامه و پس از آن سامانه ساجات، نقاط ضعف و قوت آن بارها و بارها مورد بررسی و تجدید نظر قرار گرفته و سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران همواره در اعلام ایرادات، پیشنهاد رفع آنها و تلاش برای تغییر آن بخش از آیین نامه که از نظر سندیکا مخل کسب و پیمانکاری بوده است تلاش نموده و بسیاری از تغییرات حاصله مرهون همراهی نظام فنی و اجرایی کشور در فرادست و همراهی انجمن های صنعت ساخت کشور به موازات سندیکا بوده و هست.

آنچه در حوزه تشخیص صلاحیت از سال ۱۳۸۱ تا کنون تغییر یافته است:

ابلاغ تصویب نامه‌ها و بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های زیر یک به یک تلاش بخش خصوصی و در راس آن سندیکای شرکتهای ساختمانی در تغییر شرایط و بندهای آیین‌نامه در جهات منافع پیمانکاران بوده و هست:

۱- ۱۳۸۶/۰۲/۰۸ بخشنامه۱۵۳۰۰/ ۱۰۰ " تغییر در حوزه تعریف رشته "تاسیسات و تجهیزات" و اصلاح جداول آیین‌نامه طبقه‌بندی و تشخیص صلاحیت پیمانکاران"
۲- ۱۳۸۷/۱۰/۰۷ تصویب‌نامه ۱۸۰۶۱۷/ت۴۳۱۸۹هـ افزودن تبصره به ماده‌ی۲۶ "تمدید گواهینامه‌های یادشده حداکثر به مدت دو سال با تشخیص معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور مجاز است."
۳- ۱۳۸۸/۰۴/۱۴ تصویب‌نامه ۷۸۵۴۲/ت۴۰۳۴۱هـ "تبدیل صد در صد ۱۰۰٪ سهام به اکثریت سهام در بندهای الف و ب از ماده ۵ آیین نامه"
۴- ۱۳۸۹/۰۴/۲۶ بخشنامه ۱۰۰/۳۱۳۹۵ " تغییر در حوزه تعریف رشته‌های ماده آیین نامه و اصلاح جداول آیین نامه "
۵- ۱۳۹۲/۰۳/۰۶ بخشنامه ۹۲/۱۹۱۶۷ " امتیاز توان مالی میانگین سه سال آخر است و افراد امتیاز آور ۳۶ ماه سابقه در چهار سال منتهی باشند"
۶- ۱۳۹۴/۰۶/۲۴ بخشنامه ۹۴/۱۳۰۴۳۹" تغییر در حوزه تعریف رشته‌های ماده آیین نامه و اصلاح جداول آیین نامه "
۷- ۱۳۹۵/۰۳/۳۱بخشنامه ۵۷۶۷۵۶ " استفاده از ضریب متوسط افزایش وزنی براساس شاخصهای تعدیل سالانه*۱۳۹ به جای سقف معاملات کوچک، در محاسبه ظرفیت پیمانکاری "
۸- ۱۳۹۵/۱۲/۰۸ بخشنامه ۱۰۶۱۶۴۳ "تغییر در امتیاز رشته‌ی مهندسی معدن"
۹- ۱۳۹۶/۰۴/۱۴ تصویب‌نامه ۴۲۶۱۱ "تمدید چهار ساله گواهینامه صلاحیت ۴ سال ناشی از تنزل توان مالی خارج از قصور پیمانکاران"

۱۰- ۱۳۹۹/۰۷/۲۹ بخشنامه ۴۰۴۲۴۵ "تغییر در حوزه تعریف رشته‌های ماده آیین نامه و اصلاح جداول آیین نامه"

۱۱- ۱۴۰۰/۰۹/۰۲ تصویب‌نامه ۹۹۳۵۲ "تغییر در امتیاز قراردادهای زیر ۱۵ سال، تغییر در شرایط کارکنان، تغییر در فرمول محاسبه اظهارنامه مالیاتی، تغییر در فرمول محاسبه قراردادهای اجرایی برای سالهایی که ضریب افزایش متوسط وزنی متناسب نباشد"

۱۲. ۱۴۰۱/۰۴/۱۱ بخشنامه ۱۴۰۱/۱۶۷ "تاخیر در اجرای بخشنامه ۴۰۴۲۴۵ تا زمان اعمال کامل مفاد بخشنامه و تغییر برخی از بندهای بخشنامه مذکور"

هر یک از تغییرات صورت پذیرفته در بندهای بالا حاصل ساعتها بررسی مدقانه آیین نامه، بخشنامه و دستورالعمل های ابلاغی، تطبیق آنها با شرایط واقعی شرکتها، دسته بندی مشکلات حاصل از ایرادات اعلامی شرکتهای پیمانکاری سراسر کشور، برگزاری جلسات هم اندیشی با تشکلهای همسو و در نهایت انتقال موضوعات به هیات وزیران به عنوان مرجع ابلاغ آیین نامه و دفتر نظام فنی و اجرایی طرح‌های سازمان برنامه و بودجه به عنوان متولی تشخیص صلاحیت پیمانکاران بوده و این سندیکا برای این تاثیر گذاری بر موضوع تشخیص صلاحیت به توان حاصل از اعتمای اعضا خود می‌بالد.

تغییرات زیادی در این سالها و عمدتا به نفع جامعه پیمانکاران کشور رخ داده است اما همچنان مواردی هست که از نظر این سندیکا به بررسی و اصلاح نیاز دارد.

این مشکلات در بخش تشخیص صلاحیت پیمانکاران، قابل تقسیم به دو بخش است:

۱. مشکلات آیین‌نامه یا چالش‌های مقرراتی

۲. مشکلات سامانه ساجات و چالش های اجرایی

بخش اول : مشکلات آیین‌نامه یا چالش‌های مقرراتی

۱،۱- افت رتبه شرکتها در زمان تمدید صلاحیت، ناشی از تغییر نصابها و شرایط اقتصادی حاکم بر فعالیت شاغلین صنعت احداث بدون قصور پیمانکاران:

باتوجه به شرایط اقتصادی حاکم، تحریمهای ظالمانه و نبود اعتبارات عمرانی در سالهای اخیر(حداقل ۱۰ سال) شرکتهای پیمانکاری با مشکلات فراوانی از جمله نبود مناقصات، عدم تخصیص اعتبارات عمرانی، پرداخت مطالبات پیمانکاران به صورت اسناد خزانه اسلامی،از یکسو و تغییر نصابهای مربوط به اخذ صلاحیت در بخشهای توان مالی و توان تجربی، بسیاری از شرکتهایی که شاکله اصلی و ساختار خود در توان اجرایی، ماشین آلات و نیروی انسانی متخصص خود را حفظ نموده اند، بدون هیچ کوتاهی و کم‌کاری، دچار نزول رتبه و اعتبار گردند، که لازم است این موضوع مدبرانه حل و فصل گردد. در همین رابطه تغییرات قابل توجه ضریب افزایش وزنی در سالهای اخیر، موجب بالا رفتن بسیار زیاد نصابهای تشخیص صلاحیت گشته و به نظر میرسد پیش بینی ضریب متغیر کاهنده‌ای در فرمول محاسبه نصابها راهکار مناسبی در این حوزه باشد.

۱،۲- عدم محاسبه سوابق شرکت و سوابق افراد به صورت کامل از ابتدای تاسیس شرکت تا زمان تشخیص صلاحیت و محدود سازی این سوابق به ۱۵ سال

عدم محاسبه سوابق افراد در بازه های زمانی زیر ۱۵ سال، هیچ‌گونه توجیه نداشته و توانمندتر بودن افراد و شرکتهای با سوابق بالاتر بر کسی پوشیده نیست. هرچند در مصوبه هیات وزیران مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۰۲برای بخشی از مشکل که در مورد توان تجربی شرکتها در زمان بیشتر از ۱۵ سال بود، تغییراتی حاصل گشت اما در نظر گرفتن سوابق زیر ۱۵ سال تا سال منوط به ثبات تمام اعضا هیات مدیره و ضریبی از سوابق ۱۵ سال اخیر، آنهم برای یک رشته همچنان شرکتهای قدیمی را دچار مشکل میسازد، محاسبه نکردن امتیاز در بازه زمانی بیشتر در عدم احراز نصابها تاثیر مستقیم میگذارد.

۱،۳- عدم توجه به آموزش و فن‌آوریهای نوین در آیین نامه

مبحث بروزآوری اطلاعات و دانش مهندسی در آیین نامه مغفول مانده و هیچ محملی برای آشنایی و به کارگیری فن‌آوری‌های نوین در صنعت ساخت پیش بینی نشده است.

۱،۴- کوتاه بودن مدت زمان اعتبار گواهینامه صلاحیت

با توجه به طولانی بودن روند اخذ، تمدید و ارتقا رتبه، اعتبار ۴ ساله برای گواهینامه‌های صلاحیت بسیار اندک بوده و به نظر می‌رسد تغییر مهلت اعتبار به ۸ سال نه تنها مشکل دائمی دپارتمان تشخیص صلاحیت شرکتها را کمتر خواهد نمود، بلکه میتواند به کاهش حجم مراجعات پرونده به سازمان و در نتیجه کمتر شدن زمان بررسی پرونده‌ها در سامانه ساجات بیانجامد.

۱،۵- ناموزون بودن ترکیب اعضای کمیته تشخیص صلاحیت (ماده ۱۷ آیین‌نامه)

در این کمیته ۴ نفر نمایندگان دولت و تنها یک نفر نماینده تشکلهای بخش خصوصی وجود دارد که این امر باعث میشود هرگونه تغییر مورد نظر دولت حتی اگر در تضاد عینی با منافع بخش خصوصی باشد، تصویب گردد. با توجه به قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار و لزوم نظر خواهی از تشکل‌های تخصصی در تصمیم گیری‌ها و تصمیم سازی‌ها، به نظر می‌رسد این بخش نیازمند بازنگری باشد.

به صورت کلی استفاده از تخصص، تجربه و دانش فنی بخش خصوصی که همواره ثابت کرده است به منافع ملی بیش از منافع صنفی علاقه‌مند است، بخشی از معضلات این حوزه را مرتفع خواهد نمود.

بخش دوم : مشکلات سامانه ساجات و چالش‌های اجرایی

۲/۱- کندی روند بررسی پرونده‌ها و تعداد محدود کارشناسان سازمان

تعداد کارشناسان سازمان برنامه محدود و پرونده‌های در حال بررسی زیاد می‌باشد، لذا مدت زمان بررسی پرونده‌ها به حدی زیاد است که گاهی در این میان، نصاب احراز و قواعد و بخشنامه ها تغییر می‌یابند. طول زمان بررسی برخی پرونده‌ها گاهی بیش از ۶ ماه تا یکسال بوده و حتی پس از تایید تمام کارشناسان و رد شدن از مراحل تایید ۱ تا ۴ سامانه ساجات ، مدت مدیدی فقط برای تایید نهایی زمان می برد.

۲/۲- عدم وجود سازوکاری برای حل مشکلات اشتباه در عدم درج قراردادها در مهلت معین

قراردادهای منعقده مهلتی سه ماهه برای ثبت در سامانه ساجات دارند که در برخی موارد عدم درج اطلاعات قرارداد منعقده در مهلت مقرر، باعث از بین رفتن امتیاز قرارداد برای همیشه میگردد، هرچند این ساز و کار برای جلوگیری از عقد قرارداد بیش از ظرفیت پیمانکاران پیش بینی شده است، اما میتوان ترتیبی اتخاذ نمود تا در صورت تایید عدم کارکرد بیش از ظرفیت مجاز ، شرکت بتواند قرارداد مذکور را ثبت و از امتیاز آن برخوردار گردد.

۲/۳- عدم وجود وحدت رویه در استانهای کشور و گاهی بین کارشناسان یک استان

هرچند سامانه ساجات به منظور همگن نمودن و جلوگیری از اعمال سلیقه های شخصی در تشخیص صلاحیت طراحی و مورد بهره برداری قرار گرفت، اما همچنان تفاوت دیدگاه کارشناس در استانهای مختلف کشور و یا بین کارشناسان یک استان، شرایط متفاوتی را برای پیمانکاران در احراز صلاحیت رقم می‌زند که به نظر می‌رسد، برگزاری نشستهای هم اندیشی و آموزش کامل به کارشناسان از این تضاد آرا جلوگیری به عمل آورد.

۲/۴- عدم تمکین به نامه های دستگاههای اجرایی در مورد برخی از قراردادها

در برخی موارد در مورد تفکیک درصد رشته‌های کاری مختلف یک پروژه، دستگاههای اجرایی نامه‌هایی در اختیار پیمانکاران قرار می‌دهند ولی کارشناسان سازمان از پذیرش درصد اعلامی از سوی کارفرما خودداری می‌نمایند.

۲/۵- عدم امکان بهره‌مندی از امتیاز قراردادهای بخش خصوصی تا قبل از درج در اظهارنامه مالیاتی

در مورد قراردادهای منعقده با بخش خصوصی که هنوز به پایان نرسیده و امکان صدور مفاصاحساب برای آنها وجود ندارد، روش پذیرش کارکرد، درج در اظهارنامه مالیاتی است اما درج کارکرد سال جاری در انتهای تیرماه سال آینده امکان پذیر است و شرکتها از این رهگذر دچار مشکلات فراوانی می‌شوند، لذا پیشنهاد میگردد، راهکاری برای این موضوع اندیشیده گردد که از نظر این سندیکا قبول اظهارنامه‌های ارزش افزوده میتواند راهکار مناسبی برای رفع این مشکل باشد.

آنچه که پس از ابلاغ بخشنامه ۴۰۴۲۴۵ و تصویب نامه ۹۹۳۵۲ تا کنون رخ داده است:

ابلاغ تصویب نامه ۹۹۳۵۲ و تغییر در فرمول محاسباتی توان تجربی شرکتها، تغییر در فرمول محاسباتی توان مالی، امکان بهره مندی از یکی از اظهارنامه‌های چهارسال اخیر با ضریب بروز رسانی و امکان بهره مندی از سوابق تا ۳۰ سال گذشته شرکتها در یک رشته، هرچند تمام آن چیزی که سندیکا در جهت حذف قوانین مخل کسب و کار برای اعضای خود میخواست نبود اما نتیجه بسیار درخشانی در کارنامه سندیکا در تاثیرگذاری بر قوانین حوزه پیمانکاری می‌باشد.

برگزاری نشست‌های مختلف در سطوح متفاوت سازمان برنامه و بودجه از معاون فنی، امور زیربنایی و تولیدی، رئیس نظام فنی و اجرایی، معاون تشخیص صلاحیت پیمانکاران، رئیس گروه پیمانکاران در سازمان برنامه گرفته تا کمیسیون عمران اتاق ایران، تهیه آمار و مستندات قابل لمس در جهت درک شرایط حاضر پیمانکاران، ارسال نامه‌های متعدد به سازمان برنامه و بودجه کشور و ...علی الخصوص در ۳ ماهه اخیر باعث ایجاد فشار همه جانبه به سازمان در اجرای شدن این تصویب نامه گشت و به مدد این تلاشها از ۱۲ تیرماه سال جاری امتیاز قراردادها بر اساس تبصره ۳ مصوبه مذکور محاسبه میگردد و به طور مثال قراردادی که تا روز یازدهم امتیاز ۳۴۰۰ کسب میکرد به مدد تغییرات صورت پذیرفته ۵۲۰۰ امتیاز کسب مینماید.

به علاوه با ابلاغ بخشنامه ۱۶۷۱۰۸ مورخ ۱۴۰۱/۰۴/۱۱ تغییر در ورود به حرفه که تقریبا غیر ممکن شده بود با پیشنهاد این سندیکا تغییر ماهیت یافته و تنها ظرفیت ارجاع به کار برای شرکتهای فاقد تجربه کاری، یک پنجم ظرفیت ریالی پایه پنج گردید.

سامانه بانک پرسش و پاسخ برای عموم ذینفعان نظام فنی و اجرایی کشور رونمایی شد

رئیس امور نظام فنی اجرایی، مشاورین و پیمانکاران گفت: به منظور ایجاد شفافیت، پاسخگویی سریع و اطلاع‌رسانی منصفانه برای تمام ذی‌نفعان و عوامل نظام فنی و اجرایی، تا بیش از ۷۵ درصد استعلام‌های دریافتی که از جنبه عمومیت و تکرار پرسش مشابه، در مرتبه بالایی قرار دارد، به‌صورت پرسش و پاسخ از طریق سامانه در اختیار عموم قرار گیرد.

به گزارش مرکز اطلاع رسانی، روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان برنامه و بودجه، سید جواد قانع فر گفت: یکی از موضوعاتی که دغدغه مشاوران و پیمانکاران در سطح کشور است، نیاز این گروه به استعلام تفسیر از مفاد شرایط عمومی و بخشنامه های مختلف نظام فنی و اجرایی کشوراست. هر چند نظام فنی و اجرایی کشور حسب وظیفه، همواره تلاش بسیاری داشته است که بتواند به این استعلامات پاسخ دهد ولی تعداد و تنوع این استعلام ها به نحوی است که ظرفیت بالایی از نظام فنی را به خود اختصاص می‌دهد. رئیس امور نظام فنی اجرایی، مشاورین و پیمانکاران افزود: برای پاسخگویی به نیاز ذینفعان نظام فنی و اجرایی کشور، طبق بخشنامه گروه اول و لازم‌الاجرا به شماره ۱۱۶۰۷۳ مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۳۰، امور نظام فنی اجرایی موظف شده است که از تاریخ ۱۴۰۰/۱۲/۰۱پاسخ استعلام‌های به‌عمل‌آمده از سوی دستگاههای اجرایی و مشاورین و پیمانکاران را از طریق پایگاه اطلاع‌رسانی نظام فنی و اجرایی کشور اعلام نماید.

وی تصریح کرد: با ابلاغ بخشنامه پیش‌گفته، این آمادگی ایجاد شده است که به‌منظور ایجاد شفافیت، پاسخگویی سریع و اطلاع رسانی منصفانه برای تمام ذی‌نفعان و عوامل نظام فنی و اجرایی، تا بیش از ۷۵ درصد استعلام‌های دریافتی که از جنبه عمومیت و تکرار پرسش مشابه، در مرتبه بالایی قرار دارد، به‌صورت پرسش و پاسخ از طریق سامانه در اختیار عموم قرار گیرد. قانع فر ادامه داد: بدین منظور از چند ماه گذشته تلاش مستمری انجام‌شده است که سامانه پرسش و پاسخ به‌روزرسانی شود. این اقدامات در دو بخش انجام‌گرفته است که یك بخش مربوط به ایجاد سامانه نرم‌افزاری و بخش دیگر که زمانبر و دارای حساسیت ویژه میباشد، مربوط به تدوین و تکمیل مفاد بانك پرسش و پاسخ می‌باشد. در بخش سامانه نرم‌افزاری، کلیه اقدامات با همکاری مهندس مشاور انجام‌شده و در تاریخ سوم خرداد ماه ۱۴۰۱ و مصادف با سالروز فتح خرمشهر رونمایی شده است.

رئیس امور نظام فنی اجرایی، مشاورین و پیمانکاران افزود: در این مرحله حدود ۱۸۰ پرسش و پاسخ از بخشنامه‌های مهم نظام فنی قابل مشاهده برای کلیه عوامل نظام فنی و عموم می‌باشد که تکمیل سایر مفاد پرسش و پاسخ‌ها در دست انجام است و پیش‌بینی می‌شود با کمك مشاور این طرح، تا انتهای فصل بهار، این تعداد به ۳۰۰ پرسش و پاسخ رسانده شود

گفتنی است؛ سامانه به نحوی طراحی شده است که قابل جستجو بوده و استفاده‌کنندگان می‌توانند چاپ نهایی را در سربرگ سازمان برنامه‌وبودجه به‌عنوان یك سند رسمی و قابل استناد و قابل ارائه به مراجع قانونی دریافت نمایند.

لازم به ذکر است؛ دستیابی به این سامانه از طریق سایت نظام فنی به آدرس nezamfanni.ir و بخش پرسش و پاسخ متداول، مقدور می‌باشد.

۴ خرداد

فهرست قیمت ماشین آلات و وسایل فروشی

ردیف	شرح دستگاه	قیمت نو (تومان)	قیمت کارشناسی شده (تومان)	قیمت فروش نهایی (تومان)
۱	یک دستگاه فینیشر پخش آسفالت مدل pf۶۵ چرخ لاستیکی بلوناکس انگلیسی به انضمام یک موتور اضافی	۱/۷۰۰/۰۰۰/۰۰۰/-	۹۰۰/۰۰۰/۰۰۰/-	۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰/-
۲	یک دستگاه غلتک ۷ چرخ لاستیکی و اتانابه ۱۸-۱۶ تنی به انضمام یک موتور اضافی	۷۵۰/۰۰۰/۰۰۰/-	۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰/-	۳۵۰/۰۰۰/۰۰۰/-
۳	یک دستگاه غلتک دو چرخ آهنی ۶ تنی با موتور دو ایتس ۴ سیلندر	۱۳۰/۰۰۰/۰۰۰/-	۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰/-	۸۰/۰۰۰/۰۰۰/-
۴	یک دستگاه ماشین قیرپاش با موتور ۹۱۱ و مخزن آلمانی و موتور پخش قیر	۳۸۰/۰۰۰/۰۰۰/-	۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰/-	۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰/-
۵	دو دستگاه کارخانه ی آسفالت ۳۰ تنی ساخت تیزپا با موتور محرّک لیستریا کاترپیلار(قیمت دو دستگاه)	۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/-	۱/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰/-	۱/۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰/-
۶	یک دستگاه لودر ۹۲۲ کاترپیلار	۹۰۰/۰۰۰/۰۰۰/-	۶۵۰/۰۰۰/۰۰۰/-	۵۵۰/۰۰۰/۰۰۰/-
۷	یک دستگاه بیل بابکت ساخت آمریکا	۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰/-	۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰/-	۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰/-
۸	یک دستگاه موتور دیزل ژنراتور ۲۰۰ kva	۹۰۰/۰۰۰/۰۰۰/-	۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰/-	۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰/-
۹	یک دستگاه ترانس برق زیمنس ۲۰۰ کا- و -آ	۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰/-	۷۰۰/۰۰۰/۰۰۰/-	۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰/-
۱۰	۴ عدد مخزن قیر ۵۰ هزار لیتری	۱۲۰/۰۰۰/۰۰۰/-	۹۰/۰۰۰/۰۰۰/-	۶۰/۰۰۰/۰۰۰/-
۱۱	یک عدد مخزن گازوئیل ۳۰ هزار لیتری	۱۸/۰۰۰/۰۰۰/-	۱۵/۰۰۰/۰۰۰/-	۱۲/۰۰۰/۰۰۰/-
۱۲	دو عدد مخزن گازوئیل ۲۰ هزار لیتری	۱۰/۰۰۰/۰۰۰/-	۱۴/۰۰۰/۰۰۰/-	۱۲/۰۰۰/۰۰۰/-
۱۳	یک دستگاه ماسه شور با موتور کامل	۴۵۰/۰۰۰/۰۰۰/-	۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰/-	۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰/-
۱۴	تعداد ۲۵۰ عدد قالب جدول پریفابریکه ۱×۰/۳ متر به وزن تقریبی ۵۰۰۰ کیلوگرم	۱۲۵/۰۰۰/۰۰۰/-	۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰/-	۷۵/۰۰۰/۰۰۰/-
۱۵	تعداد ۱۰۰ عدد قالب جدول پریفابریکه ۰/۶×۰/۵۰ متر به وزن تقریبی ۱۷۰۰ کیلوگرم	۴۵/۰۰۰/۰۰۰/-	۳۵/۰۰۰/۰۰۰/-	۲۵/۰۰۰/۰۰۰/-
۱۶	تعدادی نوار نقاله با موتورها و سرند ۲ عدد با موتور گیربوکس دار	۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰/-	۸۰/۰۰۰/۰۰۰/-	۶۰/۰۰۰/۰۰۰/-
جمع کل		۸/۸۹۰/۰۰۰/۰۰۰/-	۵/۹۸۴/۰۰۰/۰۰۰/-	۵/۰۷۴/۰۰۰/۰۰۰/-

شماره تماس: ۰۹۱۳-۱۱۸-۰۲۷۳ مهندس نوری

توضیح ۱: قیمت کارشناسی مربوط به سال ۹۸ می باشد و در صورت خرید یکجا ۵ درصد تخفیف داده می شود.

توضیح ۲: امکان تهاتر با آپارتمان در تهران و کرج و اصفهان با توافق وجود دارد.

ضمناً شرکت ساختمانی و راهسازی کشور آرا که دارای رتبه ۵ راهسازی و ابنیه می باشد به فروش می رسد.

مجموعه پرسش و پاسخ در ارتباط با امور پیمانکاری

سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران

سندیکای شرکت های ساختمانی در حال حاضر چهار موضوع شرایط عمومی پیمان، فهرست بها، تعدیل، قوانین و مقررات را در دستور کار خود برای ارائه در این مجموعه قرار داده است. موضوعات دیگر در دست بررسی های کارشناسانه می باشد.

این مجموعه

با عنوان پرسش و پاسخ در ارتباط با امور پیمانکاری، ابهامات مطروحه در قراردادهای منعقده سال های اخیر با معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری و اظهار نظرهای این نهاد تجمیع گردیده است.

علاقمندان برای تهیه این مجموعه می توانند با سندیکای شرکت های ساختمانی ایران ارتباط برقرار نمایند.

تهران . خیابان طالقانی . خیابان برادران
مظفر . جنب سینما فلسطین . پلاک ۸۶

www . Acco . ir
تلفن : ۶۶۴۶۴۲۶۱ فکس : ۶۶۴۶۴۰۸۴

برج‌های خنک کننده

EBARA

مجتمع فرهنگی، ورزشی، اداری و تجاری فرمانیه

- فوق کم‌صدا
- حداقل مصرف آب
- طول عمر بالا
- بدون لرزش و ارتعاش
- حداقل مصرف انرژی در بارهای جزیی
- وزن کم
- بدون پاشش آب به بیرون
- فیلپک‌ها با قابلیت رسوب‌زدایی آسان
- ۵ سال گارانتی

ابارا

تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۸۰۲۹۲

karoandisheh.com

کار و اندیشه